

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران (توفان)



پرونده‌های جهان متحد شوید!

شماره ۱۷۹ خرداد ۱۴۰۰

فهرست مطالب

- ۲ تحریم فعال «انتخابات» قلبی و سیاست ما در قبال اوضاع کنونی.....
- ۴ دولت متجاوز اسرائیل مجبور به پذیرش آتش بس شد، افسانه شکست‌ناپذیری صهیونیست‌ها درهم شکست.....
- ۶ در حاشیه رد صلاحیت تعدادی از نامزدهای انتخابات نمایشی.....
- ۷ در حاشیه تجمع اعتراضی و راهپیمایی کارگران و کارکنان رسمی نفت در اهواز و سایر شهرها.....
- ۷ در حاشیه پرونده‌سازی امنیتی علیه «فرزانه زیلابی»، وکیل مستقل و شجاع کارگران هفت تپه.....
- ۸ در حاشیه علل خاموشی برق در روزهای اخیر.....
- ۱۰ در غم درگذشت دبیر سابق کنفدراسیون جهانی «سعید میرهادی».....
- ۱۱ در حاشیه قتل «بابک خرم‌مدین» و خواهرش توسط والدین‌شان از نگاهی دیگر.....
- ۱۲ به مناسبت ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت فردوسی، حماسه سرای بزرگ ایران و جهان.....
- ۱۳ بمباران نوار غزه و کشتار بربرمنشانه مردم فلسطین، جنایت علیه بشریت است، آن را قویا محکوم می‌کنیم.....
- ۱۴ مقاومت عادلانه و مشروع فلسطین و دکتترین ترسکیستی «دو قطب ارتجاع!؟».....
- ۱۵ موضع ریاکارانه روسیه در قبال تهاجم و بمباران وحشیانه اسرائیل علیه مردم غزه/فلسطین.....
- ۱۶ بیانیه جبهه متحد چپ اسپانیا، کمیسیون‌های کارگری و اتحادیه عمومی کارگران در رابطه با حملات اسرائیل... ..
- ۱۷ بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست در همبستگی با مبارزات مردم کلمبیا.....
- ۱۸ مرز میان انقلاب و ضدانقلاب در مبارزه خلق فلسطین.....
- ۱۹ چند یادداشت کوتاه.....
- ۲۲ درسهایی از اعتصاب کارگران «معدن کرومیت آسمینون».....
- ۲۶ یک پیروزی مهم برای کارگران هفت تپه.....
- ۲۷ در جبهه نبرد طبقاتی.....
- ۳۹ ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۴۰ پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....
- ۴۱ گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش.....

تحریم فعال «انتخابات» تقلبی و سیاست ما در قبال اوضاع کنونی

سیزدهمین دوره «انتخابات» ریاست جمهوری ایران روز جمعه، ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ برگزار می‌شود و از هم اکنون حاکمیت دستگاه‌های تبلیغاتی خود را به طور گسترده به کار انداخته است تا با گرم کردن تنور «انتخابات» بتواند بخشی از مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشاند و آرای آنها را به نفع نامزد از پیش تعیین شده خود مصادره نماید.

واژه «انتخابات» در دنیای امروز، خواه به منظور انتخاب نمایندگان مجلس قانونگزاری برگزار شود یا به قصد برگزیدن رئیس دولت، واژه‌ای تهی و بدون محتواست؛ تشریفاتی است که در کشورهای دموکراتیک مانند کشورهای غرب یا شوراهائی، که در آنها اثری از آزادی‌های دموکراتیک نیست، هر چند یکبار برگزار می‌شود برای آنکه افراد بی‌اختیاری را با نام «نماینده» به مجلس بفرستند یا کسی را به نام «رئیس دولت» در رأس کشور قرار دهند. با تجدید مجلس قانونگزاری یا ریاست جمهوری هیچ تغییری به سود رأی‌دهندگان صورت نمی‌پذیرد، فقط «حسن» نامی می‌رود و «ابراهیم» نامی جای او را می‌گیرد، همین و بس. انتخابات در همه جا صورتی بیش نیست، صورتی که در وضع زندگی رأی‌دهندگان تأثیری نمی‌گذارد و گاه آن را از بد بدتر می‌کند. در نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران آزادی‌های دموکراتیک جایی ندارند، با این احوال هر چهار سال یکبار «انتخابات» برگزار می‌شود، بدون آنکه تغییری در باطن به نفع توده‌ها روی دهد.

اما آنچه که در این دوره نسبت به ادوار گذشته ویژگی خاصی پیدا کرده است، روی گردانیدن مردم از قول و قرارهای تبلیغاتی نامزدهای ریاست جمهوری است که دیگر کسی همانند گذشته آنها را جدی تلقی نمی‌کند. تجربه روسای جمهوری در گذشته نشان داد که سیاست و برنامه دولت‌های پیشین هیچ‌یک در جهت تأمین نیازهای واقعی اقشار مختلف جامعه و طبقه کارگر تنظیم و تدوین نشده‌اند. آنچه در طول همه این سال‌ها اهمیت داشته است، تداوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و اجرای دقیق سیاست‌های نئولیبرالی است تا بخش خصوصی، که خود از دل حاکمیت بیرون آمده است، بتواند شاخه‌های مهم اقتصاد کشور را تحت کنترل خود درآورد. وظیفه همه دولت‌هائی، که در پس دولت رفسنجانی آمدند، انتقال سرمایه‌های دولتی به بخش خصوصی بوده است و در این مسیر مردم ایران بارها شاهد بوده‌اند که چگونه جناح‌ها و دستجات مافیای اقتصادی، که در دستگاه‌های دولتی نیز از نفوذ قابل توجهی برخوردارند، برای چپاول اموال عمومی به جان هم افتاده‌اند. دستگاه دیوانسالاری نظام سرمایه‌داری ایران نه تنها منابع قدرت را در اختیار این جناح‌های حاکمیت قرار داده، بلکه دزدی و چپاول و اختلاس‌ها را در دل خود نهادینه ساخته است.

در این نظام، اگرچه در ظاهر امر ما با ظواهری از دموکراسی و جمهوریت روبرویم، مانند «انتخابات»، «اصل تفکیک قوا»، «مجلس

قانونگزاری»، «نهاد ریاست جمهوری» و نیز «قوه قضائیه»، که باید اساساً از دو نهاد دیگر مستقل عمل نماید، منتها «ولایت فقیه» با نظارت و دخالت مستقیم خود به مثابه محور نظام هرگونه نهاد دموکراتیکی را از محتوی تهی می‌سازد. در قالب نظامی، که جنبه الهی حکومت بر جنبه مردمی آن غالب است، آن اندیشه سیاسی‌ای می‌تواند در آن تبلور یابد که مظهر اراده الهی باشد، از اینرو حاکمیت مطلق تنها از آن خداست که امامت و ولایت فقیه، که همان بُعد الهی حاکمیت است، طبیعتاً بر بُعد مردمی آن تسلط پیدا می‌کند. در چنین نظامی امامت و ولایت فقیه، که مظهر اراده الهی است، نمی‌تواند تبلور اراده جنبی مردم باشد. در نظام اسلامی ایران، که مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام‌سالاری است، جمهور مردم قادر نیست با مشارکت خود از طریق صندوق رأی بر بُعد الهی آن تأثیر بگذارد، یا از قدرت آن بکاهد و یا آن را محدود سازد. آرای مردم و نقش آنها همواره جنبی است. پیروی و تبعیت از ولایت فقیه - بر اساس اصل شریعت - امری است مبتنی بر تقلید و تعبد، لذا مشروعیت حکومت فقیه از سوی شرع است و نه از سوی جمهور مردم.

اکنون باید روشن شده باشد که «انتخابات» تنها یک امری صوری است. استقرار حکومت ولایت فقیه اثباتاً به پذیرش جمهور مردم بستگی ندارد، یعنی نصب از سوی خداوند است، اگرچه تحقق بیرونی آن ظاهراً منوط به پذیرش مردم باشد. این در حالی است که هیچ‌گونه ولایتی جز با انتساب به نصب و اذن الهی مشروعیت نمی‌یابد. حُب با این تفصیلات باید چه تفسیری از «انتخابات» در این نظام مبتنی بر اذن الهی داشت؟ مشروعیت ولایت فقیه، اگرچه از شرع و شریعت منشأ می‌گیرد، منتها باید در جامعه‌ای، که در آن نه تنها دین اسلام و مذهب شیعه بنیان حکمرانی روحانیت را تشکیل می‌دهد، بلکه باید خود را با نظام سرمایه‌داری و با قوانین بازار سرمایه منطبق سازد. و این انطباق احکام شریعت در دنیای متمدن و پیشرفته امروز در آغاز قرن بیست و یکم، که سرعت پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات دیجیتال چهره دنیای مدرن را تغییر داده است، مشکلی بر مشکلات عدیده روحانیت در ایران افزوده است. روحانیت قادر نیست به دور خود و جامعه‌ای که در آن حکمرانی می‌کند، دیواری بچیند تا از تأثیرات تحولات جاری در سطح جهانی مصون بماند. حاکمیت روحانیت اگرچه اینگونه می‌نماید که با انتساب به نصب و اذن الهی مشروعیت یافته است، منتها راست این است که حاکمیت روحانیت ماهیت طبقاتی دارد و دارای منافع طبقاتی خویش است. حاکمیت روحانیت، که مبتنی بر امامت و ولایت است، با جامعه مدنی و دیگر نهادهای سیاسی در تعارض است. تجربه جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران حاکی از این واقعیت است که جامعه مدنی روز بروز تضعیف گردیده و همواره مورد تهدید جدی قرار گرفته است، و این به این دلیل است که در نظام اسلامی منشأ قوانین، وحی الهی است. از اینروست که «آزادی» به یک امر کاذب تبدیل می‌شود، چرا که آزادی انسانی در این نظام توأم با مسئولیت در برابر خدا مطرح است، یک ایرانی مسلمان و یا غیر مسلمان تنها نسبت به غیر خداوند آزاد است که خود ناشی از بندگی خداوند است. آیا غیر از این است که حق رأی و «انتخابات» که رابطه مردم با ولی را معین می‌کند، طبیعتاً نه از قوانین مدنی که از «قوانین وحی الهی» منشأ می‌گیرند!

روحانیت علی‌رغم اینکه در ابتدای قدرت‌گیری سال‌های ۶۰ کوشش‌هائی کرد تا پایه‌های یک اقتصاد اسلامی و نظام بانکی

سوابق خدمت، چه به عنوان دبیری شورای عالی امنیت ملی، ریاست صدا و سیما، وزارت ارشاد، سه دوره ریاست مجلس شورای اسلامی، نماینده مستقیم رهبری در خصوص امضای قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، (یعنی سیاست‌های کلان کشور، که بر اساس اصل دهم قانون اساسی بر عهده «رهبری» است در موضوع قرار داد چین به لاریجانی تنفیذ شده بود)، حالا چنین خادمی تأیید صلاحیت نمی‌شود.

به نظر می‌آید که به احتمال قوی رأی حاکمیت به «ابراهیم رئیسی» است و برای نشان دادن او بر مسند قدرت اجرائی کشور، حاکمیت از پیش چیدمان مجلس یازدهم را طوری تدارک دید که بر سر راه نامزد مورد اعتماد «رهبر» مانع و رادع جدی بوجود نیاید. ما در این خصوص دو سال قبل در مقاله‌ای در توفان الکترونیکی شماره ۱۶۴ اسفند ماه ۱۳۹۸ تحت عنوان «تحریم انتخابات و بی‌اعتباری نظام» به تصفیه نامزدهای انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از سوی شورای نگهبان اشاره کردیم و آوردیم که این تصفیه، خیزی است که نظام برای انتخابات ۱۴۰۰ برداشته است. به نظر می‌آید که اگر چه به ظاهر چنین می‌نمایند که مجلس اصول‌گرا، مجلس سازش‌ناپذیری باشد، ولی شواهد همه نشان می‌دهند که گام بلند نظام به سوی مذاکره جدی با آمریکا در کادر سیاست راهبردی گرایش به شرق، نیازمند تقریب و انسجام در سطوح مختلف حاکمیت است. حذف آگاهانه و شبه‌کودتاگونه و مرعوب ساختن جناح «اصلاح‌طلب»، که حل مسائل ایران را در چهارچوب سیاست راهبردی با غرب می‌بیند، در کادر استراتژی جناح خامنه‌ای و سپاه پاسداران و تحکیم اتحاد با چین و روسیه و جاده ابریشم قابل تبیین است.

اما چه باید کرد؟ روشن است در شرایط کنونی، که رژیم حتی حفظ ظاهر را هم نکرده است و با وقاحت تمام مردم را به شرکت در این مضحکه «انتخابات» دعوت می‌کند و به تهدید و ارباب‌توسل می‌جوید و دندان نشان می‌دهد، برای نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه در شرایط کنونی راهی جز یک تحریم فعال باقی نمی‌گذارد. رژیم از فرجام یک تحریم فعال و عمومی مردم به شدت نگران است. اما در اوضاع کنونی، که تمام نیروهای امپریالیستی و مزدورانش نیز به میدان آمده‌اند تا از این فضای نارضائی عمومی به نفع اهداف شوم خود بهره‌جویند، برای ما فقط شعار تحریم «انتخابات» کافی نیست، فقط شعار «نه به جمهوری اسلامی» کافی نیست، این فضای تحریم عمومی و «نه» فعال توده میلیونی مردم به این نمایش مسخره را باید با «نه» فعال به تحریم‌های غیرقانونی اقتصادی و مداخلات امپریالیستی پیوند زد و برای سازماندهی صف مستقل مردم و برچیدن تمامیت این نظم ارتجاعی و تغییرات بنیادی جامعه تدارک دید.

رهائی مردم زجر دیده ما از این کابوس وحشتناک روش‌های مبارزه دیگری را می‌طلبد؛ پایه‌های نظام سرمایه‌داری اسلامی ایران امروز سست و لرزان شده‌اند، ولی تا زمانی که ضربه‌ای ولو خفیف، تا زمانی که تلنگری به آن زده نشود، فرو نخواهد نشست. اگر قرار است که این فروپاشی به نفع توده‌ها سرانجام یابد، باید قبل از هر چیز طبقه کارگر را به حزب سیاسی خود مسلح ساخت، اعتماد توده‌ها و اقشار مختلف جامعه را در مبارزات عملی روزانه جلب کرد، که خود بخود به کسب اعتبار طبقه کارگر می‌انجامد. تنها با چنین پشتوانه‌ای می‌توان توده‌ها را سازمان داد و مبارزات آنها را به سرانجام رسانید. راهی جز این متصور نیست. •

اسلامی را مستقر سازد، سرانجام به نظم بازار سرمایه تن داد و درهای دستگاه قدرت الهی را به روی بورژوازی ایران گشود و سیاست‌های کلان اقتصادی را در خدمت تحکیم و تضمین منافع بورژوازی ایران بکارانداخت. اشاره به «اسلامیت» و «تقلید» از ولایت و تبعیت از نظام نه برای تحکیم و تثبیت امر الهی، بلکه برای سرکوب طبقاتی مردمی است که در چنگال سرمایه و نئولیبرالیسم اسلامی گرفتار آمده‌اند تا آن حد که روزی نیست که برای معیشت خود دست به اعتصاب و اعتراض زنند و برای تحقق مطالبات خویش و نیز علیه تضییق حقوق حقه خود بیش از ۴ دهه است که بهای سنگینی برای آن می‌پردازند. جنبش‌های اعتراضی مردم ایران در طی ۲۰ سال اخیر یک سیر تکاملی را پشت سر گذاشته است؛ توهم «استحاله» و «اصلاح» پذیری نظام امروز درهم شکسته است. مردم به هر دو جناح اصلی نظام پشت کرده‌اند و خود می‌بینند که هیچکدام از این دو جناح دغدغه درد مردم را در سر نمی‌پروراند. مردم ایران از شنیدن دروغ، وعده‌های بی‌پشتوانه سران نظام خسته شده‌اند و در نتیجه امروز از صندوق آرای نظام روی برمی‌گردانند و به آن «نه!» می‌گویند. تحریم «انتخابات»، که حزب ما سال‌هاست آنرا به مردم کشورمان توصیه می‌کند، چیزی نیست جز نوع بیان عملی مشارکت فعال مردم در تعیین سرنوشت خود و این با مبارزات آنها برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در تناقض نیست. زمانی مردم ایران در انقلاب مشروطیت برای استقرار حکومت قانون، حکومتی که مشروعیت خویش را از مردم به عاریت گرفته باشد، به‌پاخواستند و در این راه جانفشانی‌ها کردند. مردم ایران به اهمیت التزام حاکمیت به رعایت قانون و احترام به صندوق رأی و دستیابی به ابزار مشارکت دموکراتیک از نوع انتخابات آزاد، آزادی بیان و قلم، آزادی احزاب و دستجات، آزادی مطبوعات و غیره... واقف هستند. تحریم «انتخابات» از این منظر چیزی جز تحریم حاکمیت نیست. ادای احترام به صندوق آراء است که باید در حقیقت تبلور آرای جمهور مردم باشد و نه وسیله مشروعیت زمینی یک حکومت الهی.

با توجه به آنچه که گذشت می‌توانیم با قاطعیت بگوئیم که «انتخابات» در تمام دوره‌های گذشته این نظام هیچگاه آزاد نبوده‌اند. مشارکت مردم در هر دوره از «انتخابات» مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و غیره... همواره جنبه فرعی و تبلیغی برای نظام داشته است. هیچیک از روسای جمهوری و هیچیک از نمایندگان مجلس با رأی واقعی مردم بر مسند قدرت ننشسته‌اند. چه گزینش و چه حذف نامزدهای انتخاباتی هر دو از پیش، از طریق نهادهای کنترل قدرت، تعیین شده است. معیار احراز صلاحیت و یا عدم صلاحیت نامزدهای انتخاباتی بسته به مصلحت نظام است. معیارهای دیگر در کنار آن رنگ می‌بازند و از اهمیت کم‌تری برخوردارند. زمانی «خاتمی» در اثر رأی اعتراضی مردم و نه گفتن به «ناطق نوری» به کسوت ناجی نظام درآمد و بعد از خدماتی که به آن کرد، به کارت سوخته‌ای تبدیل شد و تا به آنجا رفت که او را ممنوع‌التصویر کردند. «احمدی‌نژاد»، این سوگولی «رهبر»، زمانی که مصلحت نظام ایجاب می‌کرد تا از او به عنوان اهرم اجرائی حاکمیت استفاده شود، صلاحیت و گزینش او از پیش محرز بود. امروز او نیز به همان سرنوشت «خاتمی» گرفتار شده است به نحوی که شورای نگهبان صلاحیت او را در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری تأیید نکرد. امروز مصلحت نظام ایجاب می‌کند تا «لاریجانی» با آن همه

آسیب جدی دیده‌اند. خسارت‌های بزرگی هم به حدود ۵۰ تأسیسات آموزشی از جمله مدارس، مهد کودک و وزارت آموزش غزه وارد شده است. دست کم ۷۲ هزار نفر در غزه بی‌خانمان شده‌اند.

دست آورد مقاومت سرسختانه یازده روزه ملت فلسطین چه بوده است؟

یکم اینکه کسانی که با تاریخ ظهور نامیون رژیم صهیونیست اسرائیل آشنائی دارند، می‌دانند که حمله اخیر اسرائیل و بمباران یازده روزه غزه تصادفی نبود و ربطی هم به موشک‌پرانی حماس، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و سایر سازمانهای سیاسی فلسطینی نداشت و ندارد. صهیونیست‌ها از آغاز تأسیس حکومت نژادپرست اسرائیل آهنگ آن داشتند تا تمام سرزمین فلسطین را درسته به‌بلعد و به بسط و گسترش آن و نیل به اسرائیل بزرگ پردازند. مطابق اسناد موجود «لوی اشکول»، نخست وزیر اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷، درباره غزه چنین بیان داشته بود:

«غزه مسئله است. من در سال ۱۹۵۶ آنجا بودم و مارهای سمی را که در خیابان راه می‌رفتند، دیده‌ام. ما باید بخشی از آنها را در شبه جزیره سینا اسکان دهیم و امیدواریم بخش دیگری هم مهاجرت بکنند».

بیانات فاشیستی نخست وزیر اسرائیل، «بنیامین نتانیاو» در روزهای اخیر مبنی بر نابودی حماس، «غزه باید درهم کوبیده شود تا صلح و آرامش برقرار گردد»، با شکست روبرو شد و افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل بار دیگر درهم شکست. پرتاب بیش از ۳۵۰۰ موشک و در تیررس قرار گرفتن تل‌آویو، بیت‌المقدس اشغالی و همه مناطق اشغالی، خواب از چشمان صهیونیست‌ها پراند.

در حملات موشکی یازده روزه مقاومت فلسطین، افزایش حجم شلیک، دقت اصابت و قدرت تخریب موشک‌های نسل جدید گروه‌های فلسطینی حاکی از وقوع یک تحول جدی در صنایع موشکی فلسطین دارد. در حملات اخیر حجم بالای شلیک همزمان موشک‌ها، دفاع هوایی ارتش اسرائیل را که برای مقابله با موشک‌های گروه‌های مقاومت، که مبتنی بر سامانه «گنبد آهنین» است، اشباع و یا اصطلاحاً Numout (تمام موشک‌های رهگیر) کرده و عملاً فرصت رهگیری و انهدام تمام موشک‌ها را از این سامانه سلب کرده بود. دقت اصابت نیز در عملیات موشکی جنگ یازده روزه اخیر قابل مقایسه با گذشته نیست و حاکی از تحولی اساسی در حوزه هدایت و کنترل است. انتشار تصاویری از محل اصابت موشک‌های فلسطینی، که بعضاً اهدافی با ابعاد کوچک چه در مناطق صهیونیست‌نشین و چه در مراکز اقتصادی رژیم حاکی از انتخاب دقیق اهداف توسط گروه‌های مقاومت است. افزایش چشمگیر قدرت تخریب موشک‌ها نشان می‌دهد، گروه‌های فلسطینی تمرکز جدی خود را متوجه توسعه سرچنگی‌های جدید برای موشک‌ها و تولید مواد منفجره با حجم تخریب بالا کرده‌اند.



دولت متجاوز اسرائیل مجبور به پذیرش آتش بس شد، افسانه شکست‌ناپذیری صهیونیست‌ها درهم شکست.

دست آورد مقاومت سرسختانه یازده روزه ملت فلسطین چه بوده است؟

سرانجام پس از جنگی نابرابر و عربده‌کشی‌های دولت صهیونیست و فاشیست اسرائیل به ریاست «بنیامین نتانیاو» در روز جمعه ۲۱ ماه ۲۰۲۱ با سازمان حماس تن به آتش‌بس داد. رژیم تروریستی اسرائیل در این جنگ جنایت‌کارانه و با تمام امکانات نظامی و حمایت‌های مالی و معنوی از سوی ارباب‌باش، امپریالیسم آمریکا، اما موفق نگشت بر اراده پولادین خلقی، که برای سرزمین خود جسورانه می‌جنگد، غلبه کند، او را وادار به تسلیم نماید. این دولت متجاوز اسرائیل بود که سرانجام با فشارهای داخلی و خارجی و نبرد جانانه فلسطینی‌ها تن به عقب‌نشینی و پذیرش آتش‌بس داد. به رغم برتری نظامی اسرائیل و کشتار بیش از ۲۵۰ نفر و تخریب جنایتکارانه امکان عمومی، مدارس، بیمارستان، مهد کودک، آب و برق و پایگاه‌های خبری جهانی اما برنده سیاسی این نبرد نابرابر خلق فلسطین است. افسانه قدرقدرتی اسرائیل درهم شکست و فروپاشید. داستان مسخره «صلح قرن» «دونالد ترامپ» همه دود شد و به هوا رفت!

بیلان و تبعات پرتاب بمباران وحشیانه بزرگ‌ترین «دمکراسی خاورمیانه»، بزرگ‌ترین تروریسم دولتی خاورمیانه بر فراز غزه از زبان دبیر کل سازمان ملل متحد را بخوانیم: «۲۳۰ کشته در غزه که شصت‌وسه نفر از آن کودک هستند، بمباران‌های اسرائیل ۱۳۲ ساختمان در غزه را کاملاً تخریب کرده و ۳۱۶ ساختمان از جمله ۶ بیمارستان و ۹ مرکز بهداشت

خود را به ملت فلسطین ثابت کرد و اکنون حتی فلسطینی‌هایی که به این تشکیلات اعتماد داشتند، پرچم گروه‌های مقاومت را خود مستقلاً به اهتزاز درآوردند.

سوم اینکه مقاومت یازده روزه ملت فلسطین برای موجودیت خود نیز تحسین برانگیز است و این هیولای هشت سر را با شکست مواجه ساخته است. تبلیغات رسانه‌های امپریالیستی نیز علی‌رغم جعل، تحریف، دروغ و متمرکز شدن بر «تروریسم اسلامی حماس» کارساز نبوده است و حرفی برای گفتن در مقابل بیان رسمی و جنایتکارانه اسرائیل توسط دبیر کل سازمان ملل متحد نداشته، خفقان گرفته‌اند. جریانات چپ‌اندزیرچی «جبهه سومی» ایرانی نیز مانند گذشته بیش‌تر حملات خود را بر «حماس» متمرکز کردند و موشک‌پرانی جنبش مقاومت فلسطین را در قالب جنگ «دو قطب ارتجاع» محکوم کردند و همانند گذشته نقش ارتجاعی در این جنگ نابرابر و بمباران جنایتکارانه مردم غزه ایفا نموده و بی‌آبرو شده‌اند.

چهارم اینکه مقاومت جسورانه و عادلانه فلسطین حمایت و همبستگی خلق‌های جهان را نیز به دنبال داشته است اعتراضات گسترده جهانی در کشورهای آلمان، آمریکا، فرانسه، اسپانیا، نروژ، سوئد، دانمارک، هلند، کانادا، ترکیه، یونان، عراق، لبنان، تونس، یمن، پاکستان، کویت، اردن، هندوستان، انگلیس، ایرلند، استرالیا، کوبا، ونزوئلا، بولیوی، شیلی، السالوادور، مکزیک، ایتالیا و چندین کشور دیگر آنهم در شرایط محدودیت‌های پاندمی کرونا در همبستگی و همدردی با خلق فلسطین موجب افزایش خشم و نفرت نسبت به حکومت کودک‌کش و متجاوز اسرائیل گشته و انزوای جهانی او را به دنبال داشته است. چنین فضایی، شرایط همبستگی بین‌المللی را برای نفوذ نیروهائی که خواست‌های مردم و آمال ملت فلسطین را بیان می‌کنند، فراهم می‌سازد و وحدت و یگانگی ملی برای امر نبرد علیه دشمن متجاوز را تقویت می‌سازد.

- ما بار دیگر تجاوز صهیونیست‌های جنایتکار فاشیست به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را محکوم می‌کنیم و این جنایت را ضد بشری می‌دانیم و معتقدیم مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی بین‌المللی به محاکمه کشید.
- ما از مبارزه انقلابی مردم فلسطین و آمال آنها برای اخراج اشغالگران صهیونیست حمایت می‌کنیم.
- ما از هر جنبش مقاومت یهودیان اسرائیلی بر ضد صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها حمایت می‌کنیم و آنرا شرط ایجاد فضائی به دور از سوء ظن برای یک زندگی مسالمت‌آمیز میان همه مردمان سرزمین فلسطین، مستقل از مذهب، به دور از تجاوز طلبی، نژادپرستی می‌بینیم. زمانی که مردم، خود سخنگو شوند، سخنان یکدیگر را خواهند فهمید.

زنده باد خلق قهرمان فلسطین!

نابود باد نظام صهیونیستی تروریستی و متجاوز اسرائیل!

بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط نشریه اسرائیلی «اسرائیل هیوم» هر رهگیری سامانه گنبد آهنین ۸۰ هزار دلار هزینه دارد که از این میزان و بر اساس قراردادهای منعقد شده برای فروش این سامانه مبلغی حدود ۶۵ تا ۷۰ هزار دلار فقط مربوط به موشک این سامانه است و بقیه این مبلغ نیز مربوط به هزینه‌های نگهداری و سایر اجزای سامانه است. در حقیقت دولت اسرائیل برای مقابله با موشک‌ها و راکت‌هائی که از سوی گروه‌های مقاومت فلسطینی شلیک شده و قیمتی به شدت پایین و در حد چند هزار دلار دربرداشته، مجبور گشت موشکی را شلیک کنند که آن شلیک برایشان ۸۰ هزار دلار هزینه داشته است. سامانه شکست‌ناپذیر و رد گیر «گنبد آهنین» اسرائیل همانند سامانه هوایی عربستان سعودی در جنگ با جنبش مقاومت یمن، آسیب‌پذیری‌اش را نشان داد و اسرائیل با شکست روبرو شده است. روزنامه لیبرال اسرائیلی «هاآرتص» نیز اعلام کرد: فلسطینیان، نقاب «شکست‌ناپذیری نظامیان اسرائیلی» را کنار زد. این روزنامه اسرائیلی اذعان دارد که:

«کاری که فلسطینی انجام داد حتی از توان نظامی ارتش‌های زیادی خارج است چرا که سرزمین فلسطین متعلق به آنهاست و در دفاع از آن هر کاری را انجام می‌دهند. اکنون نقاب از چهره «نظامیان اسرائیلی شکست‌ناپذیر» فرو افتاده است». مقاله نویسنده این روزنامه به صراحت اعتراف می‌کند که:

«هر سه روز یکبار خسارت‌هایی که متحمل می‌شویم عبارت است از: ۹۱۲ میلیون دلار ناشی از به پرواز درآمدن جنگنده‌ها و هواپیماها، قیمت موشک‌های پاتریوت، و تجهیز دستگاه‌ها به سوخت و مصرف مهمات. افزون بر آن، به اختلال در فعالیت‌های تجاری، کاهش شاخص بورس، تعلیق اکثر موسسات و فعالیت‌های ساختمانی، مرگ دام و طیور در مزارع به ارزش ده‌ها میلیون دلار، اختلال در برخی فرودگاه‌ها و برخی خطوط قطار و هزینه تغذیه کسانی که به پناهگاه‌ها روی می‌آورند، نیز می‌توان اشاره کرد.»

دوم اینکه یکی از بزرگ‌ترین دست‌آوردی که فلسطینیان در این جنگ یازده روزه به دست آوردند، اتحاد بی‌سابقه همه ملت فلسطین در سراسر سرزمین‌های اشغالی بود. در واقع این مرحله از درگیری‌ها صرفاً جنگ میان مقاومت در غزه با دشمن متجاوز نبود، بلکه اولاً هدف مقاومت فلسطین در این جنگ دفاع از فلسطینیان ساکن اورشلیم/بیت‌المقدس بود و در وهله دوم همه ملت فلسطین در کرانه باختری. و حتی فلسطینیان ساکن مناطق ۱۹۴۸، که اصطلاحاً شهروند اسرائیل لقب گرفته بودند، نیز به برادران و خواهران خود در غزه پیوستند. از آنجایی که بزرگ‌ترین چالش فلسطینی‌ها در برابر دشمن اشغالگر عدم وحدت و انسجام بود، این اتحاد جدید و مقاومت جسورانه می‌تواند نوید احیای یک جبهه قدرتمند رهای‌بخش برای مبارزه با دشمن متجاوز را بدهد؛ به ویژه که تشکیلات خودگردان فلسطین و محمود عباس، رئیس آن که در هماهنگی با صهیونیست‌ها عمل کرده و می‌کند، بی‌کفایتی



در حاشیه رد صلاحیت تعدادی از نامزدهای انتخابات نمایشی

«رئیس جمهور انقلابی مکمل مجلس انقلابی»!

با نگاهی به اسامی نامزدهای تأیید صلاحیت شده از سوی شورای نگهبان و حذف «جهانگیر اسحاقی»، «علی لاریجانی» و «احمدی نژاد» و غیره... به نظر می‌رسد این «شورا» عملاً با تأیید «علی خامنه‌ای» انتخاب خود را برای پست ریاست جمهوری کرده است، تا بدون کم‌ترین دغدغه‌ای «ابراهیم رئیسی» را بر مسند قدرت بنشانند و به این انتخابات، که نمایشی بیش نیست، خاتمه دهد. همانطور که شورای نگهبان گفت: «نگرانی از پایین بودن مشارکت مردم در این انتخابات ندارد، مهم باتقوا و انقلابی بودن رئیس جمهور است». چنین به نظر می‌رسد که اگر اتفاق خاص و غیرمنتظره‌ای در هفته‌های اخیر رخ ندهد، این «ابراهیم رئیسی» است که بدون رقیب جدی برنده این رقابت مسخره است تا مکمل «مجلس انقلابی» گردد!

ابراهیم رئیسی یکی از چهار عضو کمیته موسوم به «هیات مرگ» در اعدام‌های ضدبشری سال ۱۳۶۷ است که آیت‌الله منتظری، قائم مقام وقت رهبری، عملکردش را «جنایت» خواند. حکومت تمایلی به گشودن پرونده این اعدام‌ها نداشته و نخواهد داشت و حتی حسن روحانی در «انتخابات» ۹۶ نگران پیروزی «ابراهیم رئیسی» شد و برای تحریک رأی‌دهندگان در جریان سخنرانی در همدان بدون نام بردن از «رئیس» اعلام کرد «مردم ایران اعلام می‌کنند آنهايي که در طول ۳۸ سال فقط اعدام و زندان را بلد بودند، قبول ندارند... ما آنهايي را که پشت میز نشسته‌اند و حکم صادر کرده‌اند، نمی‌خواهیم». «رئیس» در ۱۸ آذرماه ۹۷ در جمع دانشجویان دانشگاه شهید

بهشتی، نقش خودش را در اعدام‌ها تکذیب کرد و طرح این مساله را «تسویه» حساب با خودش و «امام» خواند و در عین حال تاکید کرد «افتخار من آنست که با جریان نفاق، فساد و چپاول مبارزه کرده‌ام». «روح‌الله حسینیان»، رئیس وقت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در تیرماه ۱۳۹۸ از عملکرد «ابراهیم رئیسی» در اعدام‌های ۶۷ دفاع کرد و گفت: «مردم باید تشکر کنند از آقای رئیسی نه انتقاد بکنند. حالا مسئولین قضایی شدند بدهکار؟». «ابراهیم رئیسی» یکی از افراد معتمد و نزدیک وفادار به «سید علی خامنه‌ای»، رهبر جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران است و اگر در ۲۸ خرداد وی بر مسند قدرت ریاست جمهوری اسلامی بنشیند، دور از انتظار نیست. البته هر اتفاقی در نظام جمهوری اسلامی ممکن است، جز جمهوریت واقعی و رأی مردم، آزادی احزاب، اجتماعات، جدایی دین از دولت، تساوی حقوق زن و مرد و همه مذاهب و غیره. در شرایط فقدان یک جنبش توده‌ای و سازمان‌یافته و یک بدیل انقلابی و مردمی، رژیم جمهوری اسلامی همچنان توان و امکان مانور برای عبور از این بحران را نیز خواهد داشت، همانطور که در خلال چهار دهه اخیر داشته است. نارضایتی عمومی خودبخود منجر به تغییر اساسی در جامعه نخواهد شد. در چنین شرایطی فضای تحریم عمومی و نه فعال توده میلیونی مردم به این نمایش مسخره را باید با نه فعال به تحریم‌های اقتصادی و مداخلات امپریالیستی پیوند زد و برای سازماندهی صف مستقل مردم و برجیدن تمامیت این نظم ارتجاعی و تغییرات بنیادی جامعه تدارک دید. جز این راه دیگری متصور نیست!•

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم

در حاشیه تجمع اعتراضی و راهپیمایی کارگران و کارکنان رسمی نفت در اهواز و سایر شهرها

اعتراض کارکنان رسمی صنعت نفت به نحوه افزایش دستمزد ۱۴۰۰، که دو هفته پیش به تجمع آنان در مقابل مجلس انجامیده بود، چهارشنبه ۵ خرداد به شکل گسترده تری ادامه یافت. صدها تن از کارکنان رسمی صنعت نفت چهارشنبه در تهران، اهواز و دست کم ۶ مرکز نفتی تجمع کردند. آنها شعار می دادند: «وزیر خیانت می کند، مجلس حمایت می کند! و بترسید بترسید ما همه باهم هستیم». در تهران کارگران مقابل مجلس تجمع کردند. در اهواز پس از تجمع مقابل درب شماره ۳ مجموعه مناطق نفت خیز جنوب در اهواز، کارگران در خیابان های شهر راهپیمایی کردند. آنها شعار می دادند: «تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم! زنگنه زنگنه حیا کن وزارت را رها کن!».

کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران واحد بهرگان (یکی از مناطق چهارگانه نفتی ایران در خلیج فارس) در محیط شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. جمعی از کارکنان رسمی شرکت نفت مجتمع دریایی ابوذر در این سکوی دریایی تجمع کردند. کارکنان رسمی شرکت ملی نفت گچساران در محوطه شرکت جمع شدند. کارکنان رسمی نفت پالایشگاه آبادان درون پالایشگاه تجمع کردند. در عسلویه کارگران، که مقابل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی تجمع کرده بودند، شعار می دادند: «وزیر خیانت می کند... مجلس حمایت می کند! بترسید... بترسید... ما همه با هم هستیم! زنگنه حیا کن... وزارت رو رها کن».

کارکنان رسمی نفت با در نظر گرفته نشدن اضافات عمومی (شامل منطقه جغرافیایی، نوع و شرایط شغلی) اعتراض دارند و معتقدند وزارت نفت به جای اجرای قانون آن را تفسیر کرده و به این ترتیب با تعیین سقف برای افزایشات عمومی حقوق کارکنان رسمی نفت «حقوق نیروهای عملیاتی را به نفع نورچشمی هایش به گروگان گرفته است».

رمز پیروزی کارگران ایران و همه زحمتکشان اتحاد و همبستگی و مبارزهای متحد است و تنها از این طریق است که می توان سرانجام به پیروزی رسید.

زنده باد پیکار متحد کارگران!
چاره کارگران وحدت و تشکیلات است! •



در حاشیه پرونده سازی امنیتی علیه «فرزانه زیلابی»، وکیل مستقل و شجاع کارگران هفت تپه

«فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران هفت تپه، شش ماه از اشتغال به وکالت منع شد. «دکتر ناصر زرافشان»، وکیل «فرزانه زیلابی» در مصاحبه ای با روزنامه اعتماد روز دوشنبه، ۲۷ اردیبهشت، گفت: «علاوه بر اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت ملی»، که پیش تر رسانه ای شده بود، اتهام دیگری با عنوان «نشر اکاذیب و عضویت در گروه های معاند» علیه خانم زیلابی مطرح شده است». در واکنش به این اقدام شماری از وکلای دادگستری، ۲۵ اردیبهشت با انتشار بیانیه ای خواستار «توقف تعقیب قضایی» و «مختومه کردن پرونده» این وکیل از سوی قوه قضاییه شدند. «ناصر زرافشان» در این مصاحبه اظهار داشت گرفتن «ممر معاش» یک وکیل را برای تحت فشار قرار دادن او معنای دقیق «سانسور» عنوان کرد و گفت که اگر این اقدام در حرفه وکالت باب شود، «بدعت خطرناکی» است.

چنین پرونده سازی برای «فرزانه زیلابی»، پرونده سازی علیه تمام کارگران هفت تپه است که متحداً برای مطالبات شان و خلع ید از بخش خصوصی مبارزه کرده اند و سرانجام حاکمیت را وادار به عقب نشینی ساختند. حاکمیت سرکوبگر و کارگرسبیز می خواهد با توسل به ارعاب و به گیر و بند، جامعه کارگری و وکلای جسور و مستقل را از ادامه مبارزه خود بترساند، غافل از



در حاشیه علل خاموشی برق در روزهای اخیر

گزارش‌ها از ایران از قطع و اختلال توزیع برق در تهران و بعضی شهرهای دیگر این کشور حکایت دارد. درباره علت این قطعی دلایل متفاوتی ارائه شده است. در ایران برای نخستین بار موضوع خصوصی‌سازی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸) به تصویب رسید. سپس این سیاست در قالب برنامه تعدیل اقتصادی یا به زبان روشن‌تر نتولیرالی به اجرا درآمد. پس از آن چند سالی از شدت اجرای آن کاسته شد و با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، بر سرعت آن افزوده شد و امروز تبعات آن بر کسی پنهان نیست. برق ایران، بر اساس اعلام انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر، پس از ونزوئلا ارزان‌ترین برق جهان است و حالا با سقوط ارزش ریال، نرخ برق ایران نازل‌تر شده است. همین موضوع نام ایران و ونزوئلا را به عنوان دو بهشت استخراج «رمزارز» مطرح کرده است. «مجدد رضا حریری»، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین در این رابطه چنین بیان داشت:

«نه فقط چینی‌ها که لهستانی‌ها، هندی‌ها و ترکیه‌ای‌ها هم در ایران مزارع رمزارز احداث کرده‌اند. چین، لهستان، هند و ترکیه همه با مجوزهای وزارت صمت و وزارت نیرو فعالیت می‌کنند و البته نرخ برق آنها با بهای برق صادراتی محاسبه می‌شود». (تجارت نیوز). مقاله کوتاهی که در زیر می‌خوانید

اینکه امروز در اوضاع و احوال دیگری به‌سرمی‌بریم و سرکوب و اختناق دیگر اثر ندارد. در اعتراض به تشکیل پرونده و دستور منع اشتغال برای «فرزانه زیلابی» ۳۳۶ تن از وکلای دادگستری طی بیانیه‌ای مشترک نسبت به تشکیل پرونده قضایی و منع اشتغال برای «فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران نیشکر هفت تپه واکنش دادند. این وکلای دادگستری قرار منع اشتغال به وکالتی، که بازپرس پرونده برای این وکیل پایه یک صادر کرده را «بدعتی عجیب، خلاف قانون و انصاف» عنوان کردند و خواستار نقض این قرار شدند.

در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

«در هنگامه هجوم به استقلال نهاد وکالت، که یکی از پایه‌های بنیادین عدالت است و پس از شنیدن خبر بازگشت شرکت نیشکر هفت تپه به دولت - که نحوه واگذاری آن به بخش خصوصی و عملکرد مدیریت آن با مسائل و مشکلات عدیده حقوقی همراه بود - کام کارگران و دردمندان عدالت را اندکی شیرین کرد. متأسفانه باخبر شدیم که برای همکار محترم مان وکیل شریف، خانم فرزانه زیلابی در دادسرای انقلاب اهواز پرونده‌ای تشکیل و پنج اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و به نفع گروه‌های معاند، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، عضویت در گروه‌های معاند و توهین به رهبری به ایشان وارد شده است. این اتهامات ناشی از دفاع همه‌جانبه و با قدرت وی از تعداد زیادی از کارگران شریف هفت تپه بوده است.

وظیفه وکیل دادگستری دفاع از موکلین خویش بوده و در این راه، هیچ نهادهی شایسته تاثیر بر دفاع او نیست. تاسف برانگیزتر اینکه بازپرس محترم پرونده، با استناد به ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری، در بدعتی جدید قرار نظارت قضایی مبنی بر منع اشتغال به وکالت صادر کرده است!

آنچه مسلم است، منع یا محرومیت از اشتغال به وکالت جزو موارد اختصاصی و در صلاحیت دادگاه انتظامی کانون وکلا بوده و ورود به این امر و صدور قرار چنین سنگین، که ممر معاش وکیل را مسدود می‌کند، بدعتی عجیب، خلاف قانون و انصاف است. بر این اساس و به جهت رعایت حقوق شهروندان و شجاعت و استقلال در دفاع از موکلین و تحذیر از انجام اقدامات غیرقانونی و فشار بر وکلای دادگستری، خواهان نقض این قرار غیرقانونی هستیم».

با همبستگی با انسان جسور و فرزانه‌ای چون «فرزانه زیلابی»، که جز به وظیفه شغلی و انسانی‌اش عمل نکرده است، از او به عنوان سمبل حق و عدالت دفاع کنیم و صدای او و همه وکلای دلیر و مستقلمی باشیم که در شب قیرگون ظلمت سرمایه‌داری، پرچم مبارزه برای آزادی و روشنایی و کرامت انسانی را برافراشته‌اند. •

مصرف کنندگان (خانگی، صنعتی، کشاورزی و ...) دغدغه مدیریت مصرف ندارند و هر ساله شاهد رشد مصرف برق هستیم در حالی که کشورهای دیگر در حال کاهش دادن مصرف برقشان هستند.

نتیجه گیری

عدم توازن اقتصاد برق (درآمدهای کم، هزینه‌های تولید زیاد) در مدت سه چهارم دهه، مانع از سرمایه‌گذاری کافی در تولید نیروگاه، بهینه‌سازی مصرف و توسعه استفاده از تجهیزات کم مصرف استاندارد شده و کشور در ورطه کمبود برق قرار گرفته است.

آیا مردم مقصر این قضیه هستند؟ خیر! می‌شود اخلاقاً از مردم انتظار داشت درست مصرف کنند، اما حکمرانی عرصه انتظار اخلاقی از مردم نیست. مردم طبق قواعد اقتصادی رفتار می‌کنند. صنعت ساختمان، صنعت لوازم خانگی و فرایندهای اقتصادی تابع اخلاق مردم نیست، تابع اثر قیمت‌هاست.

آیا راهکار، صرفاً افزایش قیمت برق است؟ خیر! مسأله‌ای که در سه چهارم دهه ایجاد شده، با افزایش ناگهانی قیمت درمان نمی‌کنند. این مسأله با بازنگری همه‌جانبه در اقتصاد، فناوری، مناسبات صنعتی، صنعت ساختمان و ... قابل حل است. جهت‌گیری به سمت مدیریت مصرف در نظام اقتصادی - اجتماعی کشور و راهکارهای تدریجی، منسجم و مداوم که در نهایت به واقعی‌سازی قیمت توأم با توانمندسازی اقتصادی مردم بینجامد، بخشی از راه حل است.

پذیرش نقصان و ناکارآمدی مسیر طی شده در اقتصاد برق در چهار دهه، نقطه آغاز این اصلاح است. و گفت‌وگوی صریح درباره این مسأله حیاتی، ضروری است.

برگرفته از روزنامه دنیای اقتصاد

<https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news3411502->

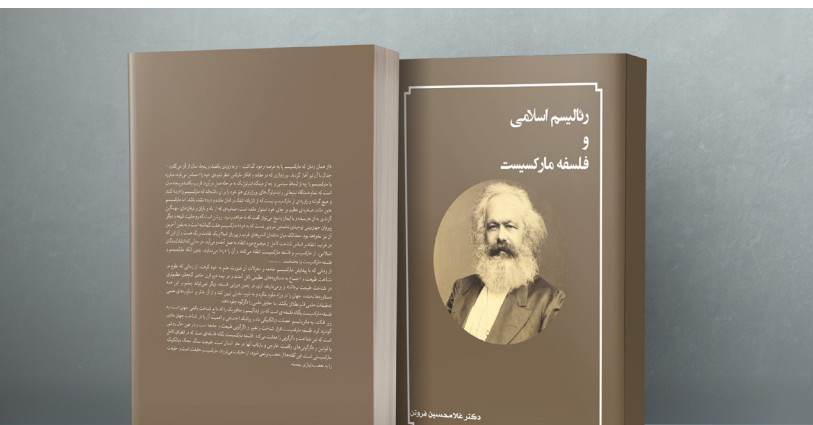
تلخیصی از مقاله مفصل و تحقیقی «حمید چیت‌چیان»، وزیر نیروی دولت یازدهم است که در سال ۱۳۹۶ منتشر گردید. این مقاله به نکاتی اشاره می‌کند که ورشکستی و ناکارآمدی پروژه خصوصی‌سازی را در مورد علل بحران برق اشاره می‌کند که وضعیت امروز خاموشی برق را سبب شده است:

«در سال ۱۳۹۵ هزینه تولید هر کیلووات ساعت برق با احتساب هزینه سوخت (گاز یا گازوئیل) بین ۳۱۰ تا ۴۸۰ تومان (بدون هزینه‌های تولید آلودگی محیط‌زیستی) بوده است. (یک کیلووات ساعت برق، تقریباً معادل برق مصرفی موبایل یک شهروند در طول سال است). مصرف‌کننده برق هر قیمتی که بپردازد، این هزینه بر اقتصاد ملی ایران تحمیل می‌شود. سوختی که در سال ۱۳۹۵ برای تولید برق در کشور مصرف شده، معادل ۱۵ میلیارد دلار بوده است. (به قیمت دلار ۲۰ هزار تومان امروز، می‌شود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان) این هزینه از جیب اقتصاد ملی صرف می‌شود. اگر پول سوخت را هم کلاً لحاظ نکنیم، در سال ۱۳۹۵، هزینه تولید هر کیلووات ساعت برق (هزینه نیروی انسانی، نیروگاه، توربین، انتقال و ...) حدود ۱۱۰ تومان بوده است. در همان سال قیمت فروش برق به مشترکین خانگی، تجاری، صنعتی و کشاورزی به طور متوسط ۶۶ تومان بوده است. فروش هر کیلووات برق ۱۱۰ تومانی به ۶۶ تومان، یعنی ۴۴ تومان ضرر در هر کیلووات.

سؤال ساده: کدام کاسبی را در دنیا پیدا می‌کنید که حاضر باشد در همه عمر کاسبی‌اش کالا را با ۴۰٪ ضرر بفروشد؟ صنعت برق ایران قریب سه چهارم دهه است که این کار را می‌کند. خوب! در نتیجه این وضعیت چه می‌شود؟ بخش خصوصی که حاضر نیست در تولید کالایی سرمایه‌گذاری کند، آن را با ۴۰٪ ضرر می‌فروشد. دولت برق را به قیمت تضمینی از بخش خصوصی می‌خرد. وزارت نیرو و صنعت برقی که برق را با ضرر می‌فروشد، از کجا درآمد داشته باشد تا برق را از بخش خصوصی بخرد! مثلاً ۴۰۰ تومان و بفروشد ۶۶ تومان؟ یکی دو سال این کار را می‌کند، بعد دیگر نمی‌تواند، به بخش خصوصی بدهکار می‌شود و به تدریج بدهی افزایش می‌یابد و بخش خصوصی هم کنار می‌کشد.

مصرف برق کشور سالی متوسط ۵٪ بالا می‌رود. پس باید سالی حداقل ۳ تا ۴ هزار مگاوات نیروگاه جدید بسازد. هر هزار مگاوات نیروگاه ساختن حدود ۶۰۰ میلیون یورو هزینه دارد. یعنی باید سالی حدود ۱۸ تا ۲۴ میلیارد یورو (۴۵ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان) در سال نیروگاه بسازد. کل پول دریافتی از همه مشترکین برق در سال، به نصف این مبلغ هم نمی‌رسد. به دلیل قیمت پایین برق، سرمایه‌گذاری در بهینه‌سازی مصرف به صرفه نیست. وقتی قبض برق خانه‌ای ۵۰ هزار تومان باشد، آیا حاضر است ۴ میلیون تومان برای بهینه‌سازی کولر گازی هزینه کند؟

خیر! در نتیجه بهینه‌سازی، صنعتی اشتغال‌زا، محیط‌زیستی و مولد رشد اقتصادی در کشور از میان می‌رود.



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروزی با ما تماس حاصل فرمائید

تن در داد، به نویسندگی و ادبیات روی آورد و افکار خویش را در قالب زبان آلمانی به رشته تحریر در آورد. سعید در این زمینه به قدری موفق بود که به عنوان سراینده و نویسنده، جوایز فراوانی در آلمان دریافت کرد؛ از جمله:

در سال ۲۰۱۴ مدال ملی آلمان. جایزه «روکرت» در سال ۲۰۱۶ از شورای شهر شوابنهورت و جوایز دیگری را نیز وی از آن خود نمود. سعید در بین سال های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ معاون و از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ مقام ریاست کانون نویسندگان آلمان (انجمن قلم آلمان ((PEN)) را به عهده گرفت و به یکی از چهره های شناخته شده ادبیات آلمان تبدیل گردید.

مبارزات دموکراتیک، ملی و ضد استبدادی سعید در راه آموزش نسل جوان دانشجویان ایرانی در آلمان در قبل از انقلاب بهمین به آنجا منجر شد که وی در کنگره چهاردهم کنفدراسیون جهانی در سال ۱۹۷۳ میلادی برابر ۱۳۵۱ شمسی به دبیری کنفدراسیون جهانی به عنوان مسئول امور دفاعی انتخاب گردید. وی در این مسئولیت در آن سال های بحرانی در ایران، به شدت و با پشتکار برای حمایت از مبارزان درون کشور و حقوق قانونی و دموکراتیک آنها به فعالیت پرداخت. امروز سعید در میان ما نیست، ولی تأثیرات وی حتی در ادبیات آلمان نیز مشهود است.

با درگذشت سعید، ایران یکی از فرزندان تبعیدی خویش را، که قلبش تا آخرین لحظه برای ایران می تپید، از دست داد. دبیران سابق کنفدراسیون جهانی این حادثه ناگوار را به خانواده وی، مبارزان راه آزادی و دموکراسی برای ایران تسلیت می گویند.

سعید سرانجام در آن رشته ای تحصیل کرد که در سازمان های کنفدراسیون جهانی از آن الهام گرفته بود و در آن راه موفق بود.

یادش گرامی باد.

از طرف دبیران سابق کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

- اعلم فریدون
- افطسی کورش
- رضوانی محسن
- رفیع محمود
- زربخش مجید
- شیرازی ناصر
- صدیق جعفر
- پروفیسور غلام آزاد داود
- کردوانی کاظم
- منتقمی فریدون
- دکتر نیرومند بهمین
- کلیبی



در غم درگذشت دبیر سابق کنفدراسیون جهانی «سعید میرهادی»

دوستان، رفقا و هموطنان عزیز!
با تأسف مطلع شدیم که دوست گرامی ما سعید میرهادی در ۱۵ ماه مه ۲۰۲۱ در شهر مونیخ در آلمان درگذشت.

سعید میرهادی در ۲۷ ماه مه ۱۹۴۷ برابر با ۵ خرداد ۱۳۲۶ در تهران در یک خانواده ارتشی به دنیا آمد. به اصرار پدر برای تحصیل در رشته فنی در سال ۱۹۶۵ به آلمان اعزام شد که هرگز به این خواست پدر تن در نداد و برعکس به صفوف دانشجویان مبارزه ایرانی در مونیخ، که در کنفدراسیون جهانی فعالیت می کردند، پیوست. سعید در سیر مبارزات دانشجویان ایران و آلمان بر ضد شاه، که در آن زمان به مونیخ آمده بوده، تحول سیاسی یافت و در مبارزات ملی و دموکراتیک کنفدراسیون جهانی فعال گشت. سعید به آموزش زبان علاقه وافری داشت و در کنار زبان آلمانی به آموزش پاره ای زبان های اروپائی نیز دست زد. همین زمینه ادبی باعث شد که بعد از انقلاب بهمین وقتی سعید برای دومین بار به فشار تبعید



در حاشیه قتل «بابک خرم‌دین» و خواهرش توسط والدین‌شان از نگاهی دیگر

انتشار خبری هولناک از قتل و مثله شدن کارگردان ایرانی «بابک خرم‌دین» به دست والدین خویش در رسانه‌ها، واکنش‌های متفاوتی از طرف اقشار مختلف جامعه را در پی داشت، از اظهارنظرهای عمومی گرفته تا طرح مباحث کارشناسی.

با توجه به سویه‌های متفاوت ماجرا و تأکید بر ضرورت پرداختن همه‌جانبه به آن، آنچه ارجحیت دارد تحلیل نقادانه از عملکرد حاکمیت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی طی چهار دهه گذشته است که علی‌رغم ادعاهای پوشالی متولیان، منجر به چنین رویدادهایی گردیده است. گذشته از نواقص قانونی ناشی از پافشاری بر قانون‌گذاری مبتنی بر موازین شرعی اسلامی به جای مینا قرار دادن علوم انسانی روز، که از یکسو با اجرای احکام حدود و قصاص به بازتولید خشونت و از دیگر سو بر مبنای تأیید مالکیت پدر بر فرزند موجبات تخفیف مجازات فرزندکشی را فراهم می‌آورد، پرداختن به ریشه‌های اجتماعی - اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است.

شاخص‌های آماری حکایت‌گر آن است که در جوامع مرفه با نرخ پائین بیکاری و فقر با تناسبی منطقی شاهد پائین بودن نرخ جرم و جنایت نیز هستیم. البته این به معنی رابطه مستقیم و خطی بین این دو مولفه نیست و مولفه‌های دیگری چون تاریخ، فرهنگ، سرانه مطالعه، نقش رسانه‌ها، برابری جنسیتی و غیره نیز در این بین نقش بازی می‌کنند ولی در نهایت می‌توان در یک نگاه کلی رابطه‌ای منطقی بین سیاست‌های اقتصادی و

نتایج حاصل از آن با میزان جرم و جنایت در یک جامعه یافت. البته این دیدگاه می‌تواند همواره اعتراض بخش عجول جامعه را، که به دنبال درمان خلق‌الساعه و فوری بیماری هستند، و همیشه از پرداختن به ریشه‌ها حوصله‌شان سر می‌رود، به همراه داشته باشد. آنهایی که صرفاً با نسبت دادن همه مصائب به دیدگاه‌های مذهبی حاکمیت و بدون توجه به ریشه‌های اقتصادی آن به جای درمان علت بیماری به دنبال خلاصی از عوارض آن‌اند. پوشیده نیست که اجرای سیاست‌های اقتصادی بازار آزاد مسبب اصلی اختلاف طبقاتی، گسترش فقر، نظام آموزشی، نظام پولی، عدم اولویت بهداشت جسمی و روانی در سبد مخارج خانواده، عدم رشد متناسب سرانه مطالعه و خیلی از پیش‌نیازهای دیگر جامعه سالم است. فراموش نکنیم بسیاری از خشونت‌های حاکمان مذهبی از همان دهه اول حکومت به ظاهر با پوشش مذهبی، ولی در حقیقت جاده صاف‌کن این سیاست‌ها بود. به طور مشخص در این زمینه می‌توان از کشتار خونین مبارزین انقلابی و چپ در دهه شصت یاد کرد. بی‌تردید این اقدام تأثیر بسزایی در از بین بردن افکار مخالف اقتصاد بازار آزاد و ارباب بخش کثیری از بازماندگان آنان شد. البته این نافی نقش بنیادگرایی مذهبی به عنوان ایدئولوژی حاکم نیست، بلکه قائل بودن به نقش روئینایی آن است، چرا که توفیق تفسیری بنیادگرا از دین و اتخاذ سیاست متناسب آن در چهار دهه گذشته در انطباق با منافع اقتصادی گروهی مشخص صورت پذیرفته است. شاهد این مدعا همکاری و پشتیبانی همه جانبه گروه‌های موسوم به مؤتلفه اسلامی متشکل از بازاریان سرشناس از این سیاست‌هاست. شاید در ظاهر و به خصوص در فقره اخیر یعنی قتل «بابک خرم‌دین» چنین به نظر آید که در یک خانواده متوسط به لحاظ اقتصادی و فرهنگی رخ داده و نمی‌تواند مستقیماً به مناسبات اقتصادی جامعه مربوط باشد. ولی با نگاهی عمیق‌تر متوجه می‌شویم مقوله امنیت و فرهنگ برخاسته از مناسباتی بلندمدت مبتنی بر ملزوماتی چون رفاه، رفع نیازهای پایه‌ای معیشتی، هزینه مالی برای رشد بهداشت روانی فردی و اجتماعی، آموزش در مدارس، وضع قوانین به روز و پاسخ‌گو مبتنی بر پیش‌گیری نه مجازات، حمایت مددکاری از کودکان بدسرپرست و لزوم توان‌یابی والدین در حمایت از فرزندان و بسیاری ملزومات دیگر است.

در پایان باید گفت تناقض موجود در رفتار حاکمان در شعار و عمل و همین‌طور شکست گفتمان مذهبی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه در همه ابعاد موجبات خلاء معنوی جامعه را فراهم آورده و به جای رشد زوایای هم‌نوع دوستانه فرد در اجتماع به فردگرایی و خودپرستی دامن زده است.

راه‌هایی از این بند و ناهنجاری‌های کنونی برچیدن نظام مذهبی حاکم، لغو همه قوانین ارتجاعی و تغییر بنیانی مدیریت جامعه و خلاصی از سیاست‌های اقتصادی است که با رشد نابرابری و ترویج فردگرایی جامعه را به چنین حدی از تخریب رهنمون ساخته است. ●



به مناسبت ۲۵ اردیبهشت، روز بزرگداشت فردوسی، حماسه سرای بزرگ ایران و جهان

«ابوالقاسم فردوسی توسی» حدود سال ۳۳۰ هجری قمری برابر با ۳۲۰ خورشیدی و مصادف با سال ۹۴۱ میلادی در توس خراسان متولد شد. فردوسی بزرگ، در اوج قدرت حکومت سامانیان، دست به نظم شاهنامه زد. به عبارتی حدود ۱۸ سال پیش از قدرت گیری سلطان محمود غزنوی. بنابر این، این مطلب که فردوسی به دستور محمود غزنوی و به امید دریافت جایزه شاهنامه را به نظم درآورده، یکسره سخن پوچی است. فردوسی بزرگ شاهکارش را به خاطر زنده کردن حماسه‌های ملی ایرانیان و زنده کردن زبان پارسی و مقاومت در برابر مهاجمان و بیگانگان سلطه‌گر به پایان برد. سزاست که نقل قولی از کمونیست برجسته چون «احمدقاسمی»، درباره شاهنامه فردوسی آورده شود. «شاهنامه فقط وصف شاهان نیست، بلکه در حقیقت وصف ملت ایران است. قهرمان اصلی شاهنامه شاهان نیستند، بلکه رستم است که فقط زور و بازوی او مورد نظر نیست، بلکه پاکدلی، انسان‌دوستی، ایران‌پرستی، بزرگ‌منشی، بلندنظری او صفات عالیه ایران باستان را مجسم می‌کند. در شاهنامه بزرگان ایران دارای شخصیت‌اند، دروغ نمی‌گویند، سرشکستگی به بار نمی‌آورند، فرمان بیدادگرانه‌ای را نمی‌پذیرند». پژوهندگان ایرانی و خارجی، همچون «سعید نفیسی»، «پروفیسور ریپکا»، «مرتضی راوندی»، تاریخ‌نگار برجسته ایران و «احسان طبری» در مقاله «شمه‌ای درباره جنبش اسماعیلیه»، فردوسی بزرگ را همچون ابن سینا، ابوریحان بیرونی، رودکی و ناصر خسرو، از متفکرین شیعه اسماعیلیه خوانده‌اند و «راوندی» در کتاب خود تحت عنوان «تحولات اجتماعی» می‌نویسد: «فردوسی را به دلیل حمله‌ای که به تازیان متجاوز کرده بود، کافر شمردند و از دفن او در قبرستان مسلمانان جلوگیری کردند». اینکه فردوسی شیعه اسماعیلی بوده و یا

اصولاً عقاید دیگری به غیر اسلام داشته، در حوصله این نوشتار نمی‌بینیم و فقط چند نکته را متذکر می‌شویم و در پایان به یک بیت از شاهنامه اشاره می‌کنیم. «عطار» در کتاب «اسرارنامه»، از زبان شیخ ابوالقاسم کرکانی، می‌گوید که فردوسی در مدح گبرکان می‌گفت. ناصر خسرو، که پیرو شیعه اسماعیلی بود، به توس می‌رود و قبر فردوسی را می‌بیند ولی ابداً اشاره‌ای به «شیعه اسماعیلیه» بودن فردوسی نمی‌کند. «حسنک وزیر» با اینکه شیعه بود، ولی در قبرستان مسلمانان دفن شد. امام هشتم شیعیان، دویست سال پیش از فردوسی درگذشت، در تمام سروده‌های فردوسی یک بیت هم در وصف او نیست.

در شاهنامه ابیاتی در وصف امام اول شیعیان آمده که هر که «علی» را قبول ندارد، خوارتر از او در جهان نیست. اینگونه ابیات توسط نساخان شیعه به شاهنامه اضافه شده که مجعول‌اند. مضافاً اینکه اگر به اشعار فردوسی در «گفتار در آفرینش جهان و مردم» دقت شود، خواننده متوجه خواهد شد که خلقت جهان از دید او، یکسره برخلاف آموزه‌های ادیان ابراهیمی است! حال ببینیم آیا صرف حمله به تازیان حکم کافری دارد؟! کافر به زبان پارسی یعنی ناسپاس و بی‌دین و بی‌ایمان به اسلام هم معنی شده است. از دید روحانیان مسلمان، چهار نوع کافر وجود دارد: «کافر حربی» یعنی کسانی که اهل کتاب نبوده و در جنگ با مسلمانان‌اند. «کافر ذمی» یعنی غیرمسلمانانی که در پناه اسلام هر ساله «جزیه» می‌پردازند. «کافر کتابی» یعنی کافرانی که از پیروان پیغمبران دیگر ادیان، مثل یهودی، مسیحی و زرتشتی هستند و همچنین «کافر غیر کتابی» هم به معنی مشرک و بت‌پرست. اگر فردوسی بزرگ «شیعه» می‌بود، هیچکدام از چهار نوع کافری فوق شامل ایشان نمی‌شد، تا روحانیون حکم کافری به او دهند و اجازه دفن در گورستان مسلمانان به وی ندهند! چنانچه گفتیم، صرف گفتن اشعاری چنین، آنهم از زبان «بزدگرد» علیه تازیان حکم کافری ندارد.

«از این مارخوار اهرمن چهرگان

ز دانایی و شرم بی‌بهره‌گان

از این زاغ‌ساران بی‌آب و رنگ

نه هوش و نه دانش نه نام و نه ننگ

پراکنده گردد بدی در جهان

گزند آشکارا و خوبی‌نهان».

شاهنامه، شاهکار حماسه فردوسی بزرگ، در چهارده نسخه وجود دارد. اولین شاهنامه ۲۵۰ سال پس از درگذشت فردوسی قدمت دارد و دارای ۶۰ هزار بیت است. در سروده‌های فردوسی، ۱۰۰۰ بار واژه «بزدان»، ۵۰۰ بار واژه «خداوند»، ۱۷۰ مرتبه «خدا»، ۷۰ بار «دادار» آمده و حتی یک بار هم کلمه «الله» نیامده است. واژه‌های «مومن» و «کافر» مطلقاً در شاهنامه دیده نمی‌شوند و حدوداً ۴۰۰ کلمه عربی نیز در آن وجود دارد. نتیجه اینکه؛ ریشه «کفر» این انسان والا را باید در جای دیگری جستجو نمود!!

«خردمند کاین داستان بشنود - به دانش گراید به دین نگرود»•



بمباران نوار غزه و کشتار بربرمنشانه مردم فلسطین، جنایت علیه بشریت است، آن را قویا محکوم می‌کنیم

اطلاعیه

چند روزی است مناطق مختلف فلسطین، از جمله نوار غزه، کرانه باختری و قدس روزهای خونینی را طی می‌کنند. این حوادث، که با حملات ارتش متجاوز اسرائیل به مسجدالاقصی و محاصره کامل آن آغاز شد، به درگیری با نمازگزاران فلسطینی منجر شد. درگیری بی‌سابقه‌ای که بنابر اعلام هلال احمر فلسطین طی چند ساعت درگیری ۷۱۴ زخمی برجای گذاشته است. اکنون بمباران هوایی غزه به شدت ادامه دارد و تاکنون طبق آمار رسمی بیش از ۲۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی شده‌اند.

این حملات بربرمنشانه با واکنش مقامات، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف فلسطینی مواجه شد. از جبهه خلق برای آزادی فلسطین گرفته تا سازمان حماس و جبهه آزادیبخش فلسطین و سایر سازمان‌های اسلامی و غیراسلامی در جبهه‌ای واحد این بربریت صهیونیستی را محکوم کردند و پرچم مقاومت را برافراشتند. شاخه‌های نظامی جنبش مقاومت فلسطین در حملاتی، مناطق مختلف صهیونیستی را در تیررس موشک‌های خود هدف قرار دادند. اسرائیل نیز در راستای اقدامات تلافی‌جویانه، مناطق مختلف نوار غزه را شب گذشته بمباران کرد و حداقل ۹ کودک فلسطینی جان باختند.

بمباران‌های بربرمنشانه و فاشیستی نوار غزه در چند شب اخیر ادامه کشتار و تجاوزی است که قریب به هفتاد سال ادامه دارد. این آدمکشی اسرائیل بار دیگر نشان می‌دهد که اسرائیل هرگز هوادار حتا دولت کوچک مستقل فلسطینی نیست و در پی آن

است که همه سرزمین فلسطین را درسته به بعد، مردم را کشتار کند، بی‌خانمان نماید، بتاراند، تبعید کند و باقیمانده را در جامعه یهودی حل نماید. این ایدئولوژی دولت اسرائیل است، ایدئولوژی صهیونیستی، نژادپرستانه و فاشیستی که راهنمای عمل اوست. تعرض گسترده اخیر - توسط هواپیماهای شکاری، بمبافکن‌های اسرائیلی جنایت علیه بشریت است. آدمکشان و تروریست‌های صهیونیست - بکلی بی‌اعتنا نسبت به اعتراض خلق‌های عرب و خشم مردم در سراسر جهان بار دیگر غزه را بمباران می‌کنند. صهیونیست‌ها، از سوئی کودکان را به قتل می‌رسانند، آگاهانه زیربنای حیاتی مردم، پمپ آب و کارخانه برق و بیمارستان و مدرسه و مناطق مقدس مردم را، که پناگاه آنهاست، بمباران و ویران می‌کنند، احساسات انسانی میلیون‌ها نفر را مورد تمسخر قرار می‌دهند، تروریسم دولتی به کار می‌برند و از طرف دیگر - بی‌شرمانه - مدعی‌اند که گویا «مشغول مبارزه بر علیه تروریسم هستند!» و یا برای حفظ «ارزش‌های دنیای متمدن می‌جنگند!! زهی بی‌شرمی!

- حزب کار ایران (توفان) بمباران صهیونیست‌ها به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را قویا محکوم می‌کند و این جنایت را ضدبشری می‌داند و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی جهانی به محاکمه کشید.

- حزب کار ایران (توفان) از اعتراضات نیروهای مترقی جهان علیه بمباران مردم فلسطین حمایت می‌کند و همگان را فرامی‌خواند حملات افسارگسیخته و ضدبشری صهیونیست‌ها را محکوم و از مبارزه ملت فلسطین برای رهایی ملی دفاع و ابراز همبستگی نمایند.

نابود باد رژیم صهیونیستی اسرائیل، این چماق بدست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه!

زند باد همبستگی بین‌المللی با ملت فلسطین!

حزب کار ایران (توفان)

سه شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰



مقاومت عادلانه و مشروع فلسطین و دکترین ترسکیستی «دو قطب ارتجاع!؟»

در مورد جنایتکاری صهیونیست‌ها همه نیروهای مترقی جهان هم‌نظرند. در مورد تبهکاری آنها، که سرزمین یک ملتی را طلبکارانه و بی‌شرمانه اشغال کرده‌اند و در پی نسل‌کشی در فلسطین هستند، همه نیروهای مترقی و انسان‌دوست هم‌نظرند، در مورد همدستی امپریالیست‌های آمریکا، اروپا، استرالیا، کانادا و ... همه این مدعیان کذاب حمایت از حقوق بشر، در پشتیبانی بی‌برو برگرد از جنایات اسرائیل، همه انسان‌های صمیمی و روشن‌بین اتفاق نظر دارند. در مورد اینکه ملت فلسطین حق دفاع از خود و دفاع از سرزمین اباء اجدادی‌اش را دارد، همه انسان‌ها متفق‌القولند، در مورد اینکه صهیونیست‌ها باید گور خود را از منطقه گم کنند و بروند به کشورهایی که در آن ساکن بوده‌اند، همه مردم جهان هم‌نظرند. در مورد اینکه هولوکاست نازی‌ها در مورد یهودیان را نمی‌شود در تاریخ با دست صهیونیست‌های نازی تکرار کرد، همه نیروهای مترقی هم‌داستان‌اند. فلسطین سرزمین «لیلا خالد» است و نه سرزمین «گلدامایر» و «آریل شارون»‌ها. در مورد اینکه اخبار انحصارات فکری امپریالیستی دروغ پخش می‌کنند و سیاه را سفید جلوه می‌دهند و از تجاوزکار جنایتکار، مظلوم می‌سازند و از مورد ظلم و تعدی، جنایتکار علم می‌کنند، همه نفرت دارند و حالت تهوع نسبت به این مدعیان دروغگوی «آزادی افکار و بیان» در خود احساس می‌کنند. ولی هستند گروه‌هایی در جهان، که از آخور امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها نشخوار می‌کنند و دست دراز شده آنها در نهضت‌های استقلال‌طلبانه و انقلابی‌اند. این گروه‌ها تئوری‌های صهیونیستی «منصور حکمت» را بازتاب داده و مبارزه‌ای را که در فلسطین در گرفته است، مبارزه بین «دو قطب ارتجاع جهانی» جا می‌زنند. البته هدف آنها در ماهیت

و در عمل حمایت از اسرائیل است. هدف آنها تکفیر جنبش مقاومت مردم فلسطین در مقابل اسرائیل است. هدف آنها حفظ وضع موجود است تا سرزمین‌های فلسطینی همانطور که هست در اشغال صهیونیست‌ها باقی بماند و مردم فلسطین در جامعه اسرائیل حل شود. هدف آنها تضعیف حمایت بین‌المللی از جنبش مردم فلسطین است، جنبشی که امروز چه به خواهیم یا نخواهیم سازمان حماس را نماینده مشروع، منتخب و قانونی خود می‌داند. هدف آنها جنگیدن در جبهه جنگ روانی صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها برای خلع سلاح روانی نیروهای مترقی در زیر شعارهای کاذب و ارتجاعی با لفاظی «انقلابی» است. آنها بیش‌تر حملات‌شان تنها علیه حماس است و جنایات اسرائیل و بمباران نوار غزه و گرسنگی دادن به مردم فلسطین و تحریم اقتصادی را عملاً تأیید می‌کنند. آنها از حق دفاع صهیونیست‌ها و امنیت آنها بی‌شرمانه دفاع می‌کنند.

وقتی آنها از «دو قطب ارتجاعی» صحبت می‌کنند، منظورشان تنها فلسطینی‌ها هستند. این ایرانی‌های مرتجع، که نقاب‌شان در کارزار مسخره امپریالیستی «ایران تریبونال» افتاد و منابع مالی آنها رو شد و سر «شهرزاد نیوز» از آخور وزارت خارجه هلند درآمد، مردم فلسطین را فرا می‌خوانند که در نوار غزه بر ضد جنایات اسرائیلی‌ها مبارزه نکنند، بلکه برای اینکه «انقلابی» باشند، خوب است مسلح شوند و در پارکابی صهیونیست‌ها با «اسلام سیاسی» حماس بجنگند. آنها مردم فلسطین را به جنگ داخلی و برادرکشی دعوت می‌کنند تا خیال صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها راحت شود. البته آنها به این وضوح، که ما دست‌شان را رو می‌کنیم، حرف نمی‌زنند. همه نیروهای ضدانقلاب چون همدست صهیونیست و امپریالیست حرف‌هایشان دو پهلوست، زیرا از مردم می‌ترسند. آنها به مردم فلسطین توصیه می‌کنند، وقتی اسرائیلی‌ها به نسل‌کشی فلسطینی‌ها اقدام کردند، نیروهای «مترقی» در فلسطین باید با اسلحه خود هر دو طرف را «نابود» سازند، جنگ داخلی راه بیندازند و در نوار غزه سوسیالیسم؟! را مستقر کنند. یک تیر هوایی به صهیونیست‌ها و یک تیر خلاص به حماسی‌ها!! به این می‌گویند یک سیاست چپ اندرچیچی به نفع صهیونیسم و امپریالیسم. «جبهه سوم» این جریانات عجق و جق، یک جبهه موهومی است، وجود ندارد. در نتیجه در جنگ و تجاوز و کشتاری که در جریان است، بی‌طرف‌اند، به هر دو طرف نه می‌گویند، هیچ طرف جنگ عادلانه نیست، مقاومت ملت فلسطین هم عادلانه نیست، زیرا، رهبری آن در دست سازمان حماس است، حتا اگر این سازمان منتخب ملتی باشد که تحت اشغال قرار دارد..... این جریانات به لحاظ ذهنی و روانی سالم نیستند، آلودگی شدیدی به تئوری‌های ترسکیستی «منصور حکمت»ی دارند و نقش مخرب و خائنانه‌ای علیه خلق‌های جهان و جنبش‌های آزادی‌بخش ایفا می‌کنند، باید در مقابل این فرقه‌های ورشکسته سیاسی ایستاد و به افشا و طرد آنها پرداخت. زنده باد همبستگی با نبرد عادلانه خلق قهرمان فلسطین!•



موضع ریاکارانه روسیه در قبال تهاجم و بمباران وحشیانه اسرائیل علیه مردم غزه/ فلسطین

رذالتی! درحالی که مقاومت ملت فلسطین، مقاومتی مشروع، دفاعی و عادلانه است و باید از آن حمایت نمود. مطابق آخرین خبر از وزارت بهداشت فلسطین تعداد قربانیان حملات غیرانسانی و فاشیستی رژیم آپارتاید و ارتش آدم‌خوار و متجاوز اسرائیل علیه غزه به ۱۰۳ فلسطینی از جمله ۲۷ کودک رسیده است. نزدیک به ۹۰۰ نفر نیز در اثر حملات وحشیانه هوایی و درگیری‌ها روی زمین در کرانه باختری و شهر بیت‌المقدس زخمی شده‌اند. این حق طبیعی ملت فلسطین است که با موشک و هر وسیله‌ای از سرزمین خود دفاع کند، دعوت از ملت قربانی تحت اشغال، به خویش‌داری، آنهم در مقابل دولتی متجاوز و جنایتکار، که ظهور نامیمون و بقای او با ترور و کشتار و نسل‌کشی عجیب است، یک دغ‌لکاری بین‌المللی سیاسی است که حاصلی جز بی‌اعتباری برای سردمداران روسیه دربر نخواهد داشت. بیش از یک هفته است که محله فلسطینی نشین «شیخ جراح» در بیت‌المقدس صحنه درگیری میان پلیس اسرائیل و فلسطینی‌ها و حامیان آنهاست. جرقه این درگیری‌ها زمانی زده شد، که صهیونیست‌های اسرائیل قلدردمنشانه تصمیم به اخراج ده‌ها خانواده فلسطینی از این منطقه با هدف اسکان مهاجران اسرائیلی گرفتند. همه دولت‌های جهان، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا و غیره ... باید بدون اما و اگر تروریسم دولتی ویرانگر اسرائیل را محکوم کنند و به تحریم همه‌جانبه این غده سرطانی مبادرت ورزند. ممالکی که از موضع‌گیری صریح و روشن پرهیز می‌کنند و خلق دلاور فلسطین را بی‌شرمانه به خویش‌داری دعوت می‌کنند، همدستان رژیم صهیونیستی اسرائیل برای تداوم جنگ و اشغال و خونریزی هستند و جز این نیست!

زنده باد نبرد ملت فلسطین نماد ظلم‌ستیزی و مقاومت در سراسر جهان!

از مبارزه عادلانه خلق فلسطین حمایت کنیم!

تحریم باد رژیم کودک‌کش صهیونیستی اسرائیل!

۱۳ مه ۲۰۲۱

روسیه روز چهارشنبه، ۱۲ ماه مه ۲۰۲۱ ضمن ابراز نگرانی از تحولات غزه و بیت‌المقدس، خواستار خویش‌داری طرفین شد! دعوت به «خویش‌داری» فلسطینیها و صهیونیست‌ها کثیف‌ترین میانجی‌گری است که روسیه نیز مانند آمریکا و اعوان و انصارش اتخاذ کرده است و قربانی و متجاوز را در یک کفه ترازو قرار می‌دهد. روسیه خواستار برگزاری یک نشست اضطراری چهارجانبه با حضور نمایندگان اتحادیه اروپا، روسیه، ایالات متحده آمریکا و سازمان ملل شد. «دیمیتری پسکوف»، سخنگوی دفتر ریاست جمهوری روسیه، در بیانیه‌ای از هر دو طرف خواست که در چهارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل، راه حلی برای اختلافات خود بیابند. او گفت: «ما از هر دو طرف می‌خواهیم که خویش‌داری کنند. ما از افزایش تعداد تلفات غیرنظامیان و همچنین بمباران‌ها و حملات هوایی نگران هستیم». روسیه امپریالیستی بخاطر منافع اقتصادی‌اش سلاحی مردم فلسطین را محکوم نمی‌کند، دولت متجاوز و تا بن دندان مسلح صهیونیست اسرائیل را به عنوان طرف اصلی و مسبب این جنگ دعوت به خویش‌داری و توقف بمباران. نمی‌کند، بلکه همزمان مردم تحت ستم فلسطین را، که با کم‌ترین امکانات نظامی برای استقلال ملی می‌رزمند و تحت شدیدترین حملات ویرانگر هوایی است، به خویش‌داری دعوت می‌کند. چه



بیانیه جبهه متحد چپ اسپانیا، کمیسیون‌های کارگری و اتحادیه عمومی کارگران در رابطه با حملات اسرائیل به غزه

ما خواهان توقف بلافاصله حملات اسرائیل به سرزمین فلسطین هستیم.

در روزهای اخیر حملات بی‌وقفه اسرائیل به غزه ۲۱۷ کشته را از خود به جای گذاشته است که ۶۳ نفر از قربانیان کودک بوده‌اند و همچنین در میان قربانیان چند خانواده وجود دارند که تمامی آنان از میان رفته‌اند. باید به این قربانیان ۱۲۳۵ زخمی را نیز اضافه کرد. بسیاری از زیرساخت‌های غزه بکلی ویران شده‌اند. در این میان باید از بیماران و نابودی ساختمانی یاد کنیم که محل اسکان خبرنگاران و استقرار وسایل ارتباط جمعی بوده است که از مصادیق جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. موشک‌هائی که از غزه به سوی اسرائیل پرتاب شده‌اند، ۱۲ قربانی را به جای گذاشته‌اند که از آنها ۵ کودک بوده‌اند.

ضرب و شتم و مجروح کردن فلسطینیان مقیم اسرائیل و حمله ارتش اسرائیل به معترضین فلسطینی ساکن بیت‌المقدس تاکنون ۲۲ قربانی از خود به جا گذاشته است. بالاگرفتن خشونت‌ها در روزهای اخیر به دنبال یکماه پُر تشنج به طور مشخص در بیت‌المقدس اتفاق افتاده است. حمله به مساجد و اماکن مقدس مسلمانان در بیت‌المقدس با شعار «مرگ بر اعراب» و اضافه بر آن پاسخ خشونت‌آمیز به تظاهرات مسالمت‌آمیزی که در محله «شیخ جراح» توسط فلسطینیان برگزار شده بود، از عوامل

بوجود آورنده شرایط فعلی است.

ما، سازمان‌های سیاسی و سندیکائی، که این بیانیه را امضا می‌کنیم، سرکوب مردم غیرنظامی فلسطین و نابودکردن زیرساخت‌های شهری آنان را توسط دولت اسرائیل محکوم می‌کنیم و خواهان قطع بلافاصله این حملات هستیم. همچنین خواهان آن هستیم که با اجرای سیاست‌های هدفمند به اشغال سرزمین‌های فلسطین، محاصره غزه و اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه مردم فلسطین برای همیشه پایان داده شود. می‌باید با به‌کارگرفتن همه‌جانبه حقوق بین‌الملل و اعمال فشارهای سیاسی و اجتماعی بر دولت اسرائیل اجرای تمامی قطعنامه‌های مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد ضمانت اجرائی یابند.

دولت اسپانیا باید در مجامع بین‌المللی، در سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا علیه سیاست‌های تهاجمی اسرائیل علیه مردم فلسطین موضع قاطع داشته باشد. دولت اسپانیا باید تلاش کند تا احترام به حقوق بین‌الملل و منشور حقوق بشر ناظر به روابط اسرائیل و فلسطین بوده و اسرائیل به اجرای آنها گردن بگذارد، تا از این طریق صلح عادلانه و پایدار برای همزیستی آنان به دست آید. ما همچنین مصرأ خواستار آن هستیم که کار و تلاش فعالین و کمک‌رسانان سازمان‌های حقوق بشری، که به شدت مورد تعقیب و پیگرد دولت اسرائیل قرار دارند، مورد محافظت مجامع بین‌المللی قرار گیرند. در اینجا باید یاد کنیم از فعال حقوق بشری «خوانا روئیس»، شهروند اسپانیائی که بدون هیچ مجوز قانونی توسط نیروهای نظامی اسرائیل دستگیر شده و در زندان به سر می‌برد.

ما امضاکنندگان این بیانیه از اسرائیل می‌خواهیم که بلافاصله به تمامی حملات خود به منطقه غزه پایان دهد. به صورت عاجل از اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای اروپایی می‌خواهیم که دولت فلسطین را به رسمیت بشناسند و همه راه‌های قانونی را به کار گیرند تا فلسطین به عنوان یک کشور به عضویت سازمان سازمان ملل متحد درآید و از کلیه حقوق یک عضو این سازمان برخوردار شود تا از این طریق امکان پایان دادن به اشغال سرزمین‌های فلسطین و محاصره آنها فراهم گردد و نقض پیوسته حقوق بشر و اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل برای همیشه پایان یابند.

پودموس

کمیسیون‌های کارگری اسپانیا

اتحادیه عمومی کارگران اسپانیا

جبهه متحد چپ اسپانیا

۲۰۲۱/۵/۱۹

توضیح: «پودموس» و «جبهه متحد چپ» هم اکنون دارای چهار وزیر در دولت اسپانیا هستند و کمیسیون‌های کارگری و اتحادیه عمومی کارگران

بزرگ‌ترین تشکل‌های کارگری اسپانیا هستند.

دارایی، «آلبرتو کاراسکیلا» - مغز خاکستری پروژه - گردید و «ایوان دوکه» خواستار «گفتگوی ملی» برای غلبه بر بحران شد، اما مبارزه همچنان ادامه دارد. مردم کلمبیا فرصت تنفس به دولت نمی‌دهند، آنها آشکارا دولت سرکوبگر استبدادی را به چالش می‌کشند. کل جامعه می‌داند که روسای ارتش، پلیس و کل دستگاه‌های امنیتی دارای عقاید فاشیستی هستند، تحت سرپرستی دستگاه اطلاعاتی ایالات متحده قرار دارند، مروج گروه‌های شبه نظامی هستند، و با قاچاق مواد مخدر مرتبط‌اند. این مبارزه نمونه بارزی است از آن که وقتی اکثریت توده‌ها برای مبارزه متحد شوند، شدیدترین دشمن را به عقب می‌رانند. گستردگی، وسعت و رزمندگی اعتراضات بیانگر سطح نارضایتی و سرخوردگی مردم از شرایط زندگی‌شان است: نزدیک به ۱۰ درصد بیکاری آشکار، ۵۰ درصد شکل غیررسمی کار. کلمبیا به دلیل فقر، خشونت و ناامنی ایجاد شده توسط دولت، یکی از کشورهای بی‌امنی‌ترین است که دارای بالاترین میزان آوارگان داخلی است؛ کشوری که در آن کرونا بی‌داد می‌کند و دولت‌اش ناتوان در اتخاذ برنامه‌ای روشن برای واکسیناسیونی مناسب؛ کشوری با دومین بودجه نظامی در آمریکای لاتین؛ کشوری که در آن در سه ماهه اول سال جاری ۲۳ قتل عام رخ داده و در طول سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۵۰ دهقان و رهبر اتحادیه و جامعه ترور شدند. مردم کلمبیا در نوامبر ۲۰۱۹، در شیپور اعتراضات اجتماعی گسترده و رزمنده دمیدند. به طور کلی می‌توان گفت که بسیج بخش‌های مختلف توده‌ها به طور مداوم صورت گرفته است.

- ما همبستگی خود را با این مبارزه ابراز می‌داریم و خواستار ادامه اقدامات همبستگی با کلمبیا در کشورهای مختلف و محکوم کردن دولت «ایوان دوکه» در سرکوب جنایتکارانه مردم هستیم. ما به خواست مردم برای استعفای رئیس‌جمهور «ایوان دوکه» ملحق می‌شویم.
- ما به رفقا و رهبران حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست - لنینیست)، که در خط مقدم مبارزه هستند، می‌پیوندیم.
- ما مرتجع‌ترین بخش‌های دولت کلمبیا: «اوربیه»، «دوکه»، سران ارتش و پلیس را که به اعتراضات اجتماعی و نیروهای درگیر در آن به عنوان اقدامات جنگی، به عنوان رویدادهای «بی‌ثبات‌سازی قدرت و پایان دادن به دموکراسی» نگاه می‌کنند، شدیداً محکوم می‌کنیم. با این نوع منطق، آنها با سبیت و نفرت به خواسته‌های مردم پاسخ داده‌اند. نیروهای نظم و قانون دولت در وضعیت جنگی علیه مردم قرار دارند. ما پذیرش این وضعیت را رد می‌کنیم و خواستار محکومیت آن در سراسر جهان هستیم.

کمیته هماهنگی

کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست

۷ ماه مه ۲۰۲۱



بیانیه کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست در همبستگی با مبارزات مردم کلمبیا

یک انفجار اجتماعی جدید علیه سیاست‌های ضد مردمی بورژوازی، اینبار در کلمبیا رخ داده است. میلیون‌ها نفر از کارگران، دهقانان، جوانان، زنان، بیکاران، هنرمندان، بازنشستگان و با ساکنان محلات با اعتراضات رزمنده، که از ۲۸ آوریل گذشته آغاز شد، کشور را فلج کردند و با وجود کشتار ده‌ها مبارز توسط نیروهای «نظم و قانون» و صدها زخمی، شکنجه، و حتی تجاوز جنسی اعتراضات همچنان ادامه دارد. ارتش و پلیس برای مقابله با کسانی که دشمن داخلی می‌دانند، با سیاست معمول جنگی خود به آنها پاسخ می‌دهند.

قدرتمندی و شدت اعتراضات، که حتی از پیش‌بینی‌های سازمان‌هایی که اعتصاب را در ۲۸ مارس فراخوانده بودند، فراتر رفته بود، دولت دست راستی «ایوان دوکه» را مجبور کرد که لایحه اصلاح مالیات را، که با عوام‌فریبی و خودخواهی آن را «همبستگی پایدار» نامیده است، پس بگیرد. هدف این لایحه افزایش مالیات بر حقوق و بر مصرف بود که عمدتاً بر بخش‌های پائین و متوسط جامعه تأثیر می‌گذاشت و این در حالی است که دولت تدابیری برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌های بزرگ اتخاذ کرده است. لایحه اصلاحات مالیاتی به تصویب نرسید؛ بسیج توده‌ای مجبور به استعفا وزیر



مرز میان انقلاب و ضدانقلاب در مبارزه خلق فلسطین

حماس منتسب می‌کنند تا با تکیه بر نوع اندیشه اسلامی این سازمان و ارتباطش با جمهوری اسلامی جبهه مقاومت ضد صهیونیستی را تخطئه کنند. زهی بی‌شرمی!

این سازمان‌ها، که خود را به کوچه علی چپ زده‌اند، با بی‌شرمی تمام نظرات انحرافی خود را دفاع از فلسطین جا می‌زنند. و با آسمان و ریسمان به هم بافتن، وظیفه مردم فلسطین را نه مبارزه علیه اسرائیل، بلکه مبارزه علیه گروه‌های اسلامی معرفی می‌کنند. گویا برای مبارزه در راه وطن حتماً می‌بایست چپ و مخالف اسلام بود. در اطلاعیه مشترکی که اخیراً تحت نام غلط‌انداز «تنها دخالت بشریت متری می‌تواند به جنگ در فلسطین پایان دهد!»، انتشار یافته است، جنین می‌خوانیم «بیش از یک هفته است که مردم فلسطین بار دیگر قربانی جنگی ویرانگر شده‌اند که در یک سوی آن یک رژیم نژادپرست و اشغالگر قرار گرفته و در سوی دیگر، یک جریان ارتجاعی اسلامی و تروریستی که به نام مردم فلسطین در آتش این جنگ می‌دمد».

اینکه هر دو طرف را یکسان می‌خواند از آن جهت نیست که به طرفداری از فلسطین برخیزد، بلکه می‌خواهد خواننده را آماده کند تا علیه مبارزان فلسطین موضع بگیرد. از همین ابتدای متن شرم‌آور خود نه از مبارزان و گروه‌های مختلف فلسطینی، بلکه فقط از حماس سخن می‌گوید تا با نفی مبارزه این بزرگ‌ترین سازمان مقاومت فلسطینی در شرایط کنونی به نفی مبارزه سایر گروه‌های مقاومت، که با حماس در یک جبهه می‌جنگند، بپردازند.

این منحرفان با نادیده گرفتن موج طرفداری مردم جهان از مبارزه متحد تمام گروه‌های فلسطینی و محکوم ساختن ارتش کودک‌کش اسرائیل از جانب جهانیان، از محکومیت هر دو طرف سخن به میان می‌آورند تا اربابان‌شان را از مهلکه نجات دهند. در این اطلاعیه مشترک آورده‌اند: «شورای همکاری

ارتش تا دندان مسلح صهیونیست‌ها بار دیگر با تهاجمی وحشیانه سعی در ادامه نقشه‌های ضدانسانی خود در نابودی فلسطین و خلق قهرمان‌اش دارد. ولی مبارزان فلسطینی با هر عقیده و مرام و مذهبی که دارند، متحدانه در مقابل تهاجم حیوانی صهیونیست‌ها، تمام قد ایستاده‌اند و با بذل جان گرانقدر خود در راه وطن، از حیثیت ملی و موطن عزیز، به دفاع برخاسته‌اند تا افکار و نقشه‌های صهیونیست‌ها را به سخره بگیرند و آنها را نقش بر آب کنند.

کارگران و زحمتکش‌ان، انقلابیون و روشنفکران، هنرمندان و ادیبان و تمامی خلق‌ها و انسان‌های شریف در دفاع از انسانیت و بشریت متری در کنار خلق فلسطین به صف شدند و یکصدابا به محکوم ساختن صهیونیست‌ها و اربابان امپریالیست آن پرداختند و از خلق فلسطین و جبهه مقاومت ضد صهیونیستی دفاع نمودند و در همان حال امپریالیست‌ها و نوکران ریز و درشت‌شان به فریب و دروغ‌گویی افتادند تا دولت صهیونیستی اسرائیل را محق، مظلوم و در حالت دفاعی نشان دهند، تا این سگ زنجیری و دولت و کشور جعلی را از مهلکه نجات بخشند. در این میان وضعیت عده‌ای نابخرد، جیره‌خوار و منحرف و آلوده به افکار تروتسکیستی، که به ویروس کشنده «منصور حکمت» آلوده‌اند، تلاش مذبحخانه‌ای در ایجاد انشقاق، در مبارزه متحد ضد صهیونیستی به عمل می‌آورند تا هم رضایت اربابان را به دست آورند و هم به خیال خود مبارزات ضد صهیونیستی را به شکست بکشاند و به تضعیف جبهه مقاومت فلسطین کمر همت بندند. اینان با بی‌شرمی تمام جبهه متحد خلق فلسطین و مبارزه متحد تمامی گروه‌های فلسطینی را به «حماس» و فقط

چند یادداشت کوتاه



افزایش چشمگیر هزینه‌های نظامی علی‌رغم شیوع «ویروس کرونا» در سال گذشته

افزایش هزینه نظامی در سال گذشته، سال ۲۰۲۰ در شرایطی بوده است که بحران شیوع «ویروس کرونا» فشار زیادی را بر تولید ناخالص داخلی جهان وارد کرده است. امپریالیسم آمریکا همچنان بیش‌ترین هزینه‌های نظامی جهان را در سال گذشته در اختیار داشته و ۴۰ درصد هزینه‌های نظامی دنیا معادل ۷۷۸ میلیارد دلار مربوط به آمریکا بوده است. به عبارت دیگر هزینه نظامی آمریکا ۴.۴ درصد افزایش یافته است. میزان هزینه‌های نظامی چین نیز در این مدت به ۱۹۳،۳ میلیارد دلار رسیده تا این کشور نیز ۱،۶ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان را به خود اختصاص دهد. هزینه نظامی امپریالیسم چین در سال گذشته ۱،۹ درصد افزایش داشته و با ۲۵۲ میلیارد دلار جایگاه دوم را در جهان دار است. رشد هزینه‌های نظامی چین تأثیر مستقیمی بر افزایش سرسام‌آور هزینه‌های نظامی آسیا داشته است، به طوری که هزینه‌های نظامی چین ۲۵ درصد کل هزینه‌های نظامی قاره آسیا را تشکیل داده است. طبق موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی هزینه‌های نظامی هند ۷۲،۹ میلیارد دلار، روسیه ۶۱،۷ میلیارد دلار و انگلیس به ترتیب مقام‌های دوم تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. اروپا در سال گذشته ۲ درصد به هزینه نظامی خود افزود.

تصور کنید اگر این همه سرمایه‌گذاری در بخش تسلیحات مرگ‌آور و این همه هزینه نظامی صرف رفاه و سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت و درمان و نیازهای اولیه انسان می‌شد، آنوقت با چه سهولتی می‌توانستیم در مقابل «ویروس کرونا» بایستیم و خود را در مقابل پاندمی‌های آینده آماده نماییم.

دین و پریشانی اخلاقی

مارکس در مورد این وضعیت آشفته و پریشانی و ریاکاری اخلاقی سخن نغزی دارد و می‌گوید:

«پریشانی دینی هم جلوه‌ای از پریشانی واقعی (اقتصادی) است و هم اعتراض بر ضد پریشانی واقعی. از بین بردن دین به عنوان خرسندی خیالی مردم برای نیل به خرسندی واقعی ضرورت دارد. افیون ماده مخدری است که درد را تسکین می‌دهد و در عین حال توهم ایجاد می‌کند».

دین از نظر مارکس با توهم جهان فوق طبیعی، که در آن

نیروهای چپ و کمونیست بر این باور است، اگر دولت نژادپرست و جریانات راست افراطی اسرائیل و نیز دولت‌های امپریالیستی همراه با جنبش ارتجاعی اسلامی از این جنگ و جدال بهره می‌جویند، اما مردم کارگر و زحمتکش فلسطین و اسرائیل هیچ نفعی در آن ندارند. تنها اقدام مشترک همین مردم و پشتیبانی بی‌دریغ بشریت مترقی از حق عادلانه مردم فلسطین برای تشکیل یک دولت مستقل و بازگشت اسرائیل به مرزهای سال ۱۹۶۷ می‌تواند بر این تراژدی تاریخی نکته پایانی بگذارد. تظاهرات مشترک نیروهای مترقی و پیشرو اسرائیل همراه با اعراب ساکن اسرائیل علیه این بربریت هم‌زمان با این جنگ و جدال خونین در شهرهای اورشلیم و تل‌آویو بیان آشکار این امر است که بدیل انسانی و پیشرو برای پایان دادن به این بحران تاریخی موجود است. این بدیل تنها می‌تواند مبتنی بر آزادیخواهی و برابری طلبی و ایجاد کشور مستقل فلسطین باشد. آنچه که در اطلاعیه آمده است به زبان ساده به این مفهوم است که مبارزه را کنار بگذارید و به دنبال در باغ سبز بروید. گروه‌های مقاومت خود را رها کنید، همینطور از حمایت جهانی چشم‌پوشید و به وعده سرخرمن بسنده کنید.

سازمان فدائیان اقلیت، که امضای خود را پای این اطلاعیه مشترک گذاشته است، در اطلاعیه دیگری به نام «مردم فلسطین، اسیر رژیم اشغالگر اسرائیل» آورده است: «مردم فلسطین برای برون‌رفت از بن‌بستی که در آن گرفتار شده‌اند و نجات از شر رژیم اشغالگر و ستمگر اسرائیل، راه دیگری جز یک تحول سیاسی درونی، گسست از گروه‌ها و دولت‌های اسلام‌گرا، ایجاد سازمان‌های جدید کارگری، رادیکال و چپ، جلب حمایت کارگران و زحمتکشان و سازمان‌های چپ و صلح‌طلب اسرائیلی و اتحاد با جنبش‌های کارگری و سازمان‌های چپ رادیکال جهان ندارند. مادام که این تحول رخ ندهد، راه نجاتی از فجایع رژیم صهیونیستی و اشغالگر اسرائیل وجود نخواهد داشت و در بر همین پاشنه کنونی خواهد چرخید». و این بدین معنی است که به جای مبارزه علیه رژیم صهیونیستی می‌بایست به سراغ گروه‌هایی که علیه اسرائیل می‌جنگند بروید. زهی جهالت!

ما چه بخوایم و چه نخواهیم تمام گروه‌های فلسطینی، مذهبی غیرمذهبی، از مبارزه مشترک علیه دولت صهیونیستی دفاع می‌کنند و مبارزه ملی خود را به نوع عقیده و مذهب وابسته نکرده و نمی‌کنند و این موضع صحیحی است که سازمان‌های سیاسی فلسطینی از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین، که یک سازمان مارکسیستی است، اتخاذ کرده است. ولی گروه‌های آغشته به «ویروس منصور حکمت» را گوش شنوا نیست و تبعیت از اربابان را به دلیل گرفتن کمک‌های بلاعوض بهتر می‌دانند. و دقیقاً همین دلارهای نفتی است که مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را به وضوح نشان می‌دهد.

پیروز باد مبارزات خلق فلسطین! •



دلیل فقر ما چیست، چرا دشمنی با هم سرنوشتان ستمدیده؟

متأسفانه طبق آمار رسمی قریب به ۷۰ درصد مردم زیر خط فقر قرار دارند. دستمزدی زیر ۱۲ میلیون تومان در ماه یعنی ۳۳۰۰ کرون سوئد خط فقر محسوب می‌شود. تصویر فوق، نمادی از خط مطلق فقر یعنی کمتر از ۴۰۰ کرون در ماه است.

بیشتر مردم ستمدیده ایران متأسفانه این تورم، فقر، گرانی و اختلاف طبقاتی را نه در ذات نظام سیستم سرمایه‌داری حاکم و نئولیبرالیسم، بلکه در ذات شخص آخوند و روحانیت می‌بینند، از همین رو عده‌ای در اثر تبلیغات رسانه‌های برون مرزی و نفرت از رژیم، شاه‌پرست می‌شوند، بر این تصورند که اگر شاهزاده بر سر قدرت باشد، بحران، گرانی و فقر حل می‌شود، عده‌ای دیگر این بحران و فقر را ناشی از حمایت رژیم از فلسطین می‌بینند و به یکباره دشمن مردم ستمدیده فلسطین می‌شوند و «شعار نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» را سر می‌دهند!!

تا زمانی که مردم ناآگاه و فاقد تشکل و رهبری باشند و نفهمند که مشکل اصلی فقط فهم فقر نیست، بلکه عدم فهم ریشه فقر و علل آن است، از این وضعیت نابسامان و ندانم کاری رها نخواهند شد، اگرچه هر روز هم علیه آخوند شیشو اعتراض کنند، ناله و فغان سردهند و از «عظمت و شکوه» قدیم سخن گویند!



از دفتر خاطرات یک دانش‌آموز فلسطینی

چقدر بخشنده‌اند! چقدر بزرگوارند اسرائیلی‌ها!
خانه‌های ما را با بمبی می‌کوبند
که هزار بار گران‌تر از خانه‌های ماست.
حتما به خاطر این است که پرزیدنت آمریکای
«صلح دوست»... حق را به آنان می‌دهد.
چقدر بخشنده‌اند،

غصه‌ها از بین می‌رود، همین کار را می‌کند و دردها را تسکین می‌دهد. دین نگاه انسان‌ها را از بی‌عدالتی‌های مادی می‌گیرد، لیکن طیفه حاکمه تا مدتی می‌تواند گرسنگان جامعه را با توسل به دین و وعده‌های بهشتی بفریبد و دردشان را با چنان ماده مخدوری تسکین بخشد. سرانجام همین دین‌داران صدیق پابره‌نه و گرسنه زیباترین کاخ‌های مقدس اخلاقی را بر سر اندرز دهندگانش خراب خواهند کرد. بنای «مقدس» سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از این قاعده مستثنی نیست و با قیام محرومان زحمتکش دیندار، که روزی آن را تقدیس می‌کردند، با قهر انقلابی به زیر خواهند کشید و با گذار از این پریشان حالی و درد و مصیبت، بنای عدالت اجتماعی و برابری را، که دشمن جاهل و نادانی است، خواهند چید! جز این نیست!



سخنان معلم فعال، «مژگان باقری» در مورد ضرورت تشکلات صنفی

معلم و فعال صنفی از استان فارس، خانم «مژگان باقری» در خصوص اهمیت تشکل‌یابی برای پیگیری مطالبات فرهنگیان در تجمع روز سه‌شنبه مورخ ۲۱/۲/۱۴۰۰ از ضرورت تشکل سخن گفت و بر غیرسیاسی بودن آن تأکید نمود!

اما هر فعالیت صنفی نیز خود یک مبارزه سیاسی است که به سیاست آموزش و پرورش دولت، به سیاست دستمزد و شکل استخدامی دولت و سیاست محیط ایمنی دولت... معترض است و برای احقاق حقوق صنف خود پیکار می‌کند و به این اعتبار سیاسی است.

در دنیای کنونی همه چیز سیاسی است، نمی‌تواند نباشد. لیکن هر فعالیت سیاسی الزاما حزبی نیست. اتحادیه کارگری و یا اتحادیه فرهنگیان و یا دانشجویان سیاسی‌اند و نمی‌توانند سیاسی نباشند، اما حزبی نیستند، هدفشان کسب قدرت سیاسی نیست. وظیفه تشکلی، که هدفش قدرت سیاسی است، با ماهیت یک تشکل صنفی عام‌المنفعه ماهیتا متفاوت است. از اینرو درست‌تر است بجای بیان غیرسیاسی فعالیت اتحادیه‌ای از فعالیت غیرحزبی سخن رود تا از هر گونه برداشت ناصحیح و آشفته‌فکری ممانعت به عمل آورد. تأسیس تشکلات مستقل و دمکراتیک، یک ضرورت است، باید برای تحقق آن متحداً پیکار کرد.

تورم و گرانی افزایش یابد. با این حقوق نمی توان زندگی کرد

- خانواده های بازنشستگان حق دارند که از درمان رایگان، و بخصوص از واکسن رایگان کرونا برخوردار باشند
- حق دارند تا رسیدن به مطالبات خود در خیابان باقی بمانند و در کف خیابون به حشون برسند....
- تشکل مستقل و قانونی حق بازنشستگان و سایر زحمتکشان است.

- ظلم ستیزی و همبستگی با سایر محرومان و هم سرنوشتان در ایران و سراسر جهان

در اطلاعیه مشترک زیر در دفاع از حقوق بازنشستگان و در محکومیت پرونده سازی و تهدید علیه فعالین بازنشسته منتشر شد. توجه فرمائید:

«در پی اعتراضات سراسری بازنشستگان علیه همسان سازی غلط و اجرانشدن وعده های مسوولین سازمان تأمین اجتماعی، که منجر به احضار، تهدیدهای تلفنی، و دستگیری و پرونده سازی برای فعالین بازنشستگان در طی ۴ ماه گذشته صورت گرفته است، اینبار فعالین جنبش بازنشستگان مواجه با تهدیدهای تلفنی از سوی حراست سازمان تأمین اجتماعی در تهران و شهرستان ها شده اند. آنان حتا این فعالین را تهدید به قطع مستمری هایشان نموده اند. اتفاقی نادر و تأسف بار تا صدای حق خواهی بازنشستگان را خاموش کنند.

این عمل غیرقانونی و زشت از سوی حراست سازمان تأمین اجتماعی نشانه ای از خودسری و ضعف سازمان در مقابل پامال کردن حقوق بازنشستگان است. تهدید موسپیدان در حالی صورت می گیرد که آقای «سالاری»، مدیر عامل سازمان از اذیت شدن از سوی بازنشستگان بارها گلهمندی خود را اظهار کرده اند.

ما این رفتار ضد قانون اساسی انسانی را محکوم کرده و در صورت ادامه این روند عاملین این تهدیدهای تلفنی را به دادگاه و افکار عمومی معرفی خواهیم نمود.

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران
بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی
بازنشستگان فلز کار مکانیک
بازنشستگان صنعت چاپ
• ۱۴۰۰/۳/۱



که ما به التفاوت قیمت بمب ها را از جان ما برمی دارند. اگر گل یا درخت یا پول می خواستند چه باید میکردیم؟! روح کودکان غزه چه اهمیتی دارد مهم، خاطر خیابان های تل آویو است که از شنیدن صدای پای مضطرب، آشفته می شود. بفرمائید آقایان، نوبل صلح امسال را هم تقسیم کنید بین خودتان بجنید، پیش از آنکه ما تمام شویم!

این سروده از شاعری به نام «سعیدسلطانی» است که در شماره پنجم ماهنامه «دانش و مردم» سال ۱۳۹۳ و در دوران ریاست جمهوری «اوباما» چاپ شده بود. در زمان «اوباما» هم به غزه حمله نظامی شده بود و او در دوره ریاست جمهوری اش جایزه صلح نوبل را بخاطر «صلح دوستی» دریافت کرده بود که شاعر می گوید «بفرمائید آقایان! نوبل صلح امسال را هم تقسیم کنید بین خودتان» •



صدای بازنشستگان خاموش نشدنی است!

چه کسی می خواهد من و تو ما نشویم؟
خانه اش ویران باد!
من اگر ما نشوم، تنه ایم!
تو اگر ما نشوی، خویشتی ...
از کجا که من و تو
شور یکپارچگی را در شرق
باز بر پا نکنیم؟!
از کجا که من و تو
مشت رسوایان را وا نکنیم!؟

مگر بازنشستگان چه میخواهند، جز اینکه:

- حقوق همه سطوح مستمری بگیران و از جمله حداقل بگیران و از کارافتادگان باید تأمین کننده سبب معیشت باشد.
- اینهمه تبعیض باید پایان یابد
- حقوق پایین تر از خط فقر است، باید تغییر کند و مطابق



Photo: Received JAMARAN.IR

درس‌هایی از اعتصاب کارگران «معدن کرومیت آسمینون» سرمایه‌داران هار و دولت ضد کارگری و راه صحیح مقابله با آنها

اطلاعاتی کلی در مورد معدن، مالکیت، تعداد کارگران

ماده معدنی کرومیت یا اکسید کرم منیزیم آهن، به دلیل کاربردهای فراوانی که در صنعت به ویژه فولادسازی، آن هم از نوع ضدزنگ و استیل سازی دارد، از بازار مناسبی برخوردار است و قیمت این محصول در حال حاضر ۳۲۰ دلار در هر تن می‌باشد.

معادن فعال کرومیت در استان‌های هرمزگان، کرمان و خراسان واقع شده‌اند و سنگ‌های کرومیتی در بیش‌تر مناطق ایران، به ویژه در استان‌های کرمان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، بخشی از استان هرمزگان، فارس، اصفهان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و اندک ذخیره‌ای در زنجان و سمنان ردیابی شده‌اند. براساس آخرین آمار اعلام شده در سال ۹۳، ایران ۹۶ معدن کرومیت دارد که از این تعداد ۷۶ معدن فعال و ۲۰ معدن غیرفعال است. میزان استخراج سالانه

بمناسبت درگذشت «اسماعیل خویی»

در ابتدای متن، بخشی از سخنان «اسماعیل خویی»، شاعر، خطاب به خانواده پهلوی را می‌آوریم.
«در پیشگاه ملت بزرگ ایران، از بدی‌هایی که در حق خانواده پهلوی کردم، صمیمانه عذر می‌خواهم. همچنین از شهبانو فرح، از شاهزاده رضا پهلوی و خانواده پهلوی‌ها، بارها و بارها معذرت می‌خواهم. لطفاً مرا ببخشید و حلالم کنید. خانواده پهلوی‌ها میهن پرست بودند...!»
باید به ایشان گفت:

ای شیخ اگر جمله کمالات تو این است
خوش باش کزین جمله کمالات گذشتیم.

به نظر می‌آید که آقای «خویی» از ترس «امام‌زاده» به «شاهزاده» متوسل شده باشد. ملت شجاع ایران در انقلاب ۵۷، تومار رژیم دیکتاتور و سرسپرده پهلوی را، با چند صد هزار ارتشی و ساواکی، درهم نوردید و به زباله‌دانی تاریخ سپرد. اینکه پس از سرنگونی رژیم پهلوی، حاکمیت ایران به دست رژیم پلید دیگری افتاد، ذره‌ای از عظمت انقلاب بهمن ۵۷ کاسته نخواهد شد. فقط آدم‌هایی که ادعا دارند، ولی همواره بین دو صندلی می‌نشینند و گاهی به میخ می‌زنند و گاهی به نعل و مذبذب‌اند و پیگیر نیستند، از راه راست و سخن درست منحرف می‌شوند و روی می‌گردانند و به عبارتی، رفیق نیمه راه‌اند. اوج فعالیت آقای «خویی» علیه رژیم شاه، لابد شرکت در ده شب شعر خوانی «گوته» بود!! چه سابقه مبارزاتی علیه شاه داشت که با عجز و لابه از پهلوی‌ها حلالیت می‌طلبید؟! عذرخواهی‌اش از پیشگاه ملت ایران، علی‌رغم گذشته خوبش، تلخ خندی را به لب می‌آورد!



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

سخت و زیان‌آور است و ساعات کار کارگران کم‌تر از ساعات کار عادی (۱۴۴ ساعت در برابر ۱۷۶ ساعت). مدیران معدن اما برای بهره‌کشی بیش‌تر از کارگران، قوانین دلخواه خود را ابداع کرده‌اند: کار سخت ۱۵۷ ساعت و کار عادی ۱۹۲ ساعت. کارگران در روزهای تعطیل با حقوق روزهای عادی هفته به کار گرفته می‌شوند و دستمزدشان اندک است. «اسماعیل محمودی»، یکی از نمایندگان کارگران می‌گوید: «با توجه به سختی کار حقوق دریافتی کارگران ۳ و نیم الی ۴ میلیون تومان است که هنوز نیمی از آن به صورت معوق مانده و هنوز پرداخت نشده است». به این مشکلات باید عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، حذف ملحقات مزد از قبیل حق اولاد، تعویق پرداخت حقوق و حق بیمه را افزود. هر چند که شورای تأمین استان در پی اعتراضات کارگران، کارفرما را موظف به پرداخت حقوق معوقه کارگران کرد، اما دستگاه قضایی برای کارگرانی که برای مطالبات معوقه خود دست به اعتراض زده بودند، پرونده تشکیل داد. ۱۶ تن از کارگران با شکایت مدیران معدن احضار شدند.

«ابراهیمی»، یکی از کارگران، می‌گوید: «چرا باید بعد از سال‌ها سابقه کار، قراردادهای کارگران یکماهه باشد و حقوق و بیمه هم پرداخت نشود، نکته جالب اینکه در این شرایط هم حاضر به ادامه فعالیت معدن نیستند و کارگران را بیکار کرده‌اند». وی با اشاره به درجه هوای ۵۰ درجه در فصول گرم سال در این منطقه گفت: «در بدترین شرایط آب و هوایی کار را تعطیل نکردیم و کار را ادامه دادیم تا چرخ صنعت کشور در شرایط تحریم بچرخد، اما چرا مسئولان معدن در این شرایط اقتصادی چرخ اقتصاد خانوارها را متوقف کرده‌اند؟».

«اسماعیل محمودی»، نماینده کارگران معدن آسمینون کرمان تصریح می‌کند: «کارفرما کارگرانی را که بر روی دستگاه‌ها کار می‌کنند، مجبور کرده به میزان ۱۰ درصد ضمانت‌نامه بانکی ارائه دهند، که کاری غیرقانونی است و اصلاً تناسبی با دستمزدهای کارگری ندارد. از آنجا که پرداخت ایاب و ذهاب کارگران عرف کارگاه بوده، کارفرما در اردیبهشت بدون رضایت کارگران آن را حذف کرده است و کارگران اغلب با موتور سیکلت در جاده‌های ترانزیتی رفت و آمد می‌کنند و چند بار هم تصادفی داشته‌ایم». او ادامه می‌دهد: «یکی از نگرانی‌های کارگران ورود پیمانکاران به این کارگاه است. به خوبی می‌دانیم قرارداد با پیمانکاران عملاً راهکاری برای تضييع حقوق کارگران است. کارگران پیمانکاری تبعیض زیادی تحمل می‌کنند و در عین حال ما نگران هستیم با ورود پیمانکار اخراج کارگران افزایش یابد. کارفرما تهدید کرده بود در صورتی که با پیمانکار قرارداد ننبدیم، شرکت را تعطیل خواهد کرد که کارگران این مسئله را نپذیرفتند. اکنون نیز کارگران اعلام کرده‌اند که زیر بار قرارداد با پیمانکار نمی‌روند و تنها در صورت امضای قرارداد کاری با شرکت اصلی حاضر به کار هستند».

از این معدن ۳۷۵ هزار تن اعلام شده است. میزان ذخایر قطعی کرومیت در ایران ۱۰ میلیون تن تخمین زده شده و برآورد می‌شود این مقدار تا ۳۰ میلیون تن افزایش پیدا کند. بزرگترین معدن کرومیت آسمینون واقع در استان هرمزگان در ۱۶۵ کیلومتری شمالی بندرعباس قرار دارد و در دهه ۸۰ شمسی به بخش خصوصی واگذار شده است. معدن کرومیت فاریاب ۷۰ درصد این نوع ماده معدنی کشور را در خود جای داده و با خلوص ۵۰ درصد به عنوان جواهری در بهشت معدن ایران می‌درخشد، اما به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در صنایع بالادستی (ذوب فلزات)، محصول این معدن به صورت خام به چین صادر می‌شود. ۸۵ درصد از کرومیت موجود در جهان هم‌اکنون در صنایع متالورژیکی و در صنعت فولاد به کار می‌رود و چین یکی از غول‌های تولید فولاد در جهان است. پس نیاز این کشور به کرومیت و فروکروم روز افزون شده است.

تعداد کارگران «معدن کرومیت آسمینون» ۱۲۰۰ نفر است که در معدن روباز و زیرزمینی کار می‌کنند. تولید سالانه ۸۰۰ هزار تن کرومیت و فروش ۲۵۶ میلیون دلاری «محمد زاهدی»، مدیر مجتمع معدنی آسمینون روز یکشنبه در گفت‌وگو با خبرنگار «ایرنا» گفت:

«در راستای حمایت از تولید ملی در سه ماه نخست امسال ۶۳ هزار تن کرومیت تولید شد که رشد ۵۰ درصدی در مقایسه با مدت مشابه پارسال دارد». «علی محمدی»، مدیر عامل شرکت معدن فاریاب اخیراً در مصاحبه‌ای به «راه آرمان» کرمان گفته است: «بهره مالکانه، که وزارت صمت دریافت می‌کند، از ۵ درصد به ۱۲ درصد رسیده است به عبارت دیگر در سال گذشته ۸۰۰ هزار تن تولید داشته‌ایم که بابت حقوق و عوارض صادراتی بالغ بر ۴۰ میلیارد تومان می‌بایست به دولت پرداخت کنیم». طبق اظهارات مدیر عامل سال گذشته ۸۰۰ هزار تن سنگ کرومیت به ارزش ۳۲۰ دلار در هر تن تولید و فروخته شده است که برابر است با ۲۵۶ میلیون دلار و با توجه به نرخ دلار که امروز ۲۲ هزار ۸۸۰ تومان است، مبلغ ۵ هزار ۱۴۸ میلیارد تومان بدست می‌آید.

طبق اظهارات نمایندگان کارگران، کل پرداختی حقوق ماهانه کارکنان معدن ۶ میلیارد تومان است که سالانه برابر با ۷۲ میلیارد و با پرداخت عیدی ۷۸ میلیارد تومان می‌شود؛ چنانچه ملاحظه میکنید، دستمزد پرداختی ۱/۱ عوارض دولتی ۰/۵ از کل مبلغ فروش را تشکیل می‌دهد.

شرایط کار کارگران معدن

ایمنی معدن پائین است و کارگران امنیت جانی ندارند. سال گذشته پس از آنکه ریزش معدن به مرگ چند تن از کارگران و مصدوم شدن چند کارگر انجامید، مسئولان وعده بهبود وضعیت را دادند، که عملی نشد. یکی از کارگران می‌گوید: تونل‌های معدن فاقد ایمنی هستند: «رفتن مان به معدن با خودمان است و برگشتن مان با خدا». کار در معدن در زمره کارهای

هدف کارفرما از تعطیل موقت معدن در قبل از عید نوروز

«محمد علیمحمدی»، مدیر عامل جدید معدن با تاکتیکی تعرضی همراه با دروغگوئی و قیحانه، ۱۸ فروردین در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: بهره‌وری شرکت پائین است. ترازوی هزینه‌های شرکت به مراتب سنگین‌تر از درآمد شرکت است. شرکت به مثابه بیماری رو به موت است - قلب، کلیه و شش او کار نمی‌کند و دیالیز هم می‌شود و در حال مرگ است. او چاره کار بیمار را کاهش بهره مالکانه و مالیات و کاستن از «هزینه نیروی کار» اعلام کرد. مدیر عامل شرکت، که معدن را به بهانه کمبود سیمان تعطیل کرده بود، از افزایش بهره مالکانه و مالیات گلاجه کرد و خواستار بازتعریف وضعیت کارگران توسط اداره کار شد. «علیمحمدی» گفت: «اداره کار هر کس را که از گیت فاریاب عبور کرده است، تحت سرفصل کار سخت و زیان‌آور قلمداد کرده است... این منصفانه نیست... این هم باید اصلاح شود».

مدیرعامل شرکت تاکید کرد: «تا این وضعیت درست نشود و فشار از روی شرکت برداشته نشود، این شرکت نمی‌تواند دوباره به چرخه تولید برگردد. ممکن است این شرکت به مدت ۲ الی ۳ ماه تعطیل شود تا اصلاح ساختار شود تا مسئولان بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند. وزارت کار و تأمین اجتماعی شغل‌ها را تعریف کنند، اگر کار راننده شرکت سخت و زیان‌آور است به درد ما نمی‌خورد».

آغاز اعتصاب

مدیریت معدن در اسفندماه بدون اینکه کارگران در جریان باشند، در نامه‌ای به وزارت کار اعلام کرده بود شرکت از اول فروردین موقتاً تعطیل می‌شود. کارگران معدن آسمینون، که دو ماه حقوق معوقه طلب داشتند و نیمی از عیدی خود را هم نگرفته بودند، صبح ۱۴ فروردین به محل کار رفتند، اما با درهای بسته شرکت روبه‌رو شدند. کارگران در اعتراض به شهرستان منوجان رفتند و مقابل فرمانداری تجمع کردند. روز بعد ۱۵ فروردین، کارگران به مدت ۱۰ ساعت جاده ترانزیتی مقابل شرکت را مسدود کردند. رئیس هیات مدیره معدن اعلام کرد: «مطالبات معوقه کارگران را تا اردیبهشت پرداخت و شرکت «پس از رفع مشکلات با کارگران مورد نیاز» تولید را از سر خواهد گرفت. فرماندار منوجان در جمع کارگران حاضر شد و وعده داد مطالبات معوقه پرداخت و معدن بازگشایی شود. کارگران به اعتصاب پایان دادند».

معاون اداره کل صنایع و معادن و تجارت جنوب کرمان در واکنش گفت: در خصوص خواست هیأت مدیره شرکت معادن فاریاب منوجان مبنی بر کاهش و یا حذف تعرفه گمرکی و نیز کاهش بهره مالکانه دولت ریزنی‌هایی از سوی اداره کل صمت جنوب کرمان در حال انجام است. او بازبینی وضعیت شغلی کارگران را نیز به اداره کار احاله کرد. ششم اردیبهشت رئیس صمت استان کرمان از آغاز به کار مجدد معدن خبر

داد. کارگران در بازگشت به شرکت دریافتند که قرار است از اول خرداد به جای قرارداد مستقیم با شرکت، با پیمانکاران زیرمجموعه شرکت قرارداد یک ماهه ببندند. در مقابل امتناع کارگران، کارفرما تهدید کرد شرکت را تعطیل می‌کند.

در پی یک هفته اعتراض در درون معدن، کارگران دوشنبه ۲۷ اردیبهشت اعتراض را به سطح شهر کشاندند. ۱۲۰۰ کارگر بیکار شده ۱۵ فروردین ماه از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۱۸ عصر راه ترانزیتی بین‌المللی استان هرمزگان، کرمان و سیستان بلوچستان یا همان جاده بندرعباس - کهنوج را مسدود و از رفت و آمد وسایل نقلیه جلوگیری کردند. ساعات تحصن کارگران در این محور به ترافیک ۲۰ کیلومتری منجر شد. مسئولان سریعاً دست به کار شده و در همان روز فرماندار منوجان در جمع کارگران کرومیت آسمینون حاضر شده و به کارگران قول داد که طی یک هفته معدن مجدداً بازگشایی شود.

اگرچه وعده فرماندار با تقریباً دو هفته تأخیر و در چهارم اردیبهشت ماه عملی شد، اما مجدداً اعتراضات کارگری در ۲۷ اردیبهشت ماه نشان داد، هنوز آتش مشکلات کارگری در این واحد معدنی خاموش نشده است. مطالبات کارگران البته فقط بازگشت به کار نیست. آنها حاضر نیستند با پیمانکاران قرارداد ببندند. خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و رعایت ساعات کار مقرر در قانون کار است. همچنین پرداخت منظم حقوق، دیگر مولفه‌های مزدی و عرف کارگاه از مطالبات آنها است. شب گذشته نیز کارگران خواسته خلع ید از کارفرمای فعلی بخش خصوصی را در مطالبات خود مطرح کردند. صدها کارگر اعتصابی در منوجان راهپیمایی کردند و مقابل فرمانداری گرد آمدند. آنها شعار می‌دادند: «فرماندار حیا کن، صندلی رو رها کن!». کارگران جاده کهنوج به بندرعباس را مسدود و در تونل منوجان تحصن کردند. نیروهای یگان ویژه پلیس کرمان با استقرار در محل ایست بازرسی برای سرکوب کارگران صف‌آرایی کردند. شورای تأمین استان برای پایان دادن به حرکت اعتراضی کارگران از پیمانکار خواسته مطالبات کارگران را برآورده کند. مدیریت پیشنهاد قراردادهای دوماهه را داد که از سوی کارگران پذیرفته نشد. تحصن ادامه یافت. راهپیمایی کارگران و خانواده‌هایشان در منوجان و همبستگی مردم با کارگران نشان داد که کارگران مصمم‌اند. تهدید کارگران توسط استاندار کرمان و هشدارهای نخ‌نمای استاندار درباره «نفوذ افراد ناباب در میان کارگران» هم خبر از زمینه‌سازی دور دیگری از سرکوب و تعقیب قضایی کارگرانی است که برای دفاع از حق خود مبارزه می‌کنند.

پایان اعتصاب با قول مساعد مسئولان برای تحقق مطالبات به حق کارگران

در نشست فوق‌العاده با حضور «منصور شکرالهی»، نماینده پنج شهرستان جنوبی در مجلس، نماینده ویژه سپاه ثارالله کرمان، «علی محمدی»، رئیس مجتمع معدنی کرومیت فاریاب، به

کارگران از مجرای آن باید بگذرد، حق داشتن سندیکای مستقل کارگری است که در این اعتصاب غایب بود.

مبارزه علیه خصوصی سازی کردن شرکت

پافشاری بر قرارداد جمعی و استخدام رسمی و مبارزه در جهت برچیدن قراردادهای موقت و شرکت‌های پیمانکاری

مذاکره مستقیم با کارفرما و وزارت کار و صمت و عدم مذاکره با مقامات نظامی و امنیتی و امام جمعه

مخالفت با هرگونه تشکل فرمایشی کارگری و امنیتی و شبه نظامی

عدم تلاش در جهت ارتباط‌گیری با سایر تشکل‌های کارگری و معلمان و بازنشستگان و اطلاع‌رسانی گسترده در جهت جلب حمایت مردمی در عرصه داخلی و ارتباط با اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی

سکوت و عدم طرح اعتراض به احضار ۱۶ نفر از کارگران به مراجع قضائی.

دوم نکات قوت:

محدودنشدن اعتراض و اعتصاب در محیط کارخانه و راهپیمائی و تظاهرات در شهر و مقابل فرمانداری و بستن جاده ترانزیت کهنوج بندرعباس و بستن تونل تاکتیک بسیار درست و موثری بوده است!

مخالفت قاطع با طرح قرارداد موقت با شرکت‌های پیمانکاری شرکت فعال خانواده‌ها و حمایت مردم شهر از اعتصاب

البته از پیش روشن است توقعی بیش از این نمی‌توان از چنین اعتصابی بدون حضور یک اتحادیه مستقل کارگری داشت.

در ضمن هنوز بر ما روشن نیست چرا در روزهای اعتصاب، حداقل دو سندیکای فعال و شناخته شده شرکت واحد و نیشکر هفت تپه مجال نیافتند تا متحداً حمایت و همبستگی علنی خود را از اعتصاب معدنچیان اعلام دارند و تجربه گران‌بهای جنبش کارگری در اهمیت حیاتی جهت‌گیری کارگران اعتصابی به سمت ایجاد یک سندیکای مستقل را برای ارتقای امنیت شغلی و بهبود کیفی شرایط کارشان یادآور شوند.

زننده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر ایران!

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است! •

همراه جمعی از مسئولان استانی و شهرستانی در بین معدن کاران برگزار شد. پس از دلجویی نماینده پنج شهرستان جنوبی و هیئت همراه از معدنکاران و شنیدن مطالبات به حق آنها با جمع‌بندی مسائل و مشکلات معدنکاران و تعهداتی، رئیس مجتمع معدنی کرومیت فاریاب جهت رفع مشکلات به وجود آمده در حضور کارگران پذیرفت و تجمع اعتراضی معدنکاران پایان یافت. در این نشست مدیرعامل مجتمع معدنی کرومیت فاریاب متعهد شد که موارد زیر را هرچه سریع‌تر، جهت بهبود اوضاع کسب و کار، ایمنی و بهبود وضع معیشتی معدنکاران معدن کرومیت فاریاب انجام دهد:

- انعقاد قرارداد یکساله شرکت کرومیت معادن فاریاب با کارگران طبق روال گذشته در اسرع وقت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل طی هفته آینده،

- برداشته‌شدن محدودیت حق اولاد،

- استفاده از ظرفیت مدیران متخصص و بومی دارای مقبولیت نسبی بین کارگران،

- احیای پایگاه بسیج و حراست پویا در مجتمع معدنی،

- فراهم کردن سرویس ایاب و ذهاب کارگران،

- رفع مشکل بیمه بیکاری کارگران،

- اجرای ایمنی کامل در محل کار برای سلامت کارگران،
- استفاده از ظرفیت دستگاه دولتی جهت رفع مشکلات تولید در معدن

- دلجویی از کارگران آسیب دیده، قطع عضو و پرداخت ۵۰ میلیون تومان هزینه به معدن کاران آسیب دیده

اینها از جمله مطالبات کارگران این معدن هستند. استاندار کرمان «زینی وند» در جمع رسانه‌ها در جیرفت در خصوص اعتراض کارگران معدن آسمینون گفت: معدن تعطیل شده بود که مسئول معدن را ملزم به راه‌اندازی کردیم، پیش از این اخطار داده شد که اگر معدن راه‌اندازی نشود، بهره برداری آن به فرد دیگری واگذار می‌شود؛ البته سرمایه‌گذار هم حق و حقوق قانونی دارد. استاندار عنوان کرد: در آخرین مرحله مسئول معدن اعلام کرد که می‌خواهد شرکت‌های زیر مجموعه تأسیس کند تا این شرکت‌ها با کارگران قرارداد ببندند که پذیرفته نشد، اما در نهایت رایزنی با مسئول معدن سبب پذیرفته شدن این مطلب شد. وی در خصوص مسدود کردن مسیر ترانزیتی بندرعباس یادآور شد: راه‌بندان جرم غیرقابل بخششی بوده و قابل پذیرش نیست، کارگران می‌توانند در معدن تجمع کنند و یا در سالی حرف‌های خود را مطرح کنند.

درسهایی که از این اعتصاب میتوان گرفت:

یکم نکات ضعف:

این اعتصاب فاقد رهبری و دورنمای مبارزه بود. طرح محوری‌ترین خواست کارگران، که همه نیازهای آنی و آنی

**با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب
مبارزه کرد**

انحرافی و چپ‌روانه مبارزه نماید تا بخت پیروزی داشته و سنگ بنای اتحادیه مستقل کارگری را به درستی بگذارد.

لغو مالکیت خصوصی بر شرکت و دولتی کردن آن یک گام به جلوس و یک پیروزی برای همه کارگران ایران است که سالهاست بر علیه خصوصی سازی‌ها مبارزه کرده و این مبارزات به شدت تمام ادامه دارد. مالکیت دولتی در چهارچوب نظام سرمایه‌داری به معنی لغو استثمار نیست و نمی‌تواند باشد، لیکن مبارزه کارگران در کادر طبقاتی منسجم‌تری با دولت سرمایه‌داری ادامه خواهد یافت. سیاست‌های نئولیبرالی و خصوصی سازی‌ها ستون فقرات طبقه کارگر و اتحاد و همبستگی آن را تضعیف و متلاشی می‌کند.

سندی‌کای کارگران هفت تپه در اعلامیه‌ای بدین مناسبت، نوشت:

«بالاخره بعد از مقاومت‌های زیاد مسئولین در اعلام خبر خلع ید بخش خصوصی، که پشتش تلاش‌های بسیاری برای تغییر دادن رأی خلع ید صورت گرفته بود، به طور رسمی اعلام شد که رأی خلع ید و فسخ قرارداد بخش خصوصی هفت تپه توسط شعبه بیست و یک دادگاه حقوقی تهران صادر شده است. این پیروزی را تبریک می‌گوییم به همکاران گرمی و کارگران مبارز هفت تپه و خانواده‌های هفت تپه و شوش و منطقه، طبقه کارگر ایران و جهان، رسانه‌هایی که صدای ما بودند و حامیان و یاران و مردم شرافتمندی که سال‌ها در کنار ما کارگران هفت تپه و اعتراضات و اعتصابات ما بودند.»

در اعلامیه کارگران هفت تپه آمده است که خلع ید نه از سر لطف قوه قضائیه، که ناشی از مقاومت کارگران و تسلیم‌نشدن آنها به فشار دستگاه‌های امنیتی و پرونده‌سازی و شکنجه فعالان کارگری بوده است:

«رای صادره توسط قوه قضائیه، نه لطف این یا آن، بلکه حاصل اتحاد و ایستادگی و پیگیری و مبارزه پنج ساله ما کارگران هفت تپه است. انواع و اقسام مسئولان و رسانه‌هایشان از این فاسدان حمایت می‌کردند و این ابرمختلسان، سلطان رشوه هم بودند اما قدرت جمعی ما قوی‌تر از همه این قدرت‌ها بود و هست.» در این بیانیه آمده است: «خلع ید از اسد بیگی تنها با اراده و مبارزه متحدانه کارگران به وجود آمد، این مبارزه بدون اتحاد و همبستگی جانانه کارگران هفت تپه امکان ناپذیر نمی‌بود.» مطالبه اصلی ما این است: «شرکت هفت تپه با نظارت شورایی کارگران باید در بخش عمومی - دولتی بماند و یا تماماً به کارگران هفت تپه واگذار شود. تمام همکاران اخراجی باید به سر کار بازگردند و تمامی کارگران قرارداد موقت و فصلی، قرارداد دائمی شود.»

این پیروزی بر همه کارگران ایران مبارک باد!



یک پیروزی مهم برای کارگران هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه سرانجام پس از فراز و فرودهای فراوان، سرکوب، زندان، شکنجه، اخراج، رژیم را وادار به عقب‌نشینی کردند و شرکت به دولت واگذار شد. بی‌تردید خلع ید از بخش خصوصی یک پیروزی و گامی به پیش است، دست‌آورد مبارزه همه کارگران است و باید بدان ارج نهاد و به پیکار متحد ادامه داد.

در این میان اما فرقه‌های «چپ کارگری» هستند که به غرولند و اندرزه‌های کودکانه مشغول‌اند که بله! دولتی شدن دودی را دوا نمی‌کند، یعنی محدود ماندن در نظام سرمایه‌داری و این در تناقض با اداره شورایی و لغو کارمزدی است! این فرقه‌های عجق و جق، که پشت شعارهای اداره شورایی پنهان شدند، در بهترین حالت در جهل و نادانی بسر می‌برند و نقش مخرب و تفرقه افکنانه‌ای در مبارزه کارگران ایفا می‌کنند. «شورا» و یا «اتحادیه» یکی از نقاط مهم اختلاف در برخورد به چگونگی فعالیت در میان کارگران است و شعار «شورا» در شرایط امروز در میان کارگران، انحرافی، ضد حزبیت و بر ضد منافع خود کارگران است. جنبش اعتراضی کارگران باید با این تفکر



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

ماه اردیبهشت برای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران علاوه بر روز جهانی کارگر، روز معلم را نیز در دل خود دارد و یادآور مبارزان و عزیزان دربند و همچنین عزیزان جانباخته هر دو روز است. عزیزانی که یادشان گرمی بخش مبارزه بی وقفه طبقات فرودست است و یا خواست آزادی‌شان به صدر مطالبات مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. در حالی که کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان هر روز برای به دست آوردن حقوق معوقه و دیگر مطالبات بر حق خود سینه سپر می‌کنند و در صحنه مبارزه حضور می‌یابند و تلاش می‌کنند تا زندگی شایسته‌ای را، که زیر خط فقر نباشد، به دست آورند. رئیس جمهور خندان و کلید به دست و البته بی تدبیر و ناامیدکننده، «حسن روحانی» با بلاهت تمام از مردم می‌خواهد که قناعت کنند و به جای گوشت قرمز و مرغ، از ماهی و میگو استفاده کنند. چنین کسانی چه می‌دانند که گرسنگی چیست؟ از کجا متوجه می‌شوند که شرمندگی مقابل خانواده چه معنی می‌دهد؟ از عقب افتادن اجاره خانه و بدهی به بقال و قصاب چه می‌دانند؟ از گرانی؟ از بی پولی؟ از بدهی؟ اینان لایق حکومت بر مردم شریف ایران نیستند. ایران حکومتگرانی از جنس مردم می‌خواهد که حقوقی برابر با کارگران داشته باشند و همدرد زحمتکشان باشند. در میان حکومتگران نظام مقدس اسلامی! به غیر از چپاولگران یافت نمی‌شود و همگی مستحق محاکمه در پیشگاه خلقاند. در اردیبهشت ماه نیز نیروی تاندان مسلح انتظامی و امنیتی و لباس شخصی‌ها، باز هم به خانه و کاشانه فعالان و مبارزان یورش بردند و عزیزانی را بازداشت کردند، وکیل مبارز کارگران را به اتهاماتی واهی از وکالت منع می‌کنند، تا کسی جرأت

دفاع از زحمتکشان را پیدا نکند. به بازنشستگان و کارگران و دانشجویان و ادیبان و هنرمندان حمله می‌کنند و آنها را به غل و زنجیر می‌کشاند تا کسی به فکر دفاع از منافع مردم زجر دیده نباشد. زهی جهالت و بی‌شرمی!

در اردیبهشت مبارزه بی‌امان کارگران و زحمتکشان بی‌وقفه ادامه یافت که در ذیل به بخشی از رخدادهای مبارزاتی این ماه نگاهی می‌اندازیم:

سرکوب و مقاومت

۱ اردیبهشت

هفده نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان‌های اوین و رجائی شهر (نه نفر از زندانیان سیاسی اوین به نام‌های «پیمان پورداد»، «صادق عباسی»، «پژمان عباد»، «بهزاد همایونی»، «امیرحسین میرخلیلی»، «ابوالفضل غسالی»، «پارسا گلشنی»، «مصطفی خسروبابادی» و «کیوان صمیمی» و نیز ۸ نفر از زندان سیاسی رجائی شهر «مطلب احمدیان»، «سعید اقبالی»، «آرش صادقی»، «آرشام رضایی»، «نصرالله لشنی»، «مهدی مسکین نواز»، «فرهاد میثمی» و «رضا محمدحسینی») دادخواستی مبنی بر اعتراض و شکایت نسبت به حبس در «سلول انفرادی» در دفاتر بندهای این زندان‌ها به ثبت رساندند. در این دادخواست زندانیان با ذکر ایام حبس، خواهان مجازات عاملان و آمران و صادرکنندگان بازداشت و نگهداری‌شان در سلول‌های انفرادی شده‌اند. این زندانیان عقیدتی و سیاسی با استناد به رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری در سال ۸۲ و قانون آئین دادرسی کیفری، مدعی شده‌اند که سلول انفرادی «مصادق بارز شکنجه» بوده و امری غیرقانونی است که علیه آنها به کار گرفته شده است. لذا از کلیه ضابطین قضایی، آمران، عاملان

و کسانی که دستور نگهداری آنها را در سلول انفرادی صادر کردند، شکایت کرده و خواهان رسیدگی شده‌اند.

۹ اردیبهشت

«رضا شهابی»، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و خانواده‌اش تهدید جانی عملی شده‌اند. سندیکای شرکت واحد نگرانی عمیق خود را از تهدید جانی «رضا شهابی» و خانواده‌اش اعلام داشت و خواهان رسیدگی سریع و موثر مسئولان قضایی در مورد تهدید جانی این کارگر شریف شد. در نامه سرگشاده «رضا شهابی» به مسئولان قضایی آمده است: «اینجانب رضا شهابی کارگر اخراجی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که برابر با حقوق شناخته شده در قوانین کشور، از سال ۱۳۸۴ به عنوان عضو سندیکای کارگران شرکت واحد از حقوق خود و همکارانم دفاع کرده‌ام و بابت این رفتار کاملاً قانونی و مدنی بارها با احکام ناروا به مدت طولانی زندانی بوده‌ام، از سال ۱۳۸۹ در پی بازداشت در محل کار و در پشت فرمان اتوبوس از کار اخراج شده‌ام و همچنان با بازگشت به کار اینجانب مخالفت می‌شود. با کمال تعجب و تاسف به تازگی خود و خانواده و حتی فامیلم مورد تهدید جانی قرار گرفته‌ایم. ... با توجه به تهدیدات مکرر خودم و خانواده‌ام توسط این فرد ناشناس، نگرانی جدی در عدم امنیت جانی ما وجود دارد. به عنوان یک کارگر و یک شهروند از مسئولان قضایی و نهادهای امنیتی و انتظامی انتظار دارم به جدیت برای رفع تهدید جانی جدی پیش آمده اقدامات مقتضی را انجام دهند».

۱۲ اردیبهشت

همزمان با «روز معلم» گروهی از فعالان کارگری، معلمان، و کلا، فعالان اجتماعی و مدافعان حقوق بشر با حضور در مقابل زندان مرکزی کرج خواهان آزادی معلم در بند «اسماعیل عبدی» و نیز تمام کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شدند.

۲۱ اردیبهشت

بازداشت موقت «اسماعیل گرامی»، بازنشسته زندانی، بعد از ۳۸ روز زندان، همچنان ادامه دارد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اینگونه برخوردهای پلیسی امنیتی با فعالان بازنشسته را به شدت محکوم ساخت و ادامه بازداشت آقای «گرامی» را تحت فشار گذاشتن خانواده این بازنشسته زندانی دانسته و خواستار آزادی بدون قید و شرط ایشان شد.

۲۳ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه پرونده‌سازی علیه وکیل کارگران هفت تپه را محکوم ساخت. در اطلاعیه‌ای که بدین مناسبت منتشر ساخته است، چنین می‌خوانیم: «بنابر خبر منتشر

شده، متأسفانه علیه خانم فرزانه زیلابی، وکیل جسور کارگران هفت تپه پرونده‌سازی شده است. خانم زیلابی به دلیل پی‌گیری و دفاع از حق و حقوق کارگران هفت تپه، مورد خشم کسانی قرار گرفته است که در بیدادگاه‌ها خود را قاضی می‌نامند! ... سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه پرونده‌سازی برای خانم فرزانه زیلابی وکیل پایه یک دادگستری، وکیل کارگران هفت تپه را محکوم کرده و خواهان پایان دادن به این روند نخنما می‌باشد».

۲۶ اردیبهشت

«عثمان اسماعیلی» و «محمود صالحی»، دو فعال کارگری شناخته‌شده شهر سقز بازداشت شدند. این دو فعال کارگری پیش از این نیز بارها توسط مأموران امنیتی بازداشت شده بودند.

۲۷ اردیبهشت

خانم «روح‌زاد»، همسر «اسماعیل گرامی» زندانی بازنشسته، در یادداشتی کوتاه برای سندیکای کارگران شرکت واحد از تمامی تشکلهای مستقل کارگری، صنفی، مدنی و دانشجویی درخواست کرد صدای دردمند «اسماعیل» و خانواده‌اش باشند. خانم «روح‌زاد» در این یادداشت آورده‌اند: «... همسر ۶۷ سال سن دارد و به جز پیگیری حقوق خودش و همکاران بازنشسته‌اش هیچ جرمی مرتکب نشده است، اما او را در زندان کرده‌اند و با اینگونه رفتارها، خانواده‌اش را هم مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند واقعاً باید به کی دردمان را بگوئیم. از تمام نهادهای مدنی و تشکلهای مستقل صنفی و کارگری و دانشجویی درخواست دارم صدای درد مرا به گوش مسئولین بی‌درد برسانند».

۲۹ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار بیانیه‌ای بازداشت‌های اخیر فعالین کارگری «هیراد پیرباداغی»، «عثمان اسماعیلی» و «محمود صالحی» را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه موجی دوباره از بازداشت فعالین کارگری و حامیان حقوق کارگر را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان می‌باشد».

۲۹ اردیبهشت

کانون و کلای دادگستری گیلان پیرو صدور قرار نظارت قضائی برای بانوی وکیل «فرزانه زیلابی» بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «به تازگی خبری انتشار یافت دایره بر تعلیق فعالیت حرفه‌ای یکی از همکاران تحت تعقیب دادسرای عمومی و انقلاب یکی از حوزه‌های قضایی توسط بازپرس پرونده در قالب صدور قرار نظارت قضایی موضوع ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، که می‌توان به عنوان

جهانی کارگر، کیفرخواست خود را در برابر ستمگران قرار می‌دهیم که مرگ و وحشت ناشی از ویروس کرونا و مصائب بی‌شمار و لاینحل اقتصادی و معیشتی و نبود کوچک‌ترین روزنه‌ای برای بهبود شرایط موجود و بی‌تفاوتی حکومت‌گران در برابر این وضعیت جهانی، چنان سایه خود را بر بالای سر هست و نیست میلیون‌ها انسان در سراسر کشور گسترانیده است که برای ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر توده‌های زحمتکش و رنج دیده مردم ایران چاره‌ای جز درهم‌شکستن این وضعیت به نیروی متحد و سراسری اعتراضات مان باقی نگذاشته است...».

پانزده تشکل کارگری، معلمان، بازنشستگان و مدافعین حقوق زنان به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه مشترکی منتشر ساختند. در این بیانیه آمده است: «... امسال هم در حالی به استقبال اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر می‌رویم که بحران جهانی سلامت، زندگی کارگران را تحت‌الشعاع قرار داده است. ... راه چاره این مشکلات و رهائی از این وضعیت نمی‌تواند از جانب کسانی که خود در ایجاد آنها نقش اصلی را تحت این یا آن نام ایفا کرده و می‌کنند، مطرح شود. کارگران دیگر فریب دروغ‌ها و از جمله وعده و وعیدهای انتخاباتی را که هر چند سال یکبار تکرار می‌شود، نمی‌خورند.

راه چاره، همچنین از دل بستن به قدرت‌های بزرگ جهانی (از هر رنگ و قماش که باشند) و سیاست‌بازی میان آنها نیز به دست نمی‌آید. چنین دل‌بستگی‌هایی به قدرت‌هایی در جغرافیای سیاسی، چه جهانی و چه منطقه‌ای، در واقع گروگذاری و بخشیدن پیشاپیش دسترنج توده‌های زحمتکش و جاده صاف کنی برای سلطه‌گران جهت بهره‌برداری از منابع کشور و همین‌طور نفوذ تعیین‌کننده بیگانگان در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی، سیاسی و سوق‌الجیشی است. ... اکنون فقدان تشکیلات درون واحدهای کار و تشکیلات منطقه‌ای و سراسری کارگران با شدتی بیش‌تر از پیش، خود را نمایان ساخته و مبارزه خستگی‌ناپذیری را برای ایجاد آنها را می‌طلبد. بدون چنین تشکیلات منسجم و سراسری، تأثیرات حضور و مبارزه کارگران خیلی چشم‌گیر نبوده و نتایج کار، حداقلی، بی‌پشتوانه و شکننده خواهد بود. ...».

۱۰ اردیبهشت

کانون نویسندگان ایران به مناسبت روز کارگر بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... کانون نویسندگان ایران خواهان به رسمیت شناختن عملی و رسمی حق آزادی بیان و اعتصاب برای همه گروه‌های اجتماعی و همچنین آزادی بی‌درنگ و بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی از جمله کارگران و فعالان کارگری زندانی است، و ضمن تأکید بر این خواسته‌ها، روز اول ماه مه را به کارگران ایران شادباش می‌گوید.».

جدیدترین اقدام ناصواب در تحدید استقلال نهاد و کالت از آن یاد کرد. ... از این رو در راستای تضمین استقلال کانون‌های وکلای دادگستری و حفظ استقلال و کیل در دفاع از موکلین و نیز رعایت حقوق شهروندی، انتظار دارد تا ریاست محترم قوه قضاییه با صدور بخشنامه‌ای، مقامات قضایی را از اتخاذ چنین تصمیماتی باز دارند.».

۳۰ اردیبهشت

کارگران گروه ملی فولاد دستگیری، بازداشت و هر گونه پرونده‌سازی علیه کارگران و فعالین کارگری را محکوم ساختند. در بیانیه‌ای که بدین مناسبت منتشر ساخته‌اند، آمده است: «... کانال صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد ضمن محکوم کردن این دستگیری‌ها و پرونده‌سازی علیه کارگران و فعالین کارگری، خواستار آزادی فوری بازداشت‌شدگان و پایان دادن به اینگونه پرونده‌سازی‌هاست. ما ایستادگی و مقاومت در برابر سیاست سرکوب و وضع موجود را در ادامه مبارزات متحدانه و پیوند زدن اعتراضات به یکدیگر می‌دانیم و برای دفاع از هم طبقه‌ای‌های خود و همبستگی عملی، که وظیفه اصلی و یک نیاز فوری طبقاتی‌مان است، تلاش و کوشش خواهیم کرد.».

روز جهانی کارگر

۴ اردیبهشت

سندیکای شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای به استقبال روز کارگر رفته است. در این اطلاعیه آمده است: «... این استثمار و خشونت نه تنها بر کارگران صنعت، معدن و کشاورزی بلکه بر سطح معیشت و شرایط اسفبار زندگی کارکنان رشته‌های مختلف خدمات و از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و ... نیز وارد گشته و صف بندی مشترک و مبارزه پیگیر در جهت کسب مطالبات را متمرکزتر ساخته است.».

۵ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، پیشاپیش فرا رسیدن روز جهانی کارگر را به کارگران نیشکر هفت تپه و تمامی کارگران جهان، شادباش گفت و در اطلاعیه خود بر اتحاد و تشکل‌یابی کارگران تأکید کرد.

۶ اردیبهشت

دوازده تشکل مستقل کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و مراکز کارگری به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر قطعنامه مشترکی انتشار دادند. در این قطعنامه آورده‌اند: «امسال ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و همه حقوق‌بگیران زحمتکش در حالی به مناسبت اول ماه مه روز

یازده تشکل دانشجویی به مناسبت روز کارگر بیانیه مشترکی منتشر ساختند. در این بیانیه آمده است: «... اما لازم است به عنوان گام اول و در راستای حمایت از تمام مبارزین و فعالین سیاسی، قویاً اعلام کنیم؛ یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های امروز ما این است که تمام زندانیان سیاسی از بند آزاد شوند و احکام ظالمانه بریده شده برای فعالین و معترضین نسبت به وضع موجود سریعاً بی‌اعتبار اعلام شوند...».

کنفدراسیون سراسری ایتالیا برای کار، «سی جی آی ال»، طی بیانیه‌ای حمایت خودش را به مناسبت روز جهانی کارگر از کارگران در ایران اعلام کرد.

۱۱ اردیبهشت

تجمع کارگران و بازنشستگان در مقابل وزارت کار و خیابان‌های اطراف، که به مناسبت روز جهانی کارگر فراخوان شده بودند، مورد تهاجم وحشیانه نیروهای امنیتی - انتظامی قرار گرفت و ۳۰ نفر از تجمع‌کنندگان در تهران و چند نفر از فعالان کارگری در سنجید دستگیر شدند. تجمعات روز کارگر در شهرهای مختلف از جمله تهران، کرج، مشهد، اراک، رشت، شوش، اهواز، خرم‌آباد، کرمانشاه، تبریز، مریوان، سروآباد، سنجید، هفت‌تپه، و ... برگزار شد. تجمع‌کنندگان کارگران و بازنشستگانی بودند که به دلیل سیاست‌های غارت‌گرانه حاکمیت در زیر خط فقر قرار دارند. کارگران خواستار امنیت شغلی و معیشت بالای خط فقر می‌باشند. در پایان بازنشستگان و کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه‌ای منتشر ساختند که در آن می‌خوانیم: «... در بزرگداشت روز جهانی کارگر در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، صدها کارگر و پیشکسوتان ضد ظلم و چپاول در شهرهای مختلف کشور، این روز بزرگ را گرامی داشتند و با صدای رسا، خواسته‌های برحق خود را به گوش همه رساندند. ... ما ضمن محکوم کردن اعمال ضد کارگری گردانندگان غاصب خانه کارگر، اعلام می‌کنیم در شرایطی که حداقل حقوق حقه کارگران و زحمتکشان توسط جناح‌های مختلف حاکمیت پایمال شده و ما علی‌رغم کارهای سنگینی که انجام می‌دهیم، اما چیزی جز خجالت پیش خانواده خود نداریم، اعلام می‌کنیم در این انتخابات شرکت نخواهیم کرد و همچنان که بارها اعلام کرده‌ایم: ما دیگه رای نمی‌دیم، عدالتی ندیدیم! ...».

دست‌اندرکاران خانه کارگر و ایادی آن تحت حفاظت نیروهای امنیتی در محل درب پستی وزارت کار، در یک حرکت ضد کارگری و برای ایجاد تفرقه، تجمع فرمایشی خود را برگزار کردند. این مراسم با تعظیم و تکریم از مسئولین صندوق تأمین اجتماعی همراه بود.

کارگران نیشکر هفته تپه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. جمعی از کارگران این شرکت، با در دست داشتن پلاکارد بزرگی در محوطه شرکت تجمع کردند. و نمایندگان کارگران

به سخنرانی پرداختند و بر اتحاد و تشکل‌یابی کارگران برای رسیدن به اهدافشان تأکید کردند. کارگران هفت تپه در پایان تجمع خویش بیانیه‌ای به مناسبت روز کارگر منتشر کردند. در این بیانیه آمده است: «... تجربه ما می‌گوید که ایجاد اتحاد گسترده کارگری ساده نیست، اما عملی است. هرگاه کارگران با خرد جمعی وارد عمل شوند، می‌توانند به قدرت اتحادشان تکیه کنند و به اهداف خود برسند. ما تاکنون اساساً با اتکا به خرد جمعی و شورائی حرکت کرده‌ایم، چرا که ما کارگریم و منافع واحد داریم و ناچاریم به یکدیگر تکیه کنیم...».

هفت تپه

۱۵ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اسناد مبارزاتی کارگران نیشکر هفت تپه اقدام به ثبت وقایع مبارزاتی کارگران این شرکت نمود و کارگران و فعالان کارگری را به کمک در این اقدام مهم و تاریخی فراخواند. در اطلاعیه‌ای بدین مناسبت آورده است: «سخن سندیکای کارگران هفت تپه، بخشی از تاریخ صد سال اخیر در ایران، تاریخ نبرد طبقاتی و مبارزات پیگیر طبقه کارگر ایران است که سرشار از تجارب بسیار غنی و آموزنده است.»

ما مطالعه این اسناد با ارزش را به تمامی کارگران و زحمتکشان و دوستانان طبقه کارگر پیشنهاد می‌کنیم!

۱۸ اردیبهشت

تبریک به کارگران ایستاده و مقاوم هفت تپه!

خبرگزاری حکومتی فارس خبر از لغو واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی داد. این لغو واگذاری نتیجه مقاومت جانانه و دلیرانه کارگران در روزهای اعتصاب و پایداری در گرمای بالای ۴۰ درجه است که کارگران هفت تپه می‌توانند با تکیه بر آن، دور جدید مبارزات خود را آغاز کنند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیه‌ای بدین مناسبت آورده است: «... خلع ید از بخش خصوصی بر کارگران مبارز هفت تپه و کارگران ایران مبارک باد. ... خلع ید از اسد بیگی تنها با اراده و مبارزه متحدانه کارگران به وجود آمد، این مبارزه بدون اتحاد و همبستگی جانانه کارگران هفت تپه امکان‌ناپذیر نمی‌بود. ... اسد بیگی البته با اتکاء به تمام قوانینی که متعلق به دولت سرمایه‌داران بود، این فرصت و امکان را داشت که کارگران پیشرو و فعالین کارگری در هفت تپه را اخراج کند، برای آنها پرونده‌سازی کند و با تهدید و توطئه‌های فراوان باعث تفرقه و جدایی در صفوف کارگران بشود. ... پس باید با آگاهی بیش تری در این راه گام برداریم. نباید اجازه داد که مالکان جدید بر جان و مال ما حاکم شوند. کارگران هفت تپه

شریف و مبارز هستیم».

سندیکای کارگران شرکت واحد ایستادگی و همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه در خلع ید کارخانه از بخش خصوصی را شادباش گفت. در بیانیه‌ای که بدین مناسبت انتشار یافته، آمده است: «... حفظ شرایط موجود و پیشروی‌های بیشتر بی‌شک با تشکل کارگری منسجم و پویا هموارتر خواهد بود. سندیکای کارگران شرکت واحد از برادران و خواهران خود در نیشکر هفت تپه صمیمانه می‌خواهد تا ایجاد چنین تشکلی را در اولویت قرار دهند و از شرایط مساعد بوجود آمده از خلع ید از بخش خصوصی نهایت بهره را برده و تشکل مستقل کارگری خود را بنا کنند. سندیکای کارگران شرکت واحد پیروزی روز افزون کارگران هفت تپه و دیگر مبارزات کارگران را آرزو دارد».

کارگران هپکو موفقیت در خلع ید از کارفرما را به کارگران هفت تپه تبریک گفتند. در پیام کارگران هپکو آمده است: «تلاش شما به واسطه استقامت‌تان جواب داد و توانستید به هدف‌تان برسید. ضمن خوشحالی بسیار برای این موفقیت، از این به بعد نیز باید با تمام توان مراقب سرنوشت شرکت باشید تا در مسیر ترقی و رشد قرار بگیرید. مواظب باشید با دولتی شدن شرکت، در پی فرار از باتلاق بدهی چوب حراج به شرکت هفت تپه نزنند و این شرکت معظم را از چاله به چاه نیندازند. مراقب باشید بازیچه دست بورس بازان و رانتی‌ها نشود».

چهار تشکل «سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران، بازنشستگان سندیکای کارگران بافنده سوزنی، بازنشستگان فلز کارمکانیک و بازنشستگان صنعت چاپ» در بیانیه مشترکی پیروزی کارگران هفت تپه را تبریک گفتند. در این بیانیه آمده است: «پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه سرآغاز نوینی در جنبش کارگری است. از آغاز دهه نود جنبش کارگری متحد و یکصدا علیه سیاست خصوصی‌سازی، که سرمنشائی جز نئولیبرالیسم ندارد، به‌پاخاسته و با دادن هزینه‌های بسیار این پیروزی را بر سرمایه‌داری رانتخوار لانه کرده در دولت تحمیل کردند. ... هر چند هزینه‌های گزافی برای این پیروزی داده شد و بسیاری از برادرانمان اخراج، دستگیر، آواره شدند و خانواده‌های کارگران گرسنگی را تجربه کردند، اما شیرینی این پیروزی، تلخی‌های آن روزها را از بین برد».

۲۵ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به مناسبت خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه بیانیه‌ای در اهمیت تشکل‌یابی کارگران منتشر ساخت و در آن کارگران را به متشکل شدن هر چه بیشتر دعوت کرد. در این بیانیه آمده است: «سازماندهی هر چه بهتر کارگران، شرایط بهتر، دخالت بیشتر و تأثیرگذاری موثرتر در تمامی عرصه‌های زندگی و مبارزه را به همراه خواهد داشت. گام اول را با موفقیت به اتمام رسانده‌ایم،

تجربه دارند که در دهه ۸۰ با ایجاد تشکل سندیکا توانستند با اتحاد بیش‌تری علیه صاحبان سرمایه مبارزه کنند و بعضی از مطالبات خود را از گلوی سرمایه‌داران بیرون بکشند. آنچه در شرایط کنونی بسیار حائز اهمیت است، این می‌باشد که کارگران باید در اولین اقدام خود را در تشکل مستقل کارگری سازماندهی کنند. تشکلی که به نیروی کارگران ایجاد شده باشد و بتواند با نظر و خرد جمعی کارگران خود را سازماندهی کند. در این شرایط که ما یک گام پیروزمندانه را به دست آورده‌ایم، باید بتوانیم آن را به نفع کارگران تثبیت کنیم. ...».

۱۹ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با صدور اطلاعیه صدور حکم بازستانی مالکیت هفت تپه از بخش خصوصی را به کارگران ایران و خصوصاً کارگران هفت تپه تبریک و تهنیت گفت. در این اطلاعیه آمده است: «البته چنین پیروزی بعد از چندین سال مشقت و رنج و اخراج کارگران و پرونده‌سازی‌ها، حالا به کام کارگران نیشکر هفت تپه باید شیرین باشد و هست. قابل توجه و تذکر است که کارفرماها می‌آیند و می‌روند و هفت تپه و کارگر هفت تپه همچنان باقی و ریشه نیشکر باید مستدام باشد. ...».

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار بیانیه‌ای سرکوب کارگران در پاریس را محکوم ساختند. در این اطلاعیه که خطاب به «کنفدراسیون عمومی کار س ژ ت» است، آمده است: «ما با تأسف بسیار از حمله به صف تظاهرات و کامیون‌های سندیکای شما در جریان تظاهرات باشکوه اول ماه مه در پاریس با خبر شدیم. براساس این اخبار عده‌ای ناشناس که برخی از آنان لباس سیاه یا جلیقه زرد پوشیده بودند، با شعارهای ضد اتحادیه‌ای، در پایان تظاهرات در میدان «ناسیون» پاریس، به رفقای شما حمله کرده و ۲۱ نفر را زخمی کرده‌اند. ... ما ضمن محکوم کردن این حمله، این تعرض نابخشودنی را، آن هم در روز اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران کشورها، از طرف هر کس یا گروهی که باشد و با هر «توجیهی» که باشد، حمله به خود و کل طبقه کارگر جهانی تلقی کرده و با شدت تمام محکوم می‌کنیم. ...».

۲۰ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از «سپیده قلیان»، زندانی حامی کارگران هفت تپه، در روز جشن خلع ید از «اسد بیگی»، قدردانی به عمل آورد و خواهان آزادی او شد. در اطلاعیه سندیکا در این رابطه آمده است: «... اسماعیل بخشی به خوبی از این عزیز آگاه و بزرگوار یعنی سپیده قلیان و دیگر دانشجویان در جشن کارگران هفت تپه، یاد کرد. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، فداکاری و تلاش‌های سپیده قلیان را فراموش نخواهد کرد و بار دیگر ما خواستار آزادی این انسان

گام‌های بی‌شماری در مقابل ما قرار دارد. ... کارگران ایران! با همبستگی و حمایت و ادامه راه کارگران هفت‌تپه، در هر محل کار، کارخانه و کارگاه، تضمینی برای آلترناتیو کارگران، که چیزی جز رفع فقر، بیکاری، بی‌خانمانی، بی‌امکانی و یک زندگی تأمین و انسانی برای تمامی کارگران و تمامی مردم در ایران است، یاری رسانید. پیروزی ما در گروی تشکیل‌یابی هر چه بیش‌تر کارگران و سازماندهی هر چه بهتر جمعی ما کارگران است».

۲۶ اردیبهشت

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در محکومیت فشار و پرونده‌سازی برای کارگران هفت‌تپه و وکیل مبارز کارگران، «فرزانه زیلابی» به انتشار بیانیه اقدام کرد که در آن می‌خوانیم: «... بار دیگر اعلام می‌کنیم کارگران هفت‌تپه به هیچ عنوان مرعوب این قلچماقی و این بی‌قانونی‌ها و این رفتارهای ایدایی دستگاه اطلاعاتی و قضایی نخواهند شد و متحدتر و محکم‌تر از همیشه برای احقاق حقوق خود و دفاع از کارگران و حامیان هفت‌تپه مسیر خود را ادامه خواهند داد. ما موكداً خواهان ملغی‌شدن پرونده‌سازی برای وکیل شریف کارگران فرزانه زیلابی و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان حامی هفت‌تپه هیراد پیربدایی و سپیده قلبان هستیم و برای نیل به این هدف تمام توان خود را به کار خواهیم بست».

۲۷ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هرگونه پرونده‌سازی علیه خانم «زیلابی»، وکیل آگاه و شجاع کارگران هفت‌تپه را قویاً محکوم ساخت و اعلام داشت که با تمام توان از ایشان و حامیان طبقه کارگر دفاع خواهد کرد.

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران در اطلاعیه‌ای در محکومیت پرونده‌سازی برای خانم «فرزانه زیلابی» آورده است: «احضار وکیل شجاع و دختر واقعی زحمتکشان فرزانه زیلابی به دادگاه به دلیل به عهده گرفتن وکالت کارگران نیشکر هفت‌تپه‌ای نه تنها محکوم است بلکه مدال افتخاری است بر سینه این وکیل قهرمان. ... ما ضمن محکوم کردن این عمل مذموم، حمایت خود را از این وکیل محترم اعلام و خواهان پایان این گونه اعمال فشار به وکلا هستیم».

«ناصر زرافشان»، وکیل «فرزانه زیلابی»، ممنوعیت موکل‌اش خانم «فرزانه زیلابی» از اشتغال به وکالت را «بدعتی خطرناک» توصیف کرد. ایشان تأکید کردند که چنین اقداماتی وکیل را در شرایطی قرار می‌دهد که «پیشاپیش حرفش را نزنند و نه اینکه حرفش را بزنند و بعد از آن با معیارهای موجود سنجیده شده و قبول یا رد شود». او بار دیگر به این نکته تأکید کرد که اگر این اقدام در حرفه وکالت باب شود، «بدعت خطرناکی» است: «من جاهای دیگری هم گفته‌ام که وظیفه کانون وکلا هم است

که در برابر چنین تفسیری از بند پ ماده ۲۴۷ موضع بگیرند». «ناصر زرافشان» تأکید دارد که وقتی گفته می‌شود منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی و به استناد آن موکل من را از اشتغال به وکالت منع می‌کند، به این معناست که وکالت فعالیت‌های جرم‌زاست، وکالت جرم است و از این به بعد هر وکیلی از ترس اینکه مبادا با استناد به این بند، کار، حرفه، پروانه و ممر معاشش را از دست دهد، اساساً دیگر نمی‌تواند حرف بزند و سانسور می‌شود.

۳۰ اردیبهشت

صد و شصت نفر از کارگران بخش دفع آفات هفت‌تپه در اعتراض به عدم دریافت ۱۷ روز از دستمزد فروردین ماه، دست به اعتصاب زدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه از مطالبات کارگران اعتصابی اعلام حمایت کرد و خواستار پرداخت مطالبات کارگران اعتصابی شد.

فرهنگیان

۴ اردیبهشت

جمعی از مربیان ابتدایی مدارس عشایری شهرستان ایذه، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان، در مقابل ساختمان استانداری خوزستان، دست به تجمع اعتراضی زدند.

۵ اردیبهشت

پنجمین تجمع اعتراضی معلمان جوان نسبت به سابقه‌سالاری افراطی در آموزش و پرورش، لایحه جدید رتبه‌بندی، حقوق پایین ۳ میلیون تومان و عدم برخورداری از قانون رتبه‌بندی معلمان، در مقابل مجلس برگزار گردید.

۱۱ اردیبهشت

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) به مناسبت روز معلم و روز کارگر بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... امسال در شرایطی به دوازدهم اردیبهشت رسیدیم که برای دومین سال متوالی است که روز معلم، مسائل آموزش و پرورش و همه عرصه‌های زندگی تحت تأثیر همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ و زیر سایه سنگین رکود به فراموشی و حاشیه رانده می‌شوند. ... یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر را پاس می‌داریم و از زحمت‌کشان عرصه تولید در روزهایی که دشوارتر از همیشه، لازم است بر ضد استثمار، نابرابری، تورم لجام‌گسیخته، عدم امنیت شغلی، سرکوب دستمزدها، تشکل‌ستیزی حاکمان و... تلاش کنند، حمایت می‌کنیم. برخی از همکاران ما (مانند اسماعیل عبدی، محمدرضا رمضان‌زاده...) و شما در این سال‌ها در راستای تلاش برای کسب ابتدایی‌ترین حقوق مدنی و صنفی خود با حکم‌های سنگین حبس و محرومیت مواجه شده‌اند. ما

شدیدا محکوم کرده، خواسته‌های آنان را بر حق دانسته و همواره خود را در کنار کارگران و زحمتکشان جامعه می‌داند و انتظار دارد رعب و خفقان بر فضای کارگری برچیده شود».

سندی‌کای کارگران نیشکر هفت تپه، روز معلم را به تمامی معلمان شادباش گفت و خواستار آزادی «اسماعیل عبدی» و «محمد رضا علیزاده» و دیگر زندانیانی که برای احقاق حقوق پایمال شده خود و همکارانشان، بازداشت و زندانی شده‌اند، شد. در بیانیه‌ای که بدین مناسبت منتشر ساخت آمده است: «... در چنین شرایطی ضمن همفکری و تبادل نظر، ایجاد تشکل سراسری بخش‌های مختلف کارگران را باید در دستور کار قرار داد. گام برداشتن در راستای ایجاد تشکل سراسری، وظیفه خطیری است که در پیش روی ما قرار دارد...».

تعدادی از فعالان صنفی و مدنی در مقابل زندان کرج جمع شدند و اعتراض خود را نسبت به زندانی شدن کارگران و معلمان از جمله «اسماعیل عبدی» اعلام کردند.

مربیان پیش دبستانی و آموزگاران نهضت سوادآموزی در اعتراض به حقوق پایین، عدم امنیت شغلی و عدم برخورداری از بیمه دولتی در اداره کل آموزش و پرورش خوزستان تجمع کردند.

اعضای هیأت علمی دانشگاه تبریز در اعتراض به پایین بودن حقوق و عدم همسان‌سازی حقوق اساتید دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۳ اردیبهشت

در پی اعتراض به برگزاری امتحانات حضوری در قزوین، نیروی انتظامی دانش‌آموزان معترض را با خشونت بازداشت و برای چند ساعت محبوس کرد. کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین در محکومیت برخوردهای غیرقانونی با تجمعات دانش‌آموزی بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن می‌خوانیم: «... کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین برخورد با تجمعات دانش‌آموزی را به شدت محکوم کرده و خواهان دلجویی مقصران و عاملان این رفتارهای غیرقانونی از دانش‌آموزان آسیب‌دیده و برخورد با مسبب این بی‌قانونی‌هاست».

کانون صنفی فرهنگیان گیلان، انجمن صنفی فرهنگیان سقر و زیویه، کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز، کانون صنفی فرهنگیان یزد و ... با انتشار بیانیه‌های جداگانه‌ای حمله به دانش‌آموزان معترض به برگزاری آزمون‌های حضوری را محکوم ساختند.

۲۱ اردیبهشت

جمعی از معلمان استان فارس در مقابل اداره کل آموزش و پرورش شهرهای شیراز، زرین دشت و صفا شهر دست به تجمع

ضمن اینکه مصرانه خواهان آزادی آنها هستیم، اعلام می‌داریم که از نظر ما برخوردهای سرکوبگرانه با نهادهای مدنی نه تنها غیرقانونی بلکه مخالف خرد و حداقلی از دوراندیشی است. با این اوصاف، روز معلم و روز کارگر را بر تمامی کوشندگان عرصه اندیشه و عمل تباریک می‌گوییم».

گروه‌هایی از دانش‌آموزان شهرهای مختلف کشور با برگزاری تجمع و راهپیمایی نسبت به برگزاری امتحانات حضوری در شرایط شیوع موج چهارم کرونا، در چندین روز اردیبهشت ماه، اعتراض خود را اعلام کردند. دانش‌آموزان تجمع‌کننده، در شهرهای کرج، یزد، شهرکرد، سمنان، زنجان، تهران، شیراز، بروجرد، ایلام، همدان، نسیم شهر، کرمان، بندرعباس، خرمشهر و ... جلوی ساختمان‌های آموزش و پرورش تجمع و راهپیمایی کردند.

انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی به دنبال تجمع اعتراضی دانش‌آموزان در بیش از ۱۶ شهر و برخورد نیروهای انتظامی با دانش‌آموزان، بیانیه‌ای منتشر کرد. در این بیانیه آمده است: «دیر زمانست که چوب و ترکه، شلنگ و شلاق، فلک و هیبت از کلاس و مدرسه و خانه رخت بر بسته است. آن مکتب‌خانه‌هایی که به جبر دانش‌آموز را وادار به درس خواندن و مودب بودن می‌نمودند، مدت‌هاست برچیده شده‌اند. ... انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی برخورد قهری و خشونت‌آمیز همراه با ضرب و شتم دانش‌آموزان بوسیله پلیس را شدیداً محکوم نموده، از مسئولان قضایی و دادستان‌های محترم انتظار دارد افراد خاطی را محاکمه و زمینه دلجویی از جامعه دانش‌آموزی و خانواده‌های آنها را فراهم آورند...».

۱۲ اردیبهشت

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در خصوص بزرگداشت روز معلم بیانیه‌ای منتشر ساخت. در این بیانیه آمده است: «... شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن عرض تبریک و شادباش به همه همکاران خود در سراسر کشور عزیزمان ایران به مناسبت روز معلم و شهادت دکتر خانعلی (دوازدهم اردیبهشت ماه) انتظار دارد خردگرایی و برنامه‌ریزی درست و اصولی سرلوحه تصمیمات مسئولین واقع شده و در شرایط حاد کنونی، که ویروس کرونا تا حدود زیادی آموزش را به قهقرا برده است، هر چه سریع‌تر در این خصوص تصمیمات مقتضی و در خور اتخاذ نماید و با انجام واکسیناسیون عمومی زمین‌بازگشایی مدارس به صورت حضوری برای سال تحصیلی آینده را فراهم کند. ... در پایان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن تبریک روز کارگر به این قشر زحمت‌کش، که توسعه، پیشرفت و رفاه جامعه حاصل دست‌های پینه بسته آنان است، خواهان محرومیت‌زدایی و توجه ویژه به معیشت و منزلت آنهاست و هر گونه سرکوب جامعه کارگری را با هر بهانه‌ای

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به طرح رتبه‌بندی بیانیه معترضان‌های منتشر ساخت. در این بیانیه می‌خوانیم: «مقامات حکومتی ایران در طول سال‌های اخیر ثابت کرده‌اند آنچه هر از گاهی در قالب وعده‌هایی برای جامعه معلمان ابراز داشته‌اند، در نهایت مهندسی و عملیاتی نشده است. آنان هرگز در قبال این عهدشکنی‌های مداوم، نه از جامعه معلمان عذر خواسته و نه خود را موظف به پاسخ‌گویی دانسته‌اند. ... شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران انتظار دارد، مقامات حکومتی از ارائه راهکارهای خردمندانه‌ای، که جامعه مدنی و اصناف، بی‌مزد و منت برای حل بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد می‌دهد، استقبال کرده و عملی کردن آنرا درمان دردهای جامعه بدانند. جامعه مدنی و تشکل‌های مردمی و اصناف خیرخواه، مولد و مرجع جامعه هستند، آنان خرد و آگاهی و روشنایی را پیش پای سیاسیون حاکم قرار می‌دهند. سرمایه اصلی یک جامعه مجموع معارفی است که معلمان می‌آموزانند. آنان را به چشم مصرف‌کننده دیدن، خطای استراتژیکی است که در هیچ کجای عالم چنین رسم ناروایی مرسوم نیست. حاکمان بدانند، معترضین از هر قشری که باشند، حقوق و خواسته‌ای دارند که باید محترم شمرده شود. آنان مزاحم و دشمن ملی نیستند، مقامات حکومتی باید به برخوردهای امنیتی و سرکوبگرانه اقتدار گوناگون پایان دهند و همه منابع ملی و توان خود را صرف برآوردن خواست جامعه مدنی اصناف و مردم نمایند.»

۲۸ اردیبهشت

پنج سندیکای فرانسوی در بیانیه‌ای مشترک خواستار آزادی «اسماعیل عبدی»، معلم زندانی شدند. در این بیانیه آمده است: «... از رژیم ایران می‌خواهیم که به پیمان‌های بین‌المللی، که دولت ایران امضا کرده، از جمله حق ایجاد تشکل‌های مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد.»

۲۹ اردیبهشت

برای ششمین بار طی یکماه اخیر، شمار زیادی از پذیرفته‌شدگان سه برابر ظرفیت آزمون استخدامی آموزش و پرورش مرحله هشتم ۱۳۹۹ ماده ۲۸ موسوم به «کارنامه سبها» در اعتراض به عدم جذب در آموزش و پرورش، در مقابل مجلس تجمع کردند.

بازنشستگان

۱۵ اردیبهشت

بازنشستگان تأمین اجتماعی برای ششمین بار در دومین ماه سال ۱۴۰۰ در اعتراض به عدم همسان‌سازی و شرایط سخت

اعتراضی زدند. در این تجمع تعدادی از معلمان برای همکاران خود سخنرانی کردند. مهم‌ترین محورهای سخنرانی‌ها عبارت بودند از: «عدم اجرای سند تحول، تحقیر معلمان و تحمیل وزیر نامرتب با بالاترین رأی اعتماد، حاکمیت سلیقه به جای قانون و لزوم احیای کانون فارس، محکوم کردن کشتار دانش‌آموزان افغانستانی و ضرب و شتم دانش‌آموزان یزدی، مصادره کردن موفقیت دانش‌سرای‌ها توسط بعضی مقامات، دلایل عدم استقبال معلمان از شرکت در تجمعات، لزوم پیگیری مطالبات فرهنگیان توسط کانون‌های صنفی و ...».

۲۲ اردیبهشت

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) حمله به مدرسه دخترانه سیدالشهدای کابل در افغانستان و قتل عام دختران معصوم را محکوم ساخت و خواهان حمایت همه‌جانبه جهانی برای حمایت از حق آموزش کودکان و پایان‌دادن به جنگ و خونریزی شد.

۲۵ اردیبهشت

گروهی از کارکنان خدماتی آموزش و پرورش اصفهان و تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان، در مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش شهرهای خود، دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۶ اردیبهشت

جمعی از فرهنگیان و معلمان جوان براساس فراخوان از پیش اعلام شده مقابل مجلس تجمع کردند و خواهان اجرای «رتبه‌بندی بر مبنای سند تحول بنیادین و همسان‌سازی با مشاغل مشابه (هیئت علمی دانشگاه) طبق بند ۳ ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه و برقراری فوق‌العاده ویژه ۵۰ درصد به طور کامل طبق بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری» شدند.

معلمان و نیروهای شاغل در مدارس غیردولتی ایلام در محوطه اداره کل آموزش و پرورش این استان تجمع اعتراضی برپا کردند. این نیروها سال‌هاست که با حقوق بسیار پایین شاغل هستند و خواهان رفع تبعیض از آنها نسبت به شاغلین دولتی و افزایش حقوق و مزایا هستند.

گروهی از آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی ورودی بعد از سال ۹۲، با تجمع اعتراضی در مقابل مجلس با سردادن شعارهایی خواستار استخدام و تعیین تکلیف وضعیت خود شدند.

آموزگاران و کارکنان آموزش «استثنایی» در برابر اداره کل آموزش و پرورش خوزستان، در اعتراض به وضعیت بیمه خود تجمع اعتراضی برگزار نمودند.

۲۷ اردیبهشت

«اسماعیل گرامی» بازنشسته زندانی شدند.

۲۱ اردیبهشت

جمعی از بازنشستگان وزارت بهداشت و درمان در تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه کشور با وجود حضور چشمگیر نیروهای امنیتی و انتظامی و در چند شهر دیگر از جمله اصفهان، رشت، کرمانشاه و مشهد مقابل مراکز برنامه و بودجه این شهرها تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتراض بازنشستگان به اجرای ناقص همسان‌سازی و عدم اعمال فوق‌العاده ویژه، حق جذب، سختی شرایط محیط کار و حق اشعه است. علی‌رغم اینکه از این آیت‌ها کسورات بازنشستگی کسر گردیده است، اما در احکام متناسب‌سازی آنها اعمال نشده است.

۲۶ اردیبهشت

بازنشستگان و مستمری‌بگیران در شهرهای مختلفی از جمله کرج، مشهد، تهران، کرمانشاه، اصفهان، رشت، تبریز، خرم‌آباد در اعتراض به عدم پاسخ به مطالبات‌شان مقابل ساختمان تأمین اجتماعی شهرهای خود دست به تجمع زدند. همسان‌سازی حقوق‌ها یکی از اصلی‌ترین مطالبات آنان است. از ابتدای سال جدید، این هشتمین بار است که بازنشستگان تأمین اجتماعی به صورت سراسری و هماهنگ در شهرهای مختلف تجمع برگزار می‌کنند. در سه ماهه آخر سال گذشته نیز حداقل ۱۰ تجمع سراسری از سوی بازنشستگان و مستمری‌بگیران صورت گرفته بود.

۲۸ اردیبهشت

تجمع صنفی بازنشستگان بهداشت و درمان مقابل استانداری اصفهان برگزار گردید.

کارگران بازنشسته هتل لاله تهران در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، در مقابل ساختمان این هتل دست به تجمع اعتراضی زدند.

نفث، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

۱ اردیبهشت

راننده‌های استیجاری منطقه یک عملیاتی انتقال گاز میان کوه واقع در امیدیه، که مسئولیت جابجایی کارگران و برخی مدیران را در بین ایستگاه‌های تقویت فشار گاز به عهده دارند، در اعتراض به پایین بودن دستمزد و مزایای دریافتی خود در برابر محوطه واحد حمل و نقل ساختمان اداری عملیات خطوط لوله، دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۰ اردیبهشت

جمعی از کارگران و جوشکاران شرکت‌های سازه پاد تهران و

معیشتی بطور همزمان در تهران و کرج، قزوین، کرمانشاه، بروجرد، اراک، اصفهان، شوش، اردبیل و اهواز دست به تجمع اعتراضی سراسری زدند. تجمع‌کنندگان خواستار آزادی «اسماعیل گرامی» از بازنشستگان زندانی شدند. در پایان با تبادل نظر و نظر سنجی از تجمع‌کنندگان، پیرامون چگونگی برگزاری مراسم روز کارگر، با اکثریت آرا، برگزاری مراسم در روز ۱۱ اردیبهشت و مکان آن نیز تعیین گردید.

۶ اردیبهشت

بازنشستگان و مستمری‌بگیران شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی (هما) در اعتراض به اجرا نشدن برنامه همسان‌سازی و پایمال شدن حقوق خود دست به تجمع اعتراضی و راهپیمایی زدند.

۸ اردیبهشت

شماری از کارگران بازنشسته شرکت مخابرات راه دور شیراز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان، در محوطه این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۸ اردیبهشت

گردهمایی بازنشستگان سازمان نوسازی و گسترش صنایع ایران تحت پوشش صندوق بازنشستگی آینده‌ساز مقابل دفتر صندوق مزبور واقع در خیابان رازان شمالی بلوار میرداماد برگزار شد. مطالبات در خصوص اجرای طرح همسان‌سازی دستمزد بازنشستگان صندوق آینده‌ساز در چهارچوب مقررات تأمین اجتماعی و اجتناب از فرمول‌های بدون مقررات قانونی بود.

۱۹ اردیبهشت

تجمعات اعتراضی بازنشستگان در تهران و همزمان در کرج، مازندران، رشت، خراسان جنوبی، اصفهان، تبریز، مشهد، خرم‌آباد، سنندج، کرمانشاه، شیراز و شوش در اعتراض به وضعیت سخت معیشتی برگزار گردید. در اصفهان پلیس مانع از تجمع بازنشستگان شد، اما با آمدن بازنشستگان فولاد فریاد اعتراض باریدن گرفت. تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی در تهران مقابل ساختمان این سازمان، با جو شدید امنیتی و ممانعت نیروهای انتظامی - امنیتی مواجه گردید و بازنشستگان حاضر در محل با مشاهده این فضا، اعتراضات خود را به مقابل مجلس منتقل نمودند. بازنشستگان معترض برخی از مطالبات خود را افزایش مستمری‌های دریافتی در موازات خط فقر، اجرای قانون همسان‌سازی حقوق، اجرای دقیق ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، رفع مشکلات بیمه تکمیلی، پرداخت پاداش آخر سال و همچنین محاسبه سوابق مشاغل سخت و زیان‌آور در محاسبات متناسب‌سازی عنوان کردند. تجمع‌کنندگان در شعارهایشان خواستار آزادی

گروهی از پاکبانان و کارگران خدمات شهری شهر کرد، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل ساختمان شهرداری این شهر، اقدام به برگزاری تجمع کردند. کارگران معترض اهم مطالباتشان را عدم پرداخت مطالبات مزدی و مشکلات صنفی خود عنوان کردند. لازم به یادآوری است که این کارگران از روز پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه در محوطه شهرداری شهر کرد دست به تجمع اعتراضی زده بودند.

۲۲ اردیبهشت

اعتصاب و تجمع پرسنل قراردادی شهرداری قروه در اعتراض به تبعیض در مقدار دستمزد دریافتی و عدم اجرای همسان سازی حقوق همچنان ادامه یافت.

کارگران شهرداری سراوان با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر خواستار پیگیری مطالبات پرداخت نشده خود شدند. شهرداری سراوان از ابتدای دیماه ۹۹ تاکنون، در پرداخت حقوق کارگران شهرداری سراوان کوتاهی کرده است.

۲۶ اردیبهشت

کارگران شهرداری شهر لوشان در استان گیلان، برای دومین روز متوالی در مقابل ساختمان شهرداری تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۹ اردیبهشت

جمعی از نیروهای حجمی (خدماتی) شرکت آب و فاضلاب استان کهگیلویه و بویراحمد، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی و بیمه‌ای خود، در مقابل ساختمان اداره آب و فاضلاب دوگنبدان در گچساران تجمع کردند.

کارگران دیگر

۱ اردیبهشت

کارگران سرویس و نگهداری شبکه برق و تأسیسات آبفا و تهویه اداره کل بنادر و دریانوردی خوزستان (منطقه ویژه اقتصادی بندر خمینی) برای به نمایش گذاشتن اعتراض خود نسبت به ادامه اذیت و آزار ۲ همکار حق طلب از جمله ممنوع ورود کردن یک نفر و ابلاغ قطع همکاری با یک نفر دیگر، شرایط بدکاری، نداشتن امنیت شغلی و سکوت اداره کار دست از کار کشیده و در برابر ساختمان این اداره در شهرستان بندر امام تجمع کردند.

۴ اردیبهشت

کارگران ابنیه فنی راه آهن شمال مازندران که حدود ۲۰۰ نفر هستند، با تجمع اعتراضی خود در برابر اداره کل راه آهن شمال در شهر ساری، خواستار اجرای طرح تجمیع و قرار رفتن این

شالوده شایان که در پالایشگاه بیدبلند دو بهیمان مشغول به کار هستند، در محل کار خود اعتصاب کردند. طبق قرارداد اداره کار این شرکت‌ها موظف به افزایش ۳۵ درصدی حقوق آنها هستند، اما مسئولین شرکت از انجام این کار امتناع می‌کنند. مسئولین شرکت گفته‌اند، نهایتاً ۵۰۰ هزار تومان به حقوق کارگران اضافه می‌شود.

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در مقابل مجلس در اعتراض به نحوه اجرای دستمزد عمومی سال ۱۴۰۰، برگزار شد. عده‌ای از کارگران، که به دلیل حضور در محل کار و بخاطر شیفت کاری، امکان حضور در تجمع تهران را نداشتند، با در دست داشتن پلاکاردهائی عکس‌های خود را در فضای مجازی قرار دادند و بدین شکل از همکارانشان حمایت کردند. همزمان با تجمع کارگران نفت مقابل مجلس در تهران، کارگران رسمی نفت در اهواز نیز تجمعی اعتراضی برپا کردند. کارگران خواهان افزایش حقوق و اجرای کامل مفاد قانونی ماده ۱۰ هستند.

۲۵ اردیبهشت

تجمع نیروهای پیمانی وزارت نفت مقابل مجلس در اعتراض به عدم تغییر وضعیت شغلی خود و با خواست همسان سازی حقوق شان.

۳۱ اردیبهشت

کارگران و کارکنان رسمی عملیاتی سکوهای دریایی پارس جنوبی به نمایندگی از کارگران ۳۰ سکوی عملیاتی در حوزه پارس جنوبی نسبت به نحوه تصویب و اجرای افزایش حقوق خود در سال ۱۴۰۰ بر روی سکوها اعتراض و راهپیمایی کردند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خوزستان و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه‌های حمایت خود را از خواسته‌های این کارگران و کارکنان اعلام داشتند.

شهرداری

۴ اردیبهشت

بالغ بر ۳۰ بانوی هرمزگانی در اعتراض به حقوق معوقه همسران‌شان جلوی استانداری هرمزگان دست به اعتراض زدند، این بانوان برای حفظ گمنامی همسران‌شان و برای اینکه با تهدید اخراج از کار مواجه نشوند، خود برای احقاق حقوق معوقه‌شان دست به تجمع زدند. این ۳۰ نفر به نمایندگی از ۵۰۰ کارگری که در شهرداری منطقه سه بندرعباس مشغول به کار هستند و بالغ بر چهار ماه است از دریافت حقوق و حق بیمه محروم مانده‌اند، دست به تجمع زدند.

۱۹ اردیبهشت

کارگران در این طرح شدند.

۱۵ اردیبهشت

تجمع اعتراضی پرستاران مقابل ساختمان ریاست قوه قضائیه در اعتراض به عدم اجرای قانون تعرفه گذاری پرستاری و عدم اجرای مفاد قانون مشمولیت پرستاران به عنوان مشاغل سخت و زیان آور برگزار شد.

۱۸ اردیبهشت

تجمع کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز همزمان با ورود دادستان فارس به این شرکت، در محل کارخانه، در اعتراض به مطالبات معوقه ۱۵ ساله قبل برگزار شد.

۱۹ اردیبهشت

تجمع کارگران سامان کاشی بروجرد با خشونت و سرکوب نیروهای انتظامی مواجه شد. تجمع کارگران در اعتراض به معضل ۹ ساله این شرکت و مطالبه حقوق معوقه آنها بود. کارگران در اعتراض به تعطیلی شرکت و عدم رسیدگی به وضعیت معیشتی آنها در مقابل درب کارخانه تجمع کردند. برای خفه کردن صدای حق طلبانه آنها، و ایجاد فضای رعب و وحشت، کارگران را به بازداشتگاه منتقل کردند. اما در نهایت با مقاومت کارگران و گرفتن تعهدنامه مجبور به آزاد کردن آنها شدند. در تعهدنامه از پیش آماده شده از کارگران خواسته شده که نسبت به وضعیت معیشتی خود تجمع اعتراضی برگزار نکنند. زهی بی شرمی!

۱۴ اردیبهشت

اعتصاب رانندگان خودمالک اتوبوسرانی ارومیه بیستمین روز خود را پشت سر گذاشت. رانندگان خودمالک شرکت اتوبوسرانی ارومیه نسبت به عدم پرداخت مطالبات خود و وعده‌های توخالی مسئولان معترض هستند. این اعتصاب، که از روز پنجشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۴۰۰ شروع شد و معترضان خواستار پرداخت مطالبات عقب افتاده خود هستند. اما تاکنون آن چه در برابر سه هفته اعتصاب دریافت کرده‌اند، جز وعده‌های توخالی مسئولان نبوده است.

۱۵ اردیبهشت

پرسنل راهبر متروی تهران در محوطه شرکت بهره‌برداری مترو تجمع کردند. راهبران مترو خواهان اعمال حق جذب و سختی کار، قرار گرفتن در اولویت واکسیناسیون، اصلاح عناوین شغلی، اجرای کامل بخشنامه‌های افزایش دستمزد کارگری مصوب شورای عالی کار، عدم اجرای طرح حذف راهبر کمکی قطار، اصلاح فرمول و نحوه محاسبه مالیات بر حقوق پرسنل، رفع تبعیض میان کارکنان عملیاتی و پرسنل ستادی، احیا و اجرای دستورالعمل تأمین تجهیزات انفرادی راهبران

هستند.

۱۷ اردیبهشت

پیکر بی‌جان کارگران محبوس در معدن طرزه دامغان (میلاد روشنائی و سید اصغر افضلی) پس از ۶ روز از زیر آوار بیرون آورده شد. حوادث کارگری به دلیل نبود امکانات ایمنی و بی‌توجهی صاحبان سرمایه و مسئولان حکومت بی‌وقفه ادامه دارد. این حادثه همزمان با روز جهانی کارگر و در تونل شماره ۴۲ معدن طرزه دامغان بدلیل ریزش ناگهانی سقف کارگاه رخ داد. کارگران در قبال دستمزدی زیر خط فقر جانانشان را کف دست گذاشته‌اند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در اطلاعیه‌ای به همین مناسبت آورده است: «... جان کارگران برای صاحبان سرمایه هیچ ارزشی ندارد. سرمایه‌داران می‌دانند که لشکر ذخیره بیکاران همیشه در پشت درب کارخانه‌ها و معادن به صف شده‌اند و مهم نیست که جان کارگر در حین تولید سود برای کارفرمایان و سرمایه‌داران گرفته شود. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به خانواده قربانیان این فاجعه تلخ تسلیت گفته و باور ما این است که سرمایه‌داران و صاحبان سرمایه عامل قربانی شدن این کارگران هستند. در مقابل تمام جنایت و ستم‌گری‌های صاحبان سودپرست باید متحدانه ایستاد و اجازه ندهیم که این چنین هم سرنوشتان ما برای داشتن لقمه‌ای نان، جان عزیزشان قربانی شود».

۱۹ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای واقعه هجوم چماقداران خانه کارگر و شوراها را اسلامی کار به محل سندیکای نوپای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۴ را برای به‌خاطر سپردن حافظه تاریخ محکوم ساخت در این اطلاعیه آمده است: «یادآوری همه ساله ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ یکی از ضروریاتی است که جنبش کارگری باید همواره آن را به جامعه کارگری یادآوری کند. ... جنبش کارگری باید آگاه باشد یکی از موانعی که بسیار در سرکوب کارگران و استقلال تشکلهای کارگری و از بهم پیوستن اعتراضات امروز بازنشستگان جلوگیری کرده و نقش به‌سزایی داشته است، همین عناصر و عوامل خانه کارگر و شوراها اسلامی کار و کانون‌های هماهنگی شوراها بوده‌اند، که رد پایشان در تمام سال‌های گذشته و امروز به‌طور مشهود به چشم می‌خورد. سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام می‌دارد تنها راه برون رفت از این وضعیت اسفناک حاکم در جامعه ایجاد یک شورای متحد و یکپارچه مابین تمامی زحمتکش‌ان و مزد بگیران و ایجاد تشکلهای سندیکایی و مستقل کارگری در محیط‌های کار برای سازماندهی کردن اعتراضات کارگران تا رسیدن به مطالبات واقعی فرودستان و مزدبگیران در جامعه می‌باشد».

۱۸ اردیبهشت

عقب‌افتاده دست به تجمع زدند و خواستار اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند. یک هفته قبل از این تجمع نیز، تعدادی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد درخواست اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل را در شورای شهر و شهرداری تهران به ثبت رسانده بودند.

۳۰ اردیبهشت

در چهارمین روز از اعتراضات وسیع کارگران شرکت معادن «آسمینون»، کارگران به همراه خانواده‌های خود دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در روزهای ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ماه کارگران محدوده تونل محور کهنوج به بندرعباس را به طور کامل بستند. هر دو شب نیز در تونل ماندند تا امکان تحقق خواسته‌های خود را فراهم کنند. کارگران خواهان پرداخت حقوق معوقه و بستن کاری‌های خود و بازگشت به کار کارگران اخراجی هستند. واگذاری معدن به بخش خصوصی باعث تعطیلی بخش‌های زیادی از معدن و اخراج تعداد زیادی از کارگران شده است. به دنبال وعده‌هایی که مسئولان فرمانداری شهرستان رودان برای پی‌گیری مطالبات کارگران دادند، کارگران معدن به اعتراضات صنفی خود خاتمه دادند.

سرمایه‌داران و حکومت سرکوب‌گرشان، سیستماتیک و با تشکلات سیاسی و نظامی و امنیتی خود بی‌وقفه علیه کارگران و زحمتکشان در فعالیتی دیوانه‌وار به سر می‌برند و در مقابل کارگران و زحمتکشان و مدافعان آنها نیز علاوه بر از خودگذشتگی و حفظ روحیه مبارزاتی می‌بایست متحدانه در تشکلات مستقل سراسری صنفی و سیاسی به امر مبارزه طبقاتی بپردازند. تشکلات سراسری زحمتکشان آن چیزی است که کمبود آن حس می‌شود و لازمه مبارزات کنونی رنجبران است.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

کارگران بخش‌هایی غیرتولیدی در ذوب آهن در ساعت ۱۱ صبح دست از کار کشیده و اعتراض خود را نسبت به حقوق کم، پاداش، طبقه‌بندی کاملاً ناقص، ندادن خارج از مرکز، کارانه، هزینه اشل بیماری‌زایی، ساعات اضافه شیفت و ... اعلام کردند. این اعتراض نشسته تا ساعت ۱۲ ادامه داشت.

۲۲ اردیبهشت

چند تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، درخواست‌نامه مطالبات عقب‌افتاده کارگران و رانندگان را در شورای شهر و شهرداری به ثبت رساندند. در این درخواست‌نامه آمده است: «... ما رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تقاضای رسیدگی و دستورات لازم برای اجرای درخواست‌های خود را داریم و اعلام می‌نماییم که برای احقاق حق قانونی از تمام ظرفیت قانونی برای هرگونه اعتراض مانند روشن کردن چراغ اتوبوس‌ها در خطوط، پیگیری دسته جمعی در مقابل ساختمان شورای شهر و شهرداری و همچنین اصل ۲۷ قانون اساسی را برای خود محفوظ می‌داریم. ...»

۲۳ اردیبهشت

کارگران پیمانی مترو شیراز، برای سومین روز در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق و تبعیض در پرداخت آن، در برابر ساختمان قطار شهری شیراز دست به تجمع زدند.

۲۵ اردیبهشت

پنجمین روز اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه سیمان جویین سبزوار در اعتراض به پرداخت معوقات، حقوق پایین و شرایط کاری دشوار و همچنین تهدید ب۵۰ اخراج کارگران معترض توسط حراست در محوطه کارخانه تجمع کردند. پس از تأسیس کارخان ۵، کاران ۵ و بهره‌وری کارکنان بطور مداوم پرداخت می‌شد، اما از وقتی که ۵ هلدینگ غدیر مالک سیمان سپاهان شد، تمام مزایای پرسنل قطع شده است و کارگران در معرض اخراج و بیکاری قرار گرفته‌اند.

نیروهای خدماتی شهرک‌های صنعتی آبادان و خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوق دست به اعتصاب زدند. در مقابل اعتراض کارگران، مسئولین و مدیران تنها اقدامی که انجام داده‌اند، تهدید به اخراج کارگران بوده است.

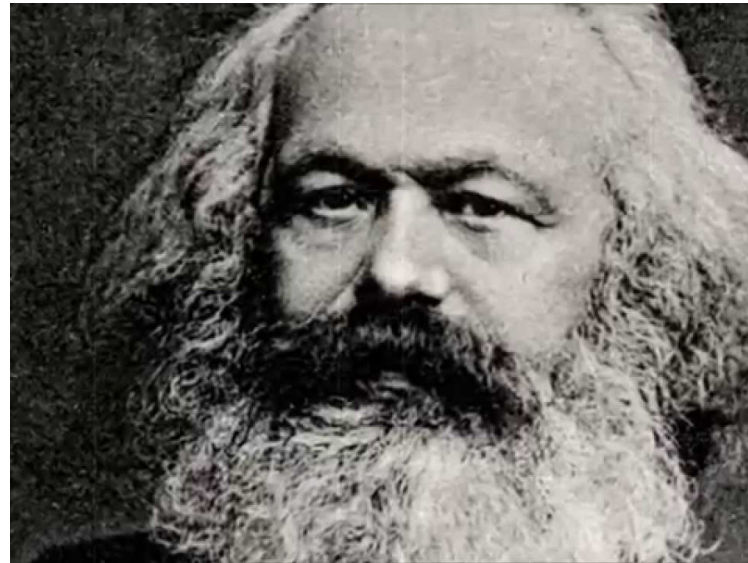
تجمع پرسنل بیمارستان امام خمینی کرج مقابل سازمان همیاری شهرداری‌ها در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه و دیگر مطالبات خود.

۲۸ اردیبهشت

تعدادی از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برای پیگیری عدم بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل و سایر مطالبات

فن آوری جدید تفاوت اضافی بین محصول روزانه و هزینه روزانه‌اش بیش‌تر می‌شود، در حالی که متعاقب آن، آن بخش از روز - کار (ساعات روزانه - توفان) که معادل مزد روزانه‌اش را تولید می‌کند، کوتاه‌تر می‌شود و آن بخش از روز - کار، که در آن او باید کار رایگان‌اش را به سرمایه‌دار پیش‌کش کند، طولانی‌تر می‌شود» (همانجا)، در نتیجه کارگری نیروی کار خود را (که خود کالا محسوب می‌شود) در قبال مزدی که دریافت می‌کند، می‌فروشد. در این میان پول کالای واسطه است. کارگر تولید می‌کند تا بتواند محصول تولید کارگران دیگر را برای رفع نیازش تهیه کند. پس پول هم نوعی کالا است که در سرمایه‌داری با نام مزد از جانب سرمایه‌دار به کارگران پرداخت می‌شود. قیمت همه کالاها، از جمله کار (که خود کالا است) پیوسته در حال تغییر است. همانطور که در بالا اشاره رفت، مزد در واقع بخشی از ارزش اضافی است که کارگر در پروسه تولید برای سرمایه‌دار می‌آفریند. انباشت سرمایه نیز در همین روند بوجود می‌آید که باعث رشد روزافزون سرمایه و در نتیجه افزایش قدرت سرمایه‌دار می‌گردد. هرچه مقدار سرمایه در اثر انباشت - یعنی در اثر استثمار کارگران - فزونی یابد، به همان نسبت قدرت و نفوذ سرمایه‌دار در جامعه و حکومت افزایش می‌یابد. سرمایه‌داری پیوسته سعی بر آن دارد - حتی با توسل به زور - تا مزد را تنزل دهد و کارگران نیز در مقابل برای بالابردن آن مبارزه می‌کنند.

کالاها بنابر «قانون ارزش» با یکدیگر مبادله می‌شوند. یعنی یک کالا با کالای دیگر به تناسب ارزش خود و یا به بیان دیگر میزان کاری که صرف تولید آن شده است، مبادله می‌شود. بهای یک کالا بر مبنای «کار اجتماعاً لازم» محاسبه می‌شود. همانگونه که اشاره رفت «زمان کار اجتماعاً لازم» مقدار زمانی است که جهت تولید کالای معینی با مهارت متوسط و کار رایج در جامعه معین لازم است. پس ارزش نیروی کار همانند ارزش هر کالای دیگری برحسب مقدار کاری معین می‌شود که برای تولید آن لازم است. اگر چند تولیدکننده کالای معین تولید کنند، بر مبنای تکنیک ابزار تولید و یا مهارت کارگران قطعاً «زمان اجتماعاً لازم» متفاوت و در نتیجه ارزش کالا نیز متغیر خواهد بود که عملاً باعث رقابت میان تولیدکنندگان می‌شود. در جوامع سرمایه‌داری اگر عرضه و تقاضا با یکدیگر تعادل داشته باشند، در آن صورت قیمت‌های بازاری کالاها با بهای طبیعی آنها، یعنی با ارزش‌های آنها، که برحسب مقدار کار لازم برای تولید کالاها معین می‌شود، مطابقت خواهند داشت، زیرا ارزش کالاها با زمان کاری که در روند تولید آنها مصرف شده است، نسبت مستقیم دارد. حتی ارزش طلا و نقره نیز مانند ارزش سایر کالاها برحسب مقدار کاری که برای استخراج آنها مصرف شده است، معین می‌شود. اضافه کنیم که بها در واقع همان بیان پولی ارزش است. ادامه دارد.



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

مزد، بها، سود (۱)

نیروی کار در جامعه سرمایه‌داری کالائی است همانند سایر کالاها، منتها با این تفاوت که این کالا ارزش آفرین است؛ منشأ ارزش است، بدون آن ارزشی به وجود نمی‌آید.

«ارزش بیان دیگری برای کار است. بیان دیگری که نشان‌دهنده مقدار کار اجتماعاً لازمی است که در هر کالای مشخص متجسم شده است». (نقل از مقدمه انگلس به مقاله: کار مزدوری و سرمایه»، کارل مارکس). مزد بخشی از ارزش اضافی است که سرمایه‌دار با پرداخت آن به کارگر در واقع نیروی کار او را می‌خرد. در پروسه تولید کالا توسط کارگر با استفاده از مواد خام و ابزار تولید خلق می‌گردد و سرمایه‌دار آن را در بازار به فروش می‌رساند. اگر فرض کنیم که قیمت یک کالا ۱۰۰ دلار است و در پروسه تولید ۸۰ دلار هزینه مواد خام، ساختمان، ماشین‌آلات و ... برمی‌دارد و کارفرما به کارگر ۱۰ دلار مزد می‌پردازد، ۱۰ دلار باقی‌مانده سودی است که نصیب کارفرما می‌شود. «با هر کشف جدید علمی و با هر

حتا دو انقلاب معاصر ایران «مشروطه» و «بهمن ۵۷» به رغم شکستشان، اما دست آوردهایی داشتند و آن آگاهی مردم در سطوح اجتماع، در فراگیری فعالیت سندیکایی، تحزب، فعالیت زنان، روشنفکران و هنرمندان، فیلم و تاتر و سینما، محصول این دو انقلاب بوده است. اینکه امروز هر نظری در مورد حاکمیت جمهوری اسلامی و ماهیت ضددمکراتیک او داشته باشیم، ایران امروز دیگر تحت سلطه استعمار خارجی نیست. از کاخ سفید برای ایران تصمیم نمی‌گیرند. شما ایران را می‌توانید با ممالک مشابهی در خلیج فارس، که انقلابی در آنها صورت نگرفت، مقایسه کنید. این مقایسه نباید در سطح صورت گیرد و با اشاره به دو برج و چند استخر و آسمان‌خراش‌ها را مایه پیشرفت و تکامل این جوامع بدانیم. سطح آگاهی سیاسی و فرهنگی زنان ایران و کل جامعه ما از تمام این ممالکی که انقلابی در آنها صورت نگرفته است، به مراتب بالاتر و غیر قابل قیاس است. حضور ۶۴ درصدی زنان ایران در دانشگاه‌ها خود نمونه مشخصی از تأثیرپذیری جامعه ما از انقلابات معاصر ایران دارد.

در ثانی انقلاب محصول اراده این فرد یا آن فرد و حزب و سازمان نیست. انقلاب یک ضرورت تاریخی است، محصول مناسبات اجتماعی و در بن بست قرارگرفتن نیروهای مولده است که سرانجام برای رهاشدن از بند نظم کهن، صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر انقلاب شدنی است، نه کردنی، توده مردم سرانجام برای دفاع از خود به قهر متوسل می‌شود. این یک قهر تدافعی و مشروع است باید از آن در مقابل قهر تهاجمی و غیر مشروع و ارتجاعی به دفاع برخاست.

باز هم برایمان بنویسید، موفق باشید.

بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!

twitter

TOUFANHEZBEKAR



پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: دوستان محترم توفان، شما دائما از انقلاب و قهر می‌نویسید در حالیکه در هیچ کشور دنیا، که انقلاب کردند، چیزی جز بدبختی و فلاکت نصیب مردم نشده است. جامعه بشری اساسا نیازی به انقلاب ندارد. کشور ما هم احتیاجی به انقلاب نداشته و نخواهد داشت. آیا فکر نمی‌کنید راه کشورهایی که انقلاب نکردند برای جامعه ما مفیدتر باشد؟

پاسخ: با تشکر از نامه‌تان. با نظرتان موافق نیستیم. بی‌تردید بدون انقلابات دو قرن اخیر، جامعه بشری بدینجا و در تکامل امروزی نمی‌رسید. بدون انقلابات فرانسه، آلمان و جنبش‌های کارگری در اروپا، مردم به این حداقل‌های امروزی، جدایی دین از دولت، آزادی بیان و احزاب و اجتماعات و رفاه نسبی ... نمی‌رسیدند. بدون انقلاب سوسیالیستی شوروی حقوق دمکراتیک مردم اروپا تعمیق نمی‌یافت. حق رأی به زن، برابری حقوق مرد و زن در سال ۱۹۱۷ چنان تأثیری بر جنبش زنان اروپا گذاشت که بسیاری از این ممالک مدعی دمکراسی ناچار شدند حق رأی به زنان را پس از چهار سال در ۱۹۲۱ به تصویب برسانند. در آسیا و آفریقا نیز با انقلاب اکتبر شوروی نظم کهن استعماری درهم شکست و بسیاری از کشورها از بند استعمار رها شدند. انقلاب کبیر چین در ۱۹۴۹، سواى اینکه امروز چه نظری در مورد این کشور داشته باشیم، ۸۰۰ میلیون انسان را از بند استعمار، فقر و گرسنگی نجات داد. مردم ویتنام بدون انقلاب رهایی‌بخش تحت رهبری «هوشی مین» و بیرون‌ریختن متجاوزین آمریکائی و فرانسوی امروز پاسخ‌گوی نان و عدالت مردم نبودند و به استقلال دست نمی‌یافتند. خلق کوبا بدون انقلاب علیه نظم پوسیده وابسته به امپریالیسم آمریکا و کسب استقلال سیاسی نمی‌توانست به بهداشت، درمان، کار و آموزش پاسخ دهد.

facebook

TOUFAN.HEZBEKAR

و به اسارت کشیدن بشر به چنین جنایت غیر قابل انکاری دست زده است، محکوم کند و وی را در کنار جنایتکاران جنگی نظیر هیتلر بشناسد. مگر جنگ امپریالیستی جنایت نیست؟ مگر نباید از کشتار میلیونی توسط لیبرال‌های اروپائی سخن گفت؟

دوم اینکه جنگ جهانی دوم از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ به مدت شش سال طول کشید. و از جنگ جهانی اول مهیب‌تر بود. صحنه‌سازان آن همان دموکرات لیبرال‌های اروپائی - آمریکائی بودند. در این جنگ کوره‌های آدم‌سوزی امپریالیست‌ها به کار افتادند و با ماشین آدمکشی، که روز و شب در کار بود و با نقشه و کارشناس و تکنیک مدرن آدم می‌کشت، شش میلیون یهودی را در بازداشتگاه‌ها و یا کوره‌های آدم‌سوزی کشتند؛ آمریکائی‌ها با بمب اتمی به جان ژاپنی‌ها افتادند و هیروشیما و ناکازاکی را، حتی پس از آمادگی ژاپن به تسلیم، به خاکستر بدل کرده صدها هزار انسان بی‌دفاع و پُر امید را نابود کردند. ولی هیچ بورژوائی حاضر نیست رهبران آدمکش بورژواهای اروپائی و آمریکائی را بخاطر این جنایات دهشتناک محکوم کند. محکومیت هیتلر، که جنگ را باخت نیز برای خالی نبودن عریضه است. ارتش‌های چند میلیونی، آلمان، اتریش، مجارستان، رومانی، چک، بلغارستان و ... به شوروی حمله می‌کردند و پشت سر خود زمین سوخته باقی می‌گذارند و هر جنبنده‌ای را می‌کشتند. آلمانی‌های امپریالیست در عرض چهار سال ۲۰ میلیون نفر (بر اساس آمار دقیق‌تری ۲۵ میلیون نفر را در شوروی با تانک و توپ و هواپیما، «اس اس» و «اس آ» و «گشتاپو» و «وهرماخت» از دم تیغ بی‌دریغ نژادپرستی گذراندند. در این جنگ ۱۱۰ میلیون سرباز شرکت داشتند که بجان هم افتاده و متقابلاً همدیگر را درو می‌کردند. ۲۷ میلیون قربانی شدند، ۲۵ میلیون افراد غیرنظامی کشته شدند که شش میلیون آن یهودی بودند. شوروی بیست میلیون کشته داد. برای تولید وسایل نظامی، که برای چنین کشتاری لازم بود،

گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش

پرسش: آقایان و خانم‌های محترم توفان با خواندن مقاله‌ای از حزب شما در دفاع از استالین تعجب کردم که هنوز گروهی است که از استالین جنایتکار که بیش از ۲۶ میلیون آدم بیگناه را کشت و میلیون‌ها نفر را در اردوگاه‌های ضدانسانی به کام مرگ فرستاد، دفاع می‌کنید. آیا واقعا جوابی برای پرسش من دارید؟

پاسخ: دوست عزیز! شما متأسفانه تمام جعلیات و تحریفات جهان سرمایه‌داری در مورد سوسیالیسم و انقلاب اکتبر و استالین را بدون اما و اگر پذیرفته‌اید. کشتار ۲۶ میلیونی استالینی افسانه است. این دروغ‌ها را باور نکنید. باید به عقل و منطق و تحقیق رجوع کنید نه به انبان دروغ و اتهام. از آنجا که علاقمند به این بحث هستید، فقط به یک نکته که بسیار برای شما جنبه اخلاقی و احساسی و اومانستی دارد، اشاره می‌کنیم به این امید که برایتان مفید افتد.

یکم اینکه در جنگ جهانی اول، که از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ طول کشید، ۶۵ میلیون سرباز شرکت داشتند. در طی چهار سال، بی‌وقفه به کشتار یکدیگر مشغول شدند و حتی برای قتل عام حریف به گاز سمی متوسل گشتند و سرانجام پس از هشت سال که ملل اروپا با ارتش‌های منظمی به جان هم افتادند «تنها» قادر شدند هشت و نیم میلیون نفر را قربانی مطامع آزمندانده خود کنند. این جنگ فجیع امپریالیستی ۲۱ میلیون مجروح از خود به جای گذارد. ولی هیچ بورژوائی حاضر نیست رهبران کشور خود را، که فقط برای بهره‌کشی از انسان و کسب سود حداکثر

یا آنکه باید فرض را بر این بگذاریم که صنایع نوپای شوروی بجای تدارک جنگ علیه نازیسم و فاشیسم سالها در کار تولید فشنگ برای قتل عام مردم شوروی بوده است. ما از طول عمر سلاحها، که با این همه شلیک گلوله فرسوده شده و باید تعویض شوند، سخن نمی گوئیم. برای کشتار بیست میلیون نفر باید کارخانههای تسلیحاتی برپا داشت، صنایع بولدزسازی را براه انداخت، میلیونها تن مواد سوخت مصرف کرد، صدها هزار انسان را سالها در صنایع آدمکشی به کار گرفت تا افسانه کشتار بیست میلیون نفر درست از کار درآید. حال به بیست میلیون «جنایات استالین» بیست الی بیست و پنج میلیون جنایات هیتلر را در زمان جنگ جهانی دوم در شوروی نیز اضافه کنید خواهید دید که شوروی ۴۰ تا ۴۵ میلیون انسان خود را از دست داده است. این مقدار در آن تاریخ یک چهارم جمعیت شوری و دو برابر و نیم جمعیت آنروز ایران است. کشوری که در عرض سی سال یک چهارم جمعیت خود را بدون محاسبه کشتار گارد سفیدها و جنگ اول جهانی از دست بدهد، چگونه می تواند پوزه فاشیسم را به خاک بمالد و بشریت را از دست عفریت نژادپرستان امپریالیسم رها سازد و به ترقیات و تولیدی عظیم دست پیدا کند که به یکی از قدرت های اقتصادی، سیاسی و نظامی بزرگ جهان بدل شود؟ با کدام نیروی فعال؟

چطور ممکن است که ۴۶ میلیون سر به نیست شوند و مردم شوروی آنرا از چشم استالین نبینند و حاضر باشند به یاد وی به خیابانها بریزند و از او دفاع کنند؟

دوست عزیز! این محاسبات ساده نشان می دهد که دشمنان جهانی کمونیسم و رسانه های شستشوی مغزی افکار عمومی از هیچ دروغ و دغلی برای بدنام کردن کمونیسم دریغ نمی کنند. مبارزه ایدئولوژیک آنها علیه سوسیالیسم همواره ادامه داشته و خواهد داشت. این یک نبرد ایدئولوژیک و طبقاتی است و تازمانی که جامعه طبقاتی و منافع متضاد طبقاتی، استثمار و بردگی مزدی وجود دارد، این نبرد ادامه خواهد داشت.

برایتان موفقیت آرزو می کنم.

صنایع کشورهای امپریالیستی سالها و با تمام ظرفیت و بطور شبانه روزی تولید می کردند، صدها اسیر را به بیگاری گرفته بودند، میلیاردها گلوله تفنگ و طپانچه و توپ و خمپاره و بمب تهیه کردند و بر سر یکدیگر ریختند. در الجزایر و ویتنام که سالها بر علیه سلطه فرانسه و آمریکا جنگیدند و آمریکائیها حتی بمب شیمیائی ناپالم بر خلاف تمام موازین بین المللی بکار بردند، در هر کدام در طی سالها جنگ «تنها» یک میلیون نفر به قتل رسید.

سوم اینکه حال چگونه است که استالین یک تنه و یا حتی چند تنه و با تکیه بر حزب کمونیست بلشویک قادر شده در عرض مدت دیر کلی آن هم در زمان تدارک و سپس جنگ جهانی دوم و دوران سازندگی شوروی ۲۶ میلیون نفر را بکشد و بقولی تصفیه کند و بیش از ۲۰ میلیون را نیز در اردوگاه های مرگ کشته است؟! خوب این تعداد را سبک سنگین کنید، ۲۶ میلیون نفر! طبیعی است که برای کشتن ۲۶ میلیون نفر باید حداقل چند میلیون نفر از آنها حفاظت کرده و سپس کلکشان را بکنند. یعنی در شوروی مردم و رهبران آن کار دیگری نداشتند جز اینکه همدیگر را طوری بکشند که حتی همه امپریالیست ها به اتفاق در طی دو جنگ جهانی با تسلیحات مدرن و سرسام آور خود، با صدها میلیون سرباز خود، قادر نشدند به حد کشتار آنها برسند؟!

برای کشتن ۲۶ میلیون نفر با محاسبه تیر خلاص حداقل به سه گلوله نیاز است که شصت میلیون فشنگ را ضروری می سازد. اگر برای تیرباران و دفن هر کدام یک ساعت در نظر بگیریم با رقم بیست میلیون ساعت که معادل ۲۲۸۳ سال است، روبرو می شویم، حتی اگر تصور کنیم که قربانیان استالین را با بولدزر دفن کرده باشند و هر ساعت هزار نفر را بخاک سپرده باشند، باز با رقم عجیب ۲/۲۸ سال روبرو هستیم. توجه کنید عده ای باید ۲۴ ساعت بدون تنفس و هر ساعت هزار نفر را دفن کنند. اما برای دفن هزار نفر در هر ساعت و آنهم در سه شیفت به چند ده هزار آدم نیاز هست که کاری جز تدفین مقتولین در عرض این چند سال نداشته باشند. آنها باید سرزمینی را به وسعت حداقل بیست میلیون متر مربع کنده و خاکبرداری کرده باشند. حال معلوم نیست که دستگاه های امنیتی شرق و غرب چرا پس از گذشت ۱۰۰ سال از انقلاب اکتبر قادر نشده اند این قبور دستجمعی را پیدا کنند و ادعاهای خود را مستند سازند. آنها که در لهستان گور افسران لهستانی را، که بدست نازی ها قتل عام شدند، پیدا کرده و آنرا به دروغ به شوروی ها نسبت می دهند، چرا قادر نیستند با دستگیری نوکرشان «پلتسین» ها این گورهای میلیونی را پیدا کنند؟

حال فرض کنیم که برای تولید ده هزار گلوله به یک روز زمان نیاز باشد. برای قتل عام بیست میلیون نفر به ۶۰۰۰ روز تولید گلوله به ازاء هر نفر سه گلوله نیاز خواهد بود. ناگفته پیداست که این رقم معادل کار خستگی ناپذیر چند سال است.



از تارنمای آزمایشی حزب کار ایران (توفان) دیدن کنید



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						